



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مناسک حج



آیت اللہ سید محمد باقر شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک حج آیت الله سید محمدباقر شیرازی

نویسنده:

آیت الله سید محمد باقر شیرازی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	مناسک حج آیت الله حاج سید محمد باقر شیرازی
۹	مشخصات کتاب
۹	[بخش اول: مناسک]
۹	پیشگفتار و مقدمه
۱۰	مقدمه معظم له
۱۰	اشاره
۱۰	امر اول:
۱۲	امر دوم:
۲۲	مقدمه ای در آداب سفر
۲۹	شرایط وجوب حج
۳۹	وصیت به حج
۴۲	نیابت در حج
۴۵	انقسام حج
۴۵	اشاره
۴۶	۱- حج افراد
۴۸	[۲- حج قران
۴۸	[۳- حج تمتع
۴۸	مقصد اول: افعال عمره تمتع
۴۸	اشاره
۴۹	مطلب اول: احرام
۴۹	در بیان واجبات احرام
۴۹	اشاره
۴۹	اول: نیت
۵۱	دوم: پوشیدن دو جامه است
۵۱	اشاره
۵۲	شرایط لباس مُحَرَّم
۵۵	۲ مستحبات حرام
۵۸	۳ مکروهات حرام
۵۸	مواظقت احرام
۶۳	تروک احرام
۶۳	اشاره
۶۵	کفّرات شکار:
۸۴	مکان کشتن کفّرات احرام
۸۵	حدود حرم
۸۶	مستحبات دخول حرم
۸۷	آداب مسجد الحرام و مکه معظمه
۹۰	مطلب دوم: طواف
۹۰	اشاره
۹۱	شرایط طواف

۹۱	شرط اول:
۹۳	شرط دوم:
۹۴	شرط سوم:
۹۴	شرط چهارم:
۹۴	شرط پنجم:
۹۵	واجبات طواف
۹۵	اشاره
۹۵	واجب اول:
۹۵	واجب دوم:
۹۵	واجب سوم:
۹۷	واجب چهارم:
۹۷	واجب پنجم:
۹۸	واجب ششم:
۹۸	واجب هفتم:
۹۸	اشاره
۱۰۰	شک در عدد اشواط طواف
۱۰۳	مستحبات طواف
۱۰۵	مطلب سوم: نماز طواف
۱۰۷	مطلب چهارم: سعی بین صفا و مروه
۱۰۷	اشاره
۱۰۷	مقصد اول: مستحبات قبل از سعی و آداب سعی
۱۰۸	مقصد دوم: در بیان واجبات سعی و احکام آن
۱۱۱	مقصد سوم: مستحبات سعی است
۱۱۲	مطلب پنجم: تقصیر
۱۱۲	اشاره
۱۱۳	حکم معذور بودن از عمره تمتع
۱۱۴	مقصد دوم: افعال حج تمتع
۱۱۴	اشاره
۱۱۴	مطلب اول: احرام
۱۱۴	اشاره
۱۱۴	محل احرام حج
۱۱۷	مطلب دوم: وقوف در عرفات
۱۱۷	واجب دوم از واجبات حج تمتع، وقوف در عرفات است، و آن موضعی است که محدود به حدود معتینه و در چهار فرسخی مکه قرار دارد. وقوف در عرفات، مستحبات و واجباتی دارد که ذیلاً بیان می گردد:
۱۲۳	مطلب سوم: وقوف در مشعر الحرام
۱۲۷	مطلب چهارم: واجبات منی
۱۲۷	اشاره
۱۲۷	۱ رمی جمره عقبه: مکلف باید به محلی که نام آن جمره عقبه است رفته و به ستونی که در آنجا است سنگ ریزه بزند که در آن چند چیز معتبر است:
۱۲۸	۲ قربانی
۱۲۸	اشاره
۱۳۲	و اما مستحبات هدی (قربانی)
۱۳۲	۳ حلق یا تقصیر

۱۳۲ اشاره
۱۳۳ مستحبات خلق
۱۳۴ مطلب پنجم: طواف حج و نماز آن و سعی
۱۳۴ اشاره
۱۳۶ طواف نساء و نماز آن
۱۳۷ مطلب ششم: بیتوته در منی
۱۳۸ مطلب هفتم: رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم
۱۳۸ اشاره
۱۳۹ مستحبات رمی جمرات
۱۴۰ طواف وداع
۱۴۰ احکام مصدود
۱۴۲ احکام محصور
۱۴۵ بخش دوم: استغاثات [حج]
۱۵۴ بخش سوم: آداب زیارت پیغمبر اکرم(ص) و حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) و اذن دخول حرم مطهر پیغمبر اکرم(ص)
۱۵۴ [زیارت اول]
۱۵۷ زیارت دوم
۱۵۸ زیارت سوم
۱۵۹ زیارت چهارم آن حضرت
۱۶۲ فصل پنجم: در فضیلت زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۱۶۲ اشاره
۱۶۴ زیارت دوم
۱۶۵ فضیلت زیارت قبور ائمه بقیع علیهم السلام
۱۶۵ اماکن مقدسه بقیع
۱۶۹ زیارت دوم
۱۷۲ زیارت سوم
۱۷۲ زیارت چهارم
۱۷۲ زیارت پنجم
۱۷۴ زیارت حضرت امام محمد باقر علیه السلام
۱۷۵ زیارت امام جعفر صادق علیه السلام
۱۷۶ عمومی پیامبر اکرم(ص)
۱۷۶ زیارت فاطمه بنت اسد علیهما السلام و والده حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۷۷ زیارت ابراهیم بن رسول الله(ص)
۱۷۸ زیارت دختران پیغمبر اکرم(ص) در قبرستان بقیع
۱۷۹ (زیارت دو عقیقه پیغمبر اکرم(ص) صفیه و عاتکه
۱۷۹ زیارت فاطمه اُمّ البتین مادر حضرت ابوالفضل العباس علیهما السلام
۱۷۹ زیارت جناب غفیل و عبدالله بن جعفر الطّیار
۱۷۹ زیارت شهدای واقعه خزه و زخمی های شهدای اُحد
۱۷۹ زیارت حلیمه سعدیه
۱۸۰ اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام
۱۸۱ وداع با پیامبر(ص)
۱۸۲ زیارت وداع دیگر

۱۸۲	زیارت حضرت خدیجه
۱۸۲	زیارت مادر گرامی حضرت پیغمبر اکرم (ص) جناب آمنه سلام الله علیها
۱۸۳	زیارت پسر پیامبر اکرم (ص) حضرت قاسم در قبرستان مکه
۱۸۳	زیارت پدر حضرت امیرالمؤمنین حضرت ابوطالب علیهما السلام در قبرستان حجون
۱۸۳	زیارت جد پیامبر اکرم (ص) حضرت عبد مناف
۱۸۴	زیارت جد بزرگوار پیامبر اکرم (ص) حضرت عبدالمطلب علیه السلام
۱۸۵	فصل هشتم: زیارت اماکن مقدسه مکه معظمه
۱۸۵	اول: زیارت شهداء فح
۱۸۵	دوم: رفتن به غار جراه
۱۸۵	سوم: رفتن به کوه ثور است
۱۸۵	چهارم: خواندن این دعا ...
۱۸۵	پنجم: رفتن به کوه ابوقیس
۱۸۵	ششم:
		هفتم: این دعا را در محل ولادت پیغمبر اکرم (ص) که در میدانی نزدیک سوق اللیل واقع شده و فعلاً آن محل شریف کتابخانه است، می خوانی: اللَّهُمَّ بِجَاهِ نَبِيِّكَ الْمُصْطَفَى وَرَسُولِكَ الْمُتَرْتَضَى طَهِّرْ قُلُوبَنَا مِنْ كُلِّ وَضْفٍ بِيَاعَدْنَا عَنْ شَاهِدَتِكَ وَ مَخْبِيَّتِكَ وَ آمِنْنَا اللَّهُمَّ عَلَى السَّنَةِ وَ الْجَمَاءِ
۱۸۶	افضل هفتم: ادعیه
۱۸۶	دعای حضرت اباعبد الله الحسین علیه السلام در روز عرفه
۲۰۲	دعای امام سجاد علیه السلام در روز عرفه
۲۱۳	دعای کمیل بن زیاد رحمه الله علیه
۲۲۰	زیارت حضرت عبدالله والد گرامی پیغمبر اکرم (ص)
۲۲۲	در باره مرکز

نویسنده : محمد باقر شیرازی

ناشر : محمد باقر شیرازی

برگرفته از:

<http://www.smb-shirazi.com/farsi/showmanasek.php>

[بخش اول: مناسک]

پیشگفتار و مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَكَرْنَا وَمَنَّا وَهُدًىً لِلْعَالَمِينَ ... وَ مَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا.

كما قال عز اسمه: وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ.

الحمد لله الذي عمَّ نِعْمَهُ و آلائه ، فلا يحصى نِعَمَهُ الْعَادُونَ و تفضل بها على عباده فلا يُؤَدِي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ و مَنَّ بِأَعْظَمِهَا و أَتَمَّهَا و أَسْنَاهَا ، إذ بعث فيهم خاتم الأنبياء و المرسلين محمداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ و آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ، سَيِّمًا سَيِّدَنَا و مولانا أميرالمؤمنين و صاحب العصر و الزمان بقیه الله فی الارضین ، عليهم أفضل صلوات المصلين و اللعنه الدائمة على أعدائهم أعداء الله أجمعين الى قيام يوم الدين.

بی شک حج که یکی از واجبات الهی است و به نوبه خود ، رکنی از ارکان مستحکم دین مقدس اسلام است، توانسته است در طول تاریخ از ابتدا تا امروز و تا فرداها ضمن حفظ اتحاد و یکپارچگی همه مسلمانان با آراء و قومیت های مختلف، عظمت و صف ناپذیری را برای اسلام و مسلمین به همراه داشته باشد که در سایه آن، تبلیغات وسیعی در جهت گرایش انسانهای طالب حق و حقیقت به این دین مقدس نیز صورت پذیرفته و میگیرد، اگرچه طرح یکسری برنامه های منسجم در کنار اتحاد واقعی و اصولی فرق مختلف اسلامی، میتواند دامنه این اثر بخشی را وسیع تر سازد.

و از آنجا که آشنایی با احکام و آداب این شعار بزرگ امت اسلامی، هم اثر بخشی معنوی و تبلیغ دینی آن

را افزایش می دهد و هم سبب قبولی اعمال و احیاناً برخورداری از ثوابهای بیشتری می گردد و با توجه به نیاز به بازبینی نسخه قبلی تلاش مضاعفی شد تا در نسخه حاضر تعداد بیشتری از مسائل مورد ابتلاء حجاج محترم بیان گردد. و علاوه بر آن، روان سازی عبارات و تبدیل حاشیه ها به متن اصلی و ویراستاری در متون، به منظور تسریع بیشتر در فهم مسائل و عبارات نیز در این نسخه صورت پذیرفت که با توفیقات الهی، در بهار ۱۳۸۷ هجری شمسی به صورت حاضر تنظیم و پس از مراجعه مجدد حضرت آیت الله العظمی شیرازی (مدّ ظلّه) و تأیید معظم له، آماده طبع گردید که به حضور شما حجاج و معتمرین معزز تقدیم میگردد.

ضمن اینکه به منظور در دسترس بودن ادعیه و آداب زیارات مشاهد مشرفه و عدم نیاز به حمل کتابهای دیگر در ضمن اعمال حج و یا عمره، آنچه از این آداب و اذکار لازم و ضروری به نظر رسید همراه با اعراب کامل، در ضمن اعمال و در پایان کتاب ذکر گردیده است. با آرزوی قبولی طاعات و عبادات شما عزیزان با حجی مبرور و سعی مشکور ان شاء الله.

میلاد باسعادت حضرت صاحب الزمان (عج)

واحد تحقیقات و استفتائات

دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد باقر شیرازی مدّ ظلّه

واحد شیراز / سید مرتضی شیرازی

تابستان ۱۳۸۷

مقدمه معظم له

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

اگرچه آگاهی از احکام حج، قبل از تشرّف به آن اماکن مقدّسه بر هر حاجی لازم است لیکن قبل از بیان مسائل و احکام حج، زیننده است مقدمه ای مشتمل بر پاره ای از امور متذکّر گردد:

امر اوّل :

عظمت و برتری مکه معظمه و خانه کعبه بر تمام نقاط روی زمین امری است واضح و مسلّم و آنچه در برخی از روایات نسبت به برتری زمین کربلا بر مکه معظمه آمده که مرحوم سید بحر العلوم فرموده اند: ((و من حدیث کربلا و الکعبه بان علو الرتبه لکربلا))، ممکن است از برخی جهات نظیر استشفاء به تربت آن حضرت و فضیلت نماز با آن تربت شریف و امثال آن و یا نظیر برتری زیارت آن حضرت بر حج بلکه هزار حج باشد که همگی به حسب عالم معنا است لحاظ شده باشد و گرنه تقدّم مکه معظمه و حج بر مدینه و کربلا و زیارت آنان، به حسب موازین ظاهری در دین مقدس اسلام، امری مسلّم و واضح است.

و امّا اینکه این شرافت و فضیلت آیا ذاتی این مکان شریف است یا به سبب انتساب به ذات مقدس الهی است، و اصولاً آیا زمان و مکان دارای شرافت ذاتی هستند یا اعتباری؟! و آیا شرافت قدسیّت آن مکان شریف مربوط به خود آن مکان است از جهت زمین، و یا مراد زمین با عمارت کعبه است، و یا مراد هردو همراه با فضای محاط بر آن تا حد معینی و یا تا آسمان هفتم می باشد؟! و در این صورت، امکان تصور شرافت فضا با حرکت زمین در فضایی که پیوسته در تغییر و تحوّل است

چگونه ممکن است؟! و آیا کعبه، قبله و اشرف نقاط کره زمین است و یا شامل کرات دیگر منظومه شمسی خاصه کراتی که کره زمین را می بینند همچنان که در روایات هم نسبت به زمان ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه آمده که کرات دیگر هم مرکز حکومت و امامت و رفت و آمد آن حضرت و اصحاب ایشان خواهد بود گردیده و یا از تمام کرات دیگر هم افضل است؟! و ارتباط این اشرفیت به این دلیل است که دین مقدس اسلام مختص به این کره است یا شامل کرات دیگر نیز می شود؟!!

لیکن آنچه در این خصوص اجمالاً باید گفت آن است که بطور قدر مسلم، جهت قبله و حج کرات نزدیک به کره زمین مانند کره ماه و امثال آن خصوصاً کراتی که زمین را بینند، همین کعبه موجود است با توضیح و شرح و بسطی که در محل خود بیان گردیده است.

امر دوم:

آنچه در روایات نسبت به فضیلت و ثواب تشریف به حج بیان گردیده، سبب تعجب و تحیر است خصوصاً خود سوره حج که با آیه شریفه: ((يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَدِيدَةٌ عَظِيمٌ)) ابتدا شده، خود بیانگر تأثیر بسزای اعمال حج در ابعاد مختلف زندگی انسان به خصوص بُعد معنوی و خداشناسی و ترس از غضب الهی و روز قیامت است.

همانطور که از بیان روایات نیز در اهمیت فریضه حج نیز استفاده میشود که حتی اگر لازم باشد مسلمانان در خوراک خود قناعت کنند و نان و سرکه و امثال آن را بخورند بهتر است که این عمل را انجام دهند ولی حج را

ترک نکنند (بلکه در برخی از روایات وارد است که اگر دین و قرض هم داشته لیکن امید پرداخت آن را داشته باشد و مُطالَب هم نباشد حج را ترک ننماید)، و اشاراتی از این قبیل، توجه همگان را به اهمیت این فریضه الهی معطوف میدارد.

و برای تمین و تبرک و توجه و تذکر همگان به این اهتمام و اهمیت بیشتر نسبت به کسانی که موفق به این عبادت خالصانه شده و می شوند و بدانند که خداوند تبارک و تعالی چه نعمت و مَنّت بر آنها نهاده است، روایات چندی را ذیلاً بیان می نمایم:

۱ روایت شریف و مشهوری که اکثر مشایخ و بزرگان حدیث نقل فرمودند و آن اینکه: ثواب یک نماز واجب بهتر است از بیست حج و هر حجی بهتر است از یک خانه پر از طلا که همه را در راه خدا انفاق کند.

۲ روایت دیگر که اسحاق بن عمار از محمد بن مسلم که هر دو از بزرگان اصحاب هستند از حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده است که شخصی بر ایشان وارد شد، حضرت فرمودند: آیا با نیت حج وارد شدی: عرض کرد بلی، فرمودند: آیا می دانی چه مقدار ثواب برای حاجی معین شده است: گفت نمی دانم جانم به فدای شما، حضرت فرمودند: هر کس برای حج به مکه معظّمه با تواضع و خشوع برای ذات مقدس الهی قدم بگذارد و زمانی که داخل مسجدالحرام بشود، قدمهای خود را از خوف و ترس از خداوند کوتاه بردارد و سپس طواف نموده و دو رکعت نماز بخواند، خداوند برای او ثواب هفتاد هزار حسنه می نویسد و از او

هفتاد هزار گناه و سیئه را محو مینماید و او را هفتاد هزار درجه بالا میبرد و شفاعت او را در باره هفتاد هزار حاجی قبول می فرماید و ثواب هفتاد هزار بنده که قیمت هر بنده ده هزار درهم باشد را در نامه عمل او می نویسد.

۳ در وسایل الشیعه از شیخ صدوق در الفقیه نقل فرموده که روایت شده است که: ثواب یک درهم در حج بهتر است از هزار هزار درهم در غیر از آن و یک درهم که برسد به امام مثل هزار هزار درهم است در حج. و البته مفاد این روایت شریف مطابق با روایت معروف و مشهور ((بُنی الاسلام علی خمس: علی الصلاه و الزکاه و الحج و... و الولایه و لم یُنادِ بشیئ کما نُودی بالولایه)) است.

و نظیر روایت شریفی که ثواب اطعام در روز غدیر خم را معادل اطعام صد هزار نبی و صد هزار صدیق و صد هزار شهید دانسته است، که البته باید گفت ولایتی که شرط اساسی توحید و اِکمال و اِتمام دین باشد، قطعاً چنین ارزش و اهمیتی داشته و دارد و لذا صرف مال در مسئله امامت و ولایت حضرت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلام و اثبات هر چه بیشتر مراتب و منزلت ایشان، هزاران مرتبه بالاتر از حج و امثال آن، دارای ارزش و ثواب است.

اما گرچه در پاره ای از روایات فضیلت و برتری حج حتی بر عتق و آزاد نمودن بنده و امثال آن نیز بیان شده و در برخی از آن ها تأکید بر انجام همه ساله این فریضه حتی به لفظ وجوب بر اصحاب جدّه و متمکنین شده

و برخی دیگر ترک آن را بیش از پنج سال مناسب و شایسته ندانسته اند، لکن با همه این فضائل آیا تشریف به حج و عمره ی مستحب، افضل است یا تصدق و کمک به مستمندان؟! محل اشکال و اختلاف بین روایات و بیانات است و احتمال نزدیک دارد که اختلاف روایات به حسب اختلاف مراتب و احتیاج فقراء و مستمندان باشد.

و روشن ترین روایت نسبت به آن به حسب آنچه رؤیت شده روایاتی است نظیر:

۱ روایت شریف ابی بصیر که اکثر بزرگان و مشایخ حدیث آنرا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل نمودند که ایشان فرمودند: اگر یک حج بنمایم برای من محبوب تر است از آزاد کردن یک بنده، و تا ده عدد و هفتاد بنده شمردند، ولی اگر یک خانواده ای از مسلمین را متکفل بشوم و گرسنگی آن ها را برطرف سازم و آن ها را بپوشانم و آبروی آن ها را حفظ کنم ثواب آن نزد من محبوب تر از ثواب ده حج است، و ده تا ده تا، تا هفتاد حج شمردند.

۲ روایت شریفی دیگری که در کتاب وسائل الشیعه از شیخ کلینی قدس سرّه به سند خود از سعید سمّان روایت کرده که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که کدام یک نزد شما افضل است: حج یا صدقه؟ حضرت فرمودند: ((ما أحسن الصدقه)) تا سه مرتبه، یعنی چه نیکو است صدقه دادن. پس گفتم کدام یک افضل است؟ حضرت فرمودند: اگر شخص برای انجام فریضه حج ده درهم داشته باشد لیکن پنج درهم آنرا در راه حج مصرف کند و پنج درهم دیگر را انفاق کند، به درستی در آن اجر و

ثواب عظیمی است.

و بیان حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوٰه و السلام فوق تمام بیانات است که فرمودند: ((و لعلّ بالحجاز أو الیمامه من لا عهد له بالشعب، أو اکون كما قال الشاعر: وَ حَشْبُكَ دَاءٌ أَنْ تَبَيْتَ بَبْطَنِهِ وَ حَوْلُكَ أَكْبَادُ نَحْنُ إِلَى الْقَدْرِ أَيَّامًا)). یعنی آیا سزاوار است که من سیر بخوابم و چه بسا افرادی که در حجاز و یمامه باشند که از سیری خبری نداشته باشند، تا مشمول گفته شاعر باشم که گفته است: کافی است تو را این درد که سیر بخوابی و در اطراف تو دل هایی باشد که آرزوی غذایی داشته باشند. و از این قبیل روایات که در آن تأکید فراوانی به احسان و کمک به برادران دینی و ایمانی شده است.

بنابراین سزاوار و نیکو و بسیار مؤکد است که مؤمنین و متمکنین و نیکوکاران این نکات را در نظر بگیرند و تا می توانند جمع بین امور و مطالب بنمایند و از خداوند مدد و یاری طلب نمایند که مسلماً آن ها را یاری خواهد کرد.

امر سوّم: بیان مقدمه ای است شامل چند مسئله از مسائل مهم و محل ابتلاء عامّه مسلمین خاصه حجّاج معرّز:

مسأله ۱ چون جدّه یک بندر و فرودگاه بین المللی است و اکثر حجّاج از راه زمینی و دریایی و هوایی به آن مکان وارد می شوند که شرعاً حکم آنان یکسان نیست لذا شایسته و بلکه لازم است که این عزیزان به بحث مواقیت مراجعه نمایند و تفصیلات آن را بررسی نموده و مدّ نظر قرار دهند.

مسأله ۲ از آنجا که اکثر مسافرت های امروزی و خاصّه آقایان حجّاج به وسیله هواپیما صورت میگیرد و غالباً و بلکه دائماً اگر

وقت نماز باشد نماز را در فرودگاه های مبدأ میخوانند و از طرفی هم چون فرودگاه ها غالباً از حدّ ترخص خارجند، لذا نمازشان را شکسته خوانده و روزه را هم اگر قبل از ظهر باشد افطار می نمایند، لکن همان طور که در کتابهای ((آثار تازه پدید)) و ((مسائل مستحذّه)) از سالیان قبل متذکر گردیده ایم، مسائل قصر و اتمام و احکامی نظیر اینها نسبت به افراد مختلف فرق می نماید. لذا شایسته و بلکه لازم است که آقایان مسافری خاصه حجاج محترم تفصیل آن را متذکر بوده باشند.

و خلاصه آن این است که چون سفر فضایی و هوایی و آسمانی و بلکه عمودی بنابر تحقیق حکم سفر زمینی را در آثار شرعی دارد لذا در فرودگاه هایی که از حدّ ترخص خارج است و از مسافت هم کمتر است (مانند اکثر فرودگاه های بین المللی) همه مسافری نمی توانند نماز را شکسته بخوانند و یا روزه را افطار نمایند بلکه باید ببینند که از نظر جغرافیایی مقصد به کدام سمت است؟ و آیا هواپیما پس از پرواز از سمت شهر عبور نموده و برمیگردد یا خیر؟ پس اگر از سمت شهر عبور ننماید، میزان همان فرودگاه است و نماز را باید شکسته بخوانند و روزه را هم اگر قبل از ظهر است افطار نمایند.

و اما اگر هواپیما پس از پرواز از سمت شهر یا آسمان شهر عبور نماید پس اگر در زمان عبور ارتفاع آن زیاد باشد به طوری که دیوارهای شهر و خیابان های آن با رؤیت عادی دیده نشود، این برگشتن اثری بر حکم ندارد پس بنابر اقرب میزان باز هم همان فرودگاه است.

و اما اگر از نزدیک

شهر برگردد بطوری که دیوارهای شهر هنگام عبور و مرور دیده شود، در این صورت میزان در قصر و اتمام، فرودگاه نیست و نمی توانند نماز را در آنجا شکسته بخوانند و یا روزه را افطار کنند.

و اگر نمی دانند (مانند اکثر مردم) که آیا از سمت شهر برمی گردد یا نه؟ و آیا در زمان برگشتن ارتفاع زیاد است یا کم، و خاصه اگر امکان تفحص و سؤال هم برای آنان نباشد، در این صورت خواندن نماز شکسته و افطار روزه قبل از ظهر مشکل است بلکه باید نماز را تمام بخوانند با رعایت احتیاط در جمع بین قصر و اتمام، که امثال این فروع و مسائل مرتبط با آن در رساله مسائل مستحدثه مبین است.

مسئله ۳ به نظر تمامی و سیره همگان و حتی بزرگان از متخصصین و دانشمندان آن است که منی و مشعر و عرفات در جهت سمت قبله با سائر بلاد و نقاط یکسان است و لذا در قبله نماهایی که ساخته و ابتکار نموده اند برای منی یا مشعر و عرفات هم یک شعاع مانند سایر بلاد قرار داده اند و حال آن که تفاوت اول تا آخر منی و مشعر و عرفات، تقریباً برابر با تفاوت ایران و افغانستان و عراق و امثال اینها و بلکه بیشتر از آن است که در نقشه قبله نمای ابتکاری هم این مطلب را به نحو روشن منعکس نموده ایم که باید به آن توجه لازم گردد.

مسئله ۴ اگرچه در مسئله رؤیت هلال اختلاف مهمی بین بزرگان خاصه در ازمنه اخیر است که آیا رؤیت در یک مکان برای تمام نقاط و بلاد دنیا معتبر است یا در خصوص

آن اماکنی که در شب با هم مشترکند، یا خصوص مکان‌هایی است که در افق متحد یا نزدیک به هم می‌باشند، که نظرات جدید و تفصیلات هر کدام در رساله آثار تازه پدید بیان گردیده که بسیاری از آنها منحصر به فرد بوده و مورد قبول و مقبول علماء و دانشمندان اهل فن قرار گرفته است.

لکن در هر حال و بنا بر هر مبنی و قول، اختلاف افق شهرهایی نظیر مکه معظمه و مدینه منوره با مشاهد مشرفه عراق و بلکه با اکثر بلاد ایران حتی مشهد مقدس و امثال آن در بسیاری از اوقات و خاصه اوقاتی که فاصله زمان رؤیت هلال تا غروب آن زیاد باشد و مساوی یا بیش از اختلاف افق و غروب آن بلاد باشد، در این موارد چون اختلاف افق تا اندازه‌ای نیست که حتی بنا بر قول مشهور مضر به اتحاد رؤیت باشد لذا سبب اختلاف حکم در بلاد مذکور نمیگردد.

بنابراین اگر رؤیت هلال ماه به نحو ثبوت شرعی در مکه معظمه یا مدینه منوره ثابت بشود برای شهرهایی نظیر نجف اشرف و کربلا و سایر بلاد و مشاهد مشرفه عراق و ایران و امثال آنها هم ثابت است. و اگر با ثبوت شرعی ثابت نشد و از باب تقیه اعمال مکه و عرفات و مشعر و منی را عمل کردند، این رؤیت ملاک برای دیگر مناسبتها مانند اعیاد قربان و غدیر و امثال آن و به تناسب لیالی قدر نمی‌باشد که تفصیل این مطالب و سایر مسائل و اختلاف افق به اختلاف زمان و فصول (و آن که در موارد بسیاری می‌شود که نقاط و بلادی

از ایران و غیر ایران با مکه معظمه و مدینه منوره در بعضی از فصول و ازمنه متحدالافق باشند و در برخی دیگر مختلف الافق) و مسائل دیگر امثال آن در محل خود و رساله مذکور بیان شده است و در هر حال شایسته است که این نکات را هم به وجه احسن در نظر داشته باشند.

امر چهارم: از اموری که بسیار مناسب است که شیعیان و پیروان مکتب امامت و ولایت حضرت امیرالمؤمنین و ائمه اطهار علیهم السلام همیشه و در تمامی نقاط و ازمنه و خاصه در زمان تشرّف به مکه معظمه و آن بلاد مقدّسه، کمال اهمیت را به آن بدهند، اهتمام به حسن رویه و برخورداری از اخلاق حسنه و نیکو با تمام حجاج و خاصّه با اهل سنت به تأسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت معصومین علیهم السلام بر طبق روایات فروانی نظیر: ((کونوا لنا زیناً و لاتکونوا علینا شیئاً)) بوده باشند و حتی الامکان در نماز جماعت آنان شرکت کنند و اگر توانستند به گونه ای نماز بخوانند که بین وظیفه خود و مراعات جماعت آنان از جهت سجده و سائر جهات جمع شود که بسیار خوب و شایسته و بایسته است. و اگر نتوانستند، باید مراعات آداب و ظواهر اسلامی را بنمایند و بعداً نماز خود را بدون آن که معلوم شود که اعاده است دوباره بخوانند همانطور که در بعضی از روایات از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوه و السلام نیز در این خصوص وارد شده است. و همچنین تلاش کنند که از بیرون رفتن از مسجد هنگام یا نزدیک به

اذان و نماز اجتناب ورزیده و اشتغال به دعا، و امثال آن در حین اقامه نماز جماعت نداشته و از خرید و فروش و امثال آن در زمان اقامه نماز جماعت به شدت خودداری نمایند بلکه علاوه بر آنها سعی در مذاکرات مفید و مؤثر خاصه بین علماء و دانشمندان مختلف عالم اسلامی از شیعه و اهل سنت نمایند زیرا که اثر اساسی و کامل نسبت به تمام احکام و مسائل اسلام اگرچه طبق آیه شریفه متوقف و مترتب است بر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، لکن با این وجود در پرتو حسن رفتار و معاشرت با آنان تا حدی قابل حصول است و بدینوسیله می توان تعدادی از ایشان را به صراط مستقیم الهی و مکتب پر بار اهل بیت هدایت نمود و افکار آنان را در مقابل دشمن مشترک روشن و بیدار کرد و متوجه لزوم وحدت بین مسلمین ساخته و سبب هرچه بیشتر تحقق عظمت اسلام گردید.

اگرچه در مواردی هم که موجب سوء استفاده و یا حمل بر ضعف شیعیان اهل بیت میشود نیز رعایت کیان و مذهب تشیع لازم و ضروری است و لذا در اماکنی که از مساجد عامه دور است جواز خواندن نماز همراه آنها در آن اماکن، بعید به نظر میرسد و بلکه فقط نماز خواندن در هتل ها و محل های اقامت مجزی خواهد بود.

و از تمام اعمال افضل و بالاتر آن است که همانطور که خداوند به پیغمبر خود پس از آن همه زحمات و فتوحات فرمود: (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) روز غدیر را که فرصت مناسبی است، در مکه معظمه و مدینه منوره

مجالسی را به نام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آراسته و حج خود را به بیان: ((ألیوم أكملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی)) با نعمت امامت و ولایت آن حضرت تمام و کامل نمایند.

خصوصاً که اولین حدیث غدیر را مکتبه سلفیه در مدینه منوره از ابی هریره در جلد ۸ تاریخ بغداد چاپ کرده و در آن آورده است که روز ۱۸ ذیحجه الحرام مصادف با روز غدیر خم است و ثواب روزه آن معادل شصت ماه است و آن روزی است که پیغمبر(ص) دست علی بن ابیطالب را گرفت و فرمود: آیا من ولی مؤمنین نیستم؟ گفتند: بلی یا رسول الله! فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه» پس عمر بن خطاب گفت: بَخِّ بَخِّ لک یا بن ابیطالب، أصبحت مولای و مولی کلّ مسلم. فأنزل الله: ((ألیوم أكملت لکم دینکم)).

و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین

۱۸ ذی الحجّه الحرام ۱۴۱۹ هجری قمری

مصادف با افضل اعیاد امت اسلامی

عید سعید غدیر خم

مشهد مقدّس / محمّد باقر بن عبد الله شیرازی

مقدمه ای در آداب سفر

و اکنون مقدمه ای در آداب سفر و روش معاشرت با همسفران و مستحبات سفر به خصوص برای آماده شدن جهت تشرّف به آن اماکن مقدّسه را که بیان آن لازم و ضروری است بیان می کنیم امید است ان شاء الله تعالی عاملین این اعمال و واجبات، مأجور و مثاب بوده و سعادت دارین نصیبشان گردد.

اما اعمالی را که شایسته است مسافران به خصوص زائران خانه خدا مراعات نموده و انجام دهند عبارتند از:

۱ اطلاع دادن به برادران دینی و اقوام از مسافرت خود و خداحافظی با آنان، چرا که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: حقّ مسلمان بر

مسلمان آنست که برادرش را از سفر خود آگاه کند. لیکن باید دقت نمود هدف از آن حسن شرعی و اخلاقی و اظهار شکر نعمت الهی باشد که بر او منت گذارده و او را به این نعمت عظیم متنعم و موفق داشته است نه آنکه خدای نکرده هدف از آن ذره ای فخر و مباهات و یا خشنودی از به حساب آمدن از حجاج بیت الله الحرام و امثال آن باشد چرا که در روایت یا حدیث شریف قدسی آمده است: (خَلِّصِ الْعَمَلَ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ بَصِيرٌ) عمل را خالص کن به درستی که حسابگر تو دقیق و در کمال بینایی است (و عمل خالص را از ریا تمیز می دهد).

و در روایت شریف و مشهور دیگر آمده است که: عاملین همه در هلاکتند مگر مخلصین و مخلصین هم در خطر عظیم و آزمایش بزرگ و خطرناکی هستند و همواره بکوشند تا به مفاد آیه شریفه: (فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)، خصوصاً در اعمال عبادی همچون حج عمل نمایند که این معنی نسبت به حضرات آقایان روحانیون بسیار دقیق تر است خاصه با ملاحظه: (حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ)، و: (الْحَسَنُ مِنْ كُلِّ حَسَنٍ وَ مِنْكَ أَحْسَنُ) و...

و با این وجود متذکر باشند که اگر هم با بهره مندی از الطاف الهی و برکات ائمه طاهرین علیهم السلام، مراسم عبادی حج آنها بأحسن وجه کامل و قبول شد، نمی توانند سعادت خود را کامل بدانند، بلکه همانطور که خداوند فرموده است: (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...)، و: (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ

سافلین*الّا-الذین آمنوا و عملوا الصالحات)، و آیات و روایاتی از این قبیل، سلامت دین هم مانند سلامت بدن، متوقف بر سلامت تمام اعضاء و مسائل و انجام تمام وظایف و اعمال دینی دانسته و تنها تمام بودن یک عمل و دو عمل آن هم نه همیشه بلکه فقط در حج و ماه مبارک رمضان، یا سفر زیارتی و امثال آن، کافی نیست، بلکه نیکو آن است که این اعمال و سفرها انسان را به کمال پاکی و نورانیت برساند.

و با این وجود متذکر باشند که اگر هم با بهره مندی از الطاف الهی و برکات ائمه طاهریین علیهم السلام، مراسم عبادی حج آنها بأحسن وجه کامل و قبول شد، نمی توانند سعادت خود را کامل بدانند، بلکه همانطور که خداوند فرموده است: (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...)، و: (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ*الّا-الذین آمنوا و عملوا الصالحات)، و آیات و روایاتی از این قبیل، سلامت دین هم مانند سلامت بدن، متوقف بر سلامت تمام اعضاء و مسائل و انجام تمام وظایف و اعمال دینی دانسته و تنها تمام بودن یک عمل و دو عمل آن هم نه همیشه بلکه فقط در حج و ماه مبارک رمضان، یا سفر زیارتی و امثال آن، کافی نیست، بلکه نیکو آن است که این اعمال و سفرها انسان را به کمال پاکی و نورانیت برساند.

۲ دیگر آنکه مسافران خاصه حجّاج محترم بیت الله الحرام آنچه بر ذمه آنان است از حقّ الله و حقّ الناس باید آنرا قبل از سفر حج پرداخت نموده و تسویه نمایند خصوصاً مبلغی

را که برای سفر حج کنار گذاشته اند باید خمس آن داده شده و پول طاهر بوده و از راه حلال بدست آمده باشد تا حجشان مورد قبول واقع شود، زیرا اگر انسان ذمه او مشغول به حق الله مانند عبادات و خمس و زکات یا حق الناس باشد هرچند مقدار مصارف حج او پاک باشد و متعلق به حق کسی نباشد لیکن بنابر نظر بسیاری بلکه اکثر متأخرین، از نظر ظاهری حج او صحیح بوده و باطل نیست و فقط معصیت کار است لکن عمل او قبول عند الله نمی باشد زیرا که خداوند فقط از متقین قبول می فرماید و بلکه در برخی از موارد صحت آن هم مشکل است.

۳ دیگر اینکه از آداب سفر وصیت کردن است و اگر چه این عمل همیشه مستحب است بلکه در روایات وارد شده که بر هر مؤمنی لازم است شب هنگام وصیتنامه را زیر سر خود قرار دهد لکن بر وصیت کردن در سفر حج تأکید بیشتری شده و فرقی هم بین سفرهای سابق و فعلی نیست چه آنکه خطرات و تصادفات اگر به مراتب بیشتر از سابق نباشد کمتر نیست. و در روایت وارد شده است: (من مات بلا وصیه مات میتة الجاهلیة) هر کس بدون وصیت بمیرد، مردن او مردن زمان جاهلیت که با اعتقاد به بت پرستی و بدون ایمان بوده می باشد. لذا بر حجاج لازم است به عنوان مستحب مؤکد که قبل از سفر حج، وصیت نامه خود را تنظیم نمایند.

۳- فراگرفتن مسائل حج و قرائت نماز و تلبیه گفتن به وجه احسن یکی از اموری است که

بر هر حاجی لازم است و اگرچه نسبت به نماز، اختصاصی به زمان حج ندارد لکن چون وقت آن مضیق است و بعداً قابل تدارک نیست لذا توجه به آن بسیار مهم است و چه بسا با اندک سهل انگاری در یاد گرفتن مسائل و ندانستن آنها، حج شخص دچار مشکل گردیده و یا باطل گردد.

۴ حسن خلق داشتن با همراهان و مزاح نمودن با آنان (البته در حد مناسب و شرعی) و فروبردن خشم و بردباری نمودن در مقابل کاستیها و دریغ نداشتن از بذل مال و خدمت کردن به سایر همراهان، و در روایت وارد شده است که: از مرّوت و جوانمردی در سفر، بخشیدن توشه و خوش خویی و مزاح کردن در غیر معصیت است، خصوصاً در سفر حج که سفری نسبتاً طولانی و طاقت فرسا است، بدیهی است رعایت این امور قطعاً سختیهای سفر را آسان می نماید.

۵ سعی نمایند که نمونه کاملی از اخلاق پسندیده و ملکات کامله باشند و اعمال و رفتاری که موجب اختلاف و تفرقه واقع می شوند را انجام ندهند.

۶ زمانی که اراده سفر نمودند آداب و دعاهایی که وارد شده است را انجام دهند که ذیلاً به مختصری از این آداب اشاره می نمایم:

آمده است که چون اراده سفر نمودی به آنچه که حضرت امام محمد باقر علیه السلام عمل می نمودند عمل نما که آن حضرت عائله خود را یک جا جمع می کردند و می فرمودند که این دعا را قرائت کنند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدِعُكَ الْغَمَّاءَ نَفْسِي وَ مِيَالِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي، الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَيْنَا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِكِ. اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا

نِعْمَتِكَ وَ لَا تُغَيِّرْ لَنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَ فَضْلِكَ.

و بهتر است که پس از وداع با اهل و عیال خود بر در خانه بایستد و تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها را بگوید و سوره حمد را از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ بخواند و نیز آیه الكرسی را به سه طرف بخواند و سپس بگوید: اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ وَجْهْتُ وَ خَلَفْتُ اَهْلِي وَ مَالِي وَ مَا حَوَّلْتَنِي وَ قَدْ وَثَقْتُ بِكَ، فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ اَرَادَهُ وَ لَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ. اَللّٰهُمَّ صِلْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ احْفَظْنِي فِيمَا غَبْتُ عَنْهُ وَ لَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

و تفصیلات و دعاها و آداب دیگری هم هست که طالبین به کتب مفصله رجوع کنند.

و اگر بر مقداری از تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام سه مرتبه دعا بخواند به دعایی که خواندن آن به هنگام خواب مستحب است و پس از آن تربت را بوسیده و به چشم خود بگذارد و بگوید: (اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَ بِحَقِّ صَاحِبِهَا وَ بِحَقِّ حَيِّدِهِ وَ اَبِيهِ وَ اُمِّهِ وَ اَخِيهِ وَ بِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِيْنَ، اِجْعَلْهَا شِفَاءً لِّمَنْ كُلِّ دَاءٍ وَ اَمَانًا لِّمَنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ حِفْظًا لِّمَنْ كُلِّ سُوءٍ) و آن را در جیب خود بگذارد، تا آخر سفر در امان خداوند است. البته اگر در سفر حج به جهت تقیه موجب نگرانی شود، انجام ندادن آن بهتر است و یا اینکه آنرا به صورتی انجام دهد که موجب ایراد و نگرانی واقع نگردد.

و نیز هنگام سوار شدن بر محمل و یا هر وسیله ی سواری از جمله هواپیما و مانند آن مستحب است که بگوید: اَلْحَمْدُ

لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَعَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَمَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. سُبْحَانَ اللَّهِ. بِسْمِ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تَتَّكُمُ الْجَنَّةَ. سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ. که خواندن آن موجب حفظ خود شخص و وسیله سواری اوست.

و البته دعاها و آداب مفصل تر از موارد مذکور هم ذکر شده که برای سهولت به همین مقدار اکتفا نمودیم.

البته مهمتر از تمام اعمال و ادعیه، توجه به این نکته است که حضرت قسم به ذات الهی می خورند که حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه، همه ساله در مراسم حج شرکت جسته و مردم را می بینند و آنها را می شناسند ولی مردم ایشان را نمی شناسند، و لذا درک حضور آن وجود ذی جود در مراسم حج، قطعاً حال و هوای معنوی خوشی را به انسان خواهد داد که وصف ناپذیر خواهد بود.

و اما نکته ای که بیان آن از اهمیت خاصی برخوردار است آن است که بدانیم سفر حج، سفری است که عمده و اساس آن گذشتن انسان از دنیا و متعلقات آن است و آنکه حج خود تعیین مسیری است برای سفر آخرت که هرچه انسان ساده تر و سبک تر باشد رسیدن به مقصد برای انسان آسانتر می شود. و از سادگی و کیفیت خانه خداوند همانطور که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در نهج البلاغه فرمودند: اگر خداوند می خواست می توانست خانه خود را از انواع احجار و جواهرات ثمینه مانند

دُرّ و یاقوت و امثال آن قرار بدهد که آن هم نسبت به عظمت آن ذات مقدّس اندک بود لیکن بنای آنرا از ساده ترین سنگ ها قرار داد و به مردم نیز دستور داد تا با ظاهر و لباس ساده، اعمال حج را بجا آورند بدانند که نباید این سادگی و بی آلاچی و جهات معنوی را با خریدن سوغاتی های فراوان و ذخائر بی شمار از بین ببرند بلکه مناسب و شایسته آن است که حتی سوغاتی های این سفر مبارک هم مانند خودش ساده و بی آلاچی بوده باشد.

و با امید به اینکه ضمن انجام مراسم حج ابراهیمی، این سفر پرفیض را با استعانت از درگاه خداوند متعال آغاز نمایید به بیان مناسک و احکام حج می پردازیم.

شرائط وجوب حج

(مسأله ۱): وجوب حج پس از تحقق شرایط آن فوری است و باید در همان سال استطاعت انجام شود و اگر کسی از روی نافرمانی یا به جهت عذری آن را ترک کرد واجب است در سال آینده و سال های بعد حج را بجا آورد. و در هر صورت اگر ترک حج از روی نافرمانی باشد باید حج را بعداً بجا آورد، اما در صورت ترک حج به جهت داشتن عذر موجه، چنانچه استطاعت تا سالهای آینده باقی باشد باید حج را بجا آورد، و لیکن بعید نیست که تأخیر حج بدون عذر شرعی، از گناهان کبیره باشد. ولی حج واجب نمی شود مگر بر اشخاصی که دارای چند شرط باشند:

اول: بلوغ، پس شخصی که به حدّ بلوغ نرسیده باشد حج بر او واجب نیست. و در بلوغ زودرس به صورت طبیعی و بلکه با وسایل امروزی و در موارد تبدیل جنس زن به

مرد و بالعکس، احوط اجراء حکم بلوغ حقیقی است هم در مورد حج و هم در سایر احکام که تفصیل آن در محل خود مبین است.

دوم: عقل، پس بر شخصی دیوانه حج واجب نیست که البته مراد از عقل در اینجا عقل متعارف است که در روایات خصوصاً روایتی از امام صادق علیه السلام در اول اصول کافی به وجه اُکمل به آن اشاره گردیده است، و ظاهر آن است که اصل اولی در خلقت انسان عقل و کمال است اگرچه تکامل آن به مرور زمان می باشد، و لذا اگر شک شود درباره عاقل بودن کسی برای ترتیب آثار در صحت معامله یا قضاء حج یا نماز و روزه و امثال آن، اصل سلامت جاری است و استصحاب عدم، جاری نمی شود.

و اگر اختلال و زوال عقل به سبب تصادف و ضربه یا سکنه های مغزی و امثال آن باشد، در اجرای حکم زوال عقل و جنون خاصه در صورت امکان بهبودی و مداوا، در تمامی ابواب فقهی و از جمله قضاء حج، محل تأمل است.

سوم: آزاد بودن، پس بر شخصی که بنده باشد حج واجب نیست و اگرچه مقصود از آزادی در اینجا، آزادی و بردگی فقهی است که البته مصادیق آن در این زمان اندک است، لیکن اگر در جنگ های با اسرائیل یا سایر ملل غیر مسلمان دفاعاً یا ابتداءً بنا بر جواز آن در زمان غیبت امام علیه السلام کسانی به اسارت مسلمانان درآیند، احکام مترتب بر آنها که در محل خود مشخص شده است، در باره آنها اجرا می شود. و اما اگر به صورت ربودن و امثال آن باشد، جریان حکم عبد

و مملوک بر آنها مشکل است. و این مورد و همچنین لزوم تحصیل و تحقیق برای بدست آوردن بنده برای متمکنین از سایر بلاد و نقاط یا عدم آن در صورت لزوم - از جمله در اداء کفّارات - و مسائل دیگر مربوط به آنها، دارای تفصیلاتی است که در محل خود بیان گردیده است.

چهارم: استطاعت، و در آن چند امر معتبر است:

۱ وسعت وقت به این معنی که بایستی برای مکلف وقت کافی باشد که بتواند به مکه رفته و اعمال را انجام دهد پس اگر مکلف زمانی دارای مال بشود که پس از آن به اعمال حج نمی رسد، حج بر چنین شخصی در آن سال واجب نخواهد بود، لیکن از آنجا که در برخی کشورها از جمله ایران متداول است که از سال ها قبل برای حج اسم نویسی می نمایند، و طریق هم منحصر به آن است، لذا بنا بر اقرب زمان ثبت نام ملاک در وسعت وقت و صدق استطاعت است که شخص نباید آنرا ترک نماید، اگرچه در صورتی که در اثنای نوبت، راه و طریق دیگری هرچند با قیمت زیادتری ممکن و آسان باشد با حصول سایر شرائط، باید در همان سال به حج مشرف شود و بنا بر اقوی انتظار کشیدن تا حصول نوبت ثبت نام شده، جایز نیست ولی اگر تا زمان زنده بودن شخص، نوبت ثبت نام شده نصیب خود شخص نشود تا فوت شد مسلماً در نزد خداوند مأجور است، و بنا بر احتیاط واجب لازم است که از طرف او نیابت بگیرند، خصوصاً اگر فوت شخص در همان سال یا نزدیک به آن باشد، و صغیر هم در

بین ورثه نباشد، و الا حتی الامکان جمع بین حق صغار و رعایت احتیاط را بنمایند.

۲ بایستی مکلف از توشه راه و وسیله سواری که لایق او باشد تمکن داشته باشد اگرچه میزان در وسیله سواری به حسب زمان و مکان و امکانات فرق می کند. و لذا مراد از استطاعت در وسیله سفر، فرد اکمل نیست بلکه در بلاد و اماکنی که مسافرت با کشتی یا ماشین و امثال آن ممکن باشد، حصول استطاعت متوقف بر تأمین هزینه هواپیما نیست. و در صورتی که مکلف دارای عائله باشد داشتن مخارج بالفعل آنها در تمام مدت رفتن و بازگشتن نیز از امور معتبره در استطاعت است.

۳ باز بودن راه، پس اگر از رفتن به مکه جلوگیری شود، یا آنکه احتمال خطری بر نفوس یا اموال یا اعراض مسلمین و یا خود شخص در اثناء راه باشد، استطاعت حاصل نخواهد شد و همچنین اگر شخصی از جهت پیری یا مرض، قدرت بر رفتن نداشته باشد حج بر او نیز واجب نیست. اگرچه مواردی از قبیل تحولات بشری و قوانین بین المللی به حسب ازمنه مختلف است پس اگر رفتن بدون گذرنامه خطری و مشکلی را ایجاد نمی کند، انجام فریضه حج بر انسان لازم است و توقفی بر صدور گذرنامه ندارد، خصوصاً نسبت به دولت های ظالم و دیکتاتور و خاصه کافر که بدون هیچ حق شرعی و قانونی بر ملت و خاصه بر مسلمانان مسلط شده اند. و بنابراین دولت های مختلف به حسب مسلمان بودن و نبودن و اهل کتاب و یا کافر و ظالم، و حربی یا ذمی بودن با یکدیگر فرق می نمایند. و چه بسیار نیکو بود و

هست اگر دول اسلامی و مسلمانان از خواب غفلت بیدار می شدند و به یاد عزّت و عظمت خود می آمدند و مراتب دوستی را بین خود تمام می کردند و مرز بین مسلمانان و ممالک اسلامی را برمی داشتند.

و امّا اگر صدور گذرنامه متوقف بر رشوه دادن و یا بذل مال فوق متعارف و قانونی باشد و یا مستلزم بیان خلاف واقع و حقیقت باشد (از قبیل تغییر در نام یا در محل اقامت یا ولادت و امثال آن) جواز یا وجوب آن محل تأمل است، البته نسبت به دولت های ظالم و کافر احتمال جواز یا وجوب آن در صورتی که خطر و هتکی یا اختلال نظامی باشد تأمل آن بیشتر است.

و نیز اگر رفتن به سفر حج متوقف بر سفر به ممالک متعدد برای رسیدن به مکه معظمه همراه با وجود مقتضیات مالی و بدنی و سیاسی، باشد این سفر بر انسان واجب می شود.

۴ رجوع به کفایت یعنی شخص مکلف بایستی از نظر مالی طوری باشد که پس از برگشتن از مکه بتواند خود و عائله خود را اداره بنماید، پس اگر شخصی دارای مبلغی باشد که آن مبلغ وسیله کسب او است و اگر آن مبلغ را برای حج صرف بنماید و پس از برگشتن محتاج شود، حج بر چنین شخصی واجب نیست.

(مسأله ۲): در صورتی که کسی مخارج حج دیگری اعم از هزینه رفت و برگشت و نفقه عیال او در این مدت را بذل نموده و به او بپردازد، حج بر چنین شخصی واجب گردیده و نسبت به این شخص رجوع به کفایت معتبر نیست یعنی چنین شخصی بایستی عمل حج

را بجای آورد اگرچه پس از برگشتن مالی نداشته باشد که بتواند معاش خود و عائله اش را اداره نماید. البته در صورتی که همان مدت زمان لازم برای انجام فریضه حج هم مانعی از کسب روزی او و عائله اش در آینده نباشد. و اما در صورتی که خود شخص مقداری از مال را دارا باشد که وافی به مصارف حج باشد ظاهر این است که در این صورت هم رجوع به کفایت معتبر باشد و وجوب حج در صورتی است که آن مقدار از مال مربوط به مخارج سال او نباشد.

(مسأله ۳): شخصی که مخارج دیگری را تعهد نموده و یا به او می بخشد بایستی مورد اطمینان باشد پس اگر احتمال آن باشد که در رفتن یا برگشتن از بذل خود دست خواهد کشید، حج واجب نخواهد بود.

(مسأله ۴): در صورتی که شخص مستطیع، عمل حج را به تأخیر انداخت تا آنکه از جهت پیری یا مرض (که امید خوب شدن در آن نیست) از انجام دادن عمل حج معذور شد، بر چنین شخصی واجب است که از طرف خود نایب گرفته و شخصی را به مکه بفرستد.

(مسأله ۵): در صورتی که شخص مکلف امید به خوب شدن بیماری خود داشته باشد احوط و بلکه اقوی این است که در سال بیماری نایب گرفته و به مکه بفرستد و پس از خوب شدن، خودش نیز عمل حج را انجام دهد.

(مسأله ۶): اگر مکلف در سال اول استطاعت خود به جهت پیری یا بیماری که در آن امید خوب شدن نیست، از رفتن به مکه متمکن نباشد، احوط این است که در همان سال

نائب گرفته و او را به مکه بفرستد و در صورتی که در سال های بعد هم متمکن شد، خودش نیز باید عمل حج را انجام دهد.

(مسأله ۷): اصناف و کسبه مانند دلال و بنا و نجار و سائر کسانی که از راه کسب و صنعت، زندگانی خود و عائله شان تأمین می شود اگر مبلغی از راه ارث یا غیر ارث بدست آنها برسد که برای رفتن به مکه و برگشتن و مخارج عائله شان در این مدت کافی باشد، حج بر آنها واجب خواهد شد.

(مسأله ۸): شخصی که دارای ملک مانند خانه و مغازه و باغ و زمین زراعتی و یا شتر و گاو و گوسفند و یا ماشین و امثال اینها باشد در صورتی که راه زندگانی و معیشت این شخص و خانواده اش از منافع این گونه امور باشد، اگر مقداری از آنها را بفروشد که برای مخارج رفتن و برگشتن و مخارج خانواده در این مدت کفایت کند، بر چنین شخصی حج واجب خواهد شد و این حکم مشروط به این است که باقیمانده املاک پس از برگشتن نسبت به اداره معاش او و عائله اش کافی باشد.

(مسأله ۹): در صورتی که شخص دارای کسب نباشد بلکه امور معاش او از راه خمس یا زکاه و مانند آنها تأمین شود و بر حسب عادت به مقدار کفایت او بدون مشقت به او برسد یا آنکه یکی از خویشان یا آشنایان او مخارج زندگانی او را تحمل نموده باشد، بر چنین شخصی اگر از مخارج به مقدار رفتن و بازگشتن و مخارج عائله اش در این مدت به او برسد، وجوب حج بر او بعید نیست البته اگر

مبلغ پرداختی به عنوان حج باشد و اما اگر مطلق باشد و از غیر خمس و زکات باشد، اقرب صرف مبلغ در مخارج زندگی است تا زکات و خمس کمتری را مصرف کند مگر بر مبنای حصول استطاعت از طریق خمس و زکات، و البته احتیاط ترک نشود.

(مسأله ۱۰): خانه ای که محل سکونت شخص و عائله او است و همچنین لوازم خانه از قبیل فرش و لوازم منزل و لباس و کتب علمیه ای که محل حاجت است، فروختن آنها برای رفتن به حج واجب نیست، و فقط در صورتی که خانه از جهت بزرگی یا از جهت محل و یا ساختمان بیش از شأن صاحب آن باشد مقدار زیادی را باید در مصرف حج صرف نماید.

(مسأله ۱۱): اگر شخصی دارای خانه و لوازم منزل نباشد و مقداری مال به دست او آید و آن مبلغ بین رفتن به مکه و خریدن خانه و لوازم منزل مردد، باشد در صورتی که در نداشتن خانه و لوازم بر او مشقتی باشد - اگرچه نداشتن خانه و لوازم با شأن او مناسب نباشد - صرف آن مال در خانه و لوازم منزل مانعی ندارد. و در صورتی که چنین نباشد چنانچه در موسم حج باشد باید مبلغ را در راه حج به مصرف برساند، اگر چه بایستی رضایت عیال و فرزندان را هم در نظر بگیرد.

(مسأله ۱۲): اگر شخصی دارای مالی باشد که برای حج کافی باشد ولی در اثر نداشتن همسر در مشقت باشد، جائز است آن مبلغ را حتی در موسم حج به مصرف ازدواج برساند، اگرچه به این سبب از رفتن به حج

غیر متمکن شود و وجوب حج بر چنین شخصی معلوم نیست. و امّا در غیر موسم حج هم ، حتی در صورت عدم مشقت از ناحیه ازدواج می تواند مال را به مصرف ازدواج رساند. و در صورتی که صرف آن مال برای حج، او را از ازدواج باز دارد واجب نیست آنرا برای موسم حج نگه داشته و از ازدواج خودداری نماید.

(مسأله ۱۳): شخصی که در استطاعت خود به جهت دارایی شک کند، احوط بلکه اقوی این است که در اموال خود تفحص نماید تا در صورت استطاعت، حج را بجا آورده و بدین سبب مشمول بی قیدی و بی اهمیتی به امور دینی که بنابر مسلم از گناهان کبیره است، نشود.

(مسأله ۱۴): شخصی که مستطیع شد و به حج نرفت، حج بر ذمه او واقع می شود، پس مادام الحیات واجب است به حج رفته و ذمه خود را فارغ نماید اگرچه بعداً زمینه استطاعت او از بین برود.

(مسأله ۱۵): هرگاه استطاعت حاصل شد و بجا آوردن حج متوقف بر مقدمات و تهیه وسایلی بود، باید فوراً به تحصیل آن پرداخته و خود را آماده و مهیای تشرّف نماید.

(مسأله ۱۶): اگر مکلف ملکی داشته باشد و به قیمت خودش فروش نشود و اگر بخواهد حج بجا آورد باید آن ملک را به کمتر از قیمت خود بفروشد طوری که باعث ضرر کلی برای آن شخص بشود، فروش آن ملک برای او واجب نیست. امّا اگر هزینه و مخارج حج افزایش پیدا کند و توانایی تهیه مازاد را هم داشته باشد، در این صورت تأخیر حج به جهت گرانی هزینه، جائز نیست و باید در همان سال

به حج برود.

(مسأله ۱۷): اگر کسی مقداری پول قرض کند و آن پول به مقدار مخارج حج باشد و قدرت پرداخت آن را هم بعداً داشته باشد و فعلاً مورد مطالبه نباشد، حج بر او واجب خواهد شد، بلکه اگر ابتداءً هم بتواند با همان شرائط پول قرض کند و به حج برود، اقوی و جوب حج بر چنین شخصی است.

(مسأله ۱۸): هرگاه به کسی از سهم (فی سبیل الله) یا زکات مبلغی داده شود که در راه حج صرف کند و به مقدار هزینه حج هم باشد تنها در صورتی که موارد اهمّ از فقرا و مساکینی که به آن مبلغ نیازمندند نباشد، حج بر او واجب می شود. اما اگر از سهم سادات و سهم امام مبارک (ع) مبلغی به او داده شود و شرط شود که در راه حج صرف نماید حصول استطاعت در این صورت مشکل است.

(مسأله ۱۹): هرگاه زنی مستطیع شد، در صورتی که بر نفس خود مأمون باشد و شوهر هم به تنها رفتن او راضی باشد، همراه داشتن محرم با خود شرط نیست، و در صورتی که مأمون نباشد لازم است که محرمی را همراه خود داشته باشد، که در این صورت تنها با داشتن هزینه حج محرم، حج بر او واجب می شود.

(مسأله ۲۰): کسی که نذر کرده است که روز عرفه در کربلا و یا به زیارت یکی از ائمه (علیهم السلام) برود و بعد از این نذر مستطیع شد، بنا بر اقوی باید در سال استطاعت به حج رفته و کفاره نذر خود را هم بپردازد اگرچه برخی قائل به عدم بطلان نذر و عدم وجوب حج بر

چنین شخصی شده اند.

(مسأله ۲۱): در صورتی که زن مستطیع شود اگر اجازه ندادن شوهر از باب بی اهمیتی به احکام دین نبوده و یا سبب ایجاد اختلاف خانوادگی نشود، می تواند بدون اجازه شوهر به حج برود و چنین شوهری نمی تواند زن خود را از حج واجب منع نماید نظیر ورود زن به سایر میدانهای سیاسی و اجتماعی و دولتی و حزبی و امثال آن که مورد ابتلاء این زمان می باشد.

(مسأله ۲۲): حکم زنی که از شوهرش طلاق گرفته و طلاقش رجعی است و عده او تمام نشده است مانند زن شوهردار است.

(مسأله ۲۳): اگر فرزندی مستطیع شود، گرفتن اجازه از پدر و مادر در رفتن به حج در صورت نیاز ایشان به کمک و مساعدت او به سبب پیری و امثال آن، و یا به سبب ترس بر سلامتی خود فرزند، لازم است. و در صورتی که به حج رفتن فرزند و تنها گذاشتن پدر و مادر، موجب اذیت و آزار آنها شود، وجوب حج بر چنین فرزندی معلوم نیست بلکه اقوی عدم وجوب حج بر او است.

(مسأله ۲۴): شخص مستطیع در صورتی که خودش بتواند به حج برود، باید شخصاً به حج برود و اعمال را شخصاً انجام دهد و چنانچه کسی بخواهد از طرف او تبرّعاً و یا با گرفتن اجرت، حج نماید کفایت نمی کند. ولی اگر به واسطه پیری یا مرض نمی تواند به حج برود، می تواند نائب بگیرد بلکه اگر از جهت مالی مستطیع باشد واجب است که نائب بگیرد.

وصیت به حج

(مسأله ۲۵): کسی که حجها را بر ذمه اش باشد هنگامی که مرگش نزدیک شود واجب است وصیت کند که حج را

برای او بجا آورند پس اگر مُرد، مخارج حج او از اصل ترکه داده می شود اگرچه وصیت هم نکرده باشد. و در صورتی هم که وصیت نموده ولی مخارج حج خود را مقید به ثلث خود نکرده باشد باید آن را از اصل ترکه خارج کرد. و اما اگر وصیت نموده و مقید به ثلث هم کرده باشد، اگر ثلث مالش وافی به مخارج حج بود، واجب است حج را از ثلث اخراج نمایند و بر سایر چیزهایی که وصیت کرده مقدم است. اما چنانچه ثلث به مقدار مصارف حج نباشد، لازم است کمبود را از اصل ترکه تکمیل نمایند.

(مسأله ۲۶): کسی که بمیرد و حَجَّهالاسلام و خمس و زکات و قرض بر ذمه داشته باشد، نمی شود قبل از أداء آنها در ترکه میت تصرف نمایند.

(مسأله ۲۷): کسی که مستطیع بوده و فوت کرده است ولی ما ترکش به مقدار هزینه حج نیست، بر ورثه واجب نیست کمبود مخارج حجش را از مال خود پردازند.

(مسأله ۲۸): کسی که بمیرد و حَجَّهالاسلام بر ذمه او باشد واجب است در همان سال فوتش نائب بگیرند و تأخیر انداختن به سالهای بعد جائز نیست. لیکن نائب گرفتن حج میقاتی در صورت امکان حج بلدی، کفایت از حج واجب نمی کند.

(مسأله ۲۹): هرگاه وصیت به حج بلدی باشد واجب است از بلد نائب بگیرند. و چنانچه به حج بلدی از غیر وطن خود وصیت نماید مثلاً یک نفر اهل تهران وصیت کند که از مشهد مقدس نائب بگیرند عمل به این وصیت واجب است. و در صورتی که نائب گرفتن برای حج از طرف مرده به وصیت یا غیر

وصیت واجب شده باشد کسی که باید آن نایب را بگیرد اگر سهل انگاری نموده و هزینه ی حجش تلف شود این شخص ضامن است و واجب است که از مال خود برای میّت نایب بگیرد. و از آنجا که به مجزّد نایب گرفتن ذمّه میّت بری نمی شود پس اگر دانسته شود که اجیر به جهت عذری یا بدون عذر، حج را بجا نیاورده، واجب است دوباره اجیر گرفته شود لیکن جواز برداشت هزینه اجیر دوّم از اصل ترکه میّت مشکل است بلکه اگر قصوری و یا اشتباهی از ناحیه نایب اوّل رخ داده باشد در این صورت اقوی لزوم پرداخت هزینه نایب دوّم از سوی نایب اوّل است. و نیز در صورتی که مالی که به اجیر داده شده را بتوانند پس بگیرند، پس گرفتن آن لازم است. و در صورتی که چند نفر برای اجیر شدن پیدا شوند، در صورتی که مراعات حال میّت از یک طرف و مراعات نمودن حال نایب از جهت فضیلت و تقوی از طرف دیگر با توافق ورثه بوده و صغیری هم در میان ورثه نباشد، لازم نیست آن کسی را که با هزینه کمتری اجیر می شود انتخاب کنند.

(مسأله ۳۰): هرگاه حَجَّهالاسلام بر ذمّه میّت باشد و ترکه هم نداشته باشد، اگر وارث فرزند باشد و پدر و یا مادر، وصیت به آن حج نموده باشند و فرزند هم در زمان حیات و وصیّت یکی از والدین خود، دارای امکان مالی بود، و جوب حج بر فرزند در این صورت خالی از قوت نیست و لیکن بر سایر ورّاث واجب نیست که برایش اجیر بگیرند بلکه مستحب است. ولی هرگاه وصیت

به حج نموده و شخص بخصوصی را برای بجا آوردن حج تعیین کرده باشد عمل به وصیت لازم است، پس اگر آن شخص قبول کرد و لیکن هزینه بیشتری را که تفاوت بسیار زیادی با متعارف هر زمان نداشت مطالبه نمود، باید مقدار زیادی از ثلث برداشته شود و در خلاف متعارف لزوم عمل کردن به چنین وصیتی مشکل است. و چنانچه ممکن نباشد دیگری را به مقدار متعارف اجیر نماید. ولی هرگاه وصیت به حج نموده به مبلغی که هیچ کس به آن رغبت نداشته باشد، پس اگر مورد وصیت حَجَّه‌الاسلام باشد لازم است کمبود از اصل ترکه برداشته شود و اگر حَجَّه‌الاسلام نباشد وصیت باطل می شود و باید مبلغ معین صرف در خیرات و مبرات گردد البته در صورتی که آن مبلغ برای حج میقاتی هم مفید نباشد و الا باید صرف حج میقاتی بشود.

(مسأله ۳۱): هرگاه شخصی مثلاً منزل خود را به دیگری صلح کند یا بفروشد به شرط آنکه پس از مردنش برای او حج بجا آورد، چنین شرطی صحیح و لازم الاجرا خواهد بود و این منزل از ملک ورثه حساب نخواهد شد هر چند که مورد وصیت، حج مستحبی باشد. و اگر طرف مقابل عمل به شرط نکند، حق به هم زدن معامله به ورثه منتقل نمی شود، بلکه این حق به حاکم شرع منتقل می شود و چنانچه حاکم شرع آن معامله را فسخ کرد، مال را صرف در آنچه شرط شده می کند و چنانچه چیزی زیاد آمد آنرا صرف در خیرات و مبرات می نماید.

نیابت در حج

(مسأله ۳۲): در نیابت در حج چند چیز معتبر است:

اول: بلوغ، پس حج بچه نابالغ بجای دیگری، در

حَجَّه‌الاسلام و حج های واجب دیگر کفایت نمی کند. هر چند آن طفل ممیّز باشد بنا بر احتیاط، بلی بعید نیست که نیابت وی در حج مستحبی با اذن ولی صحیح باشد.

دوم: عقل، پس نیابت دیوانه از دیگری صحیح نخواهد بود خواه همیشگی، یا گاه به گاه باشد، البته اگر انجام اعمال حج در هنگام دیوانگی باشد، و اما نیابت سفیه اشکالی ندارد.

سوم: ایمان، که علاوه بر ایمان به خدا و پیامبر، دوازده امام را نیز باید قبول داشته باشد. پس نیابت غیرمؤمن کافی نیست هر چند عمل را بر طبق مذهب ما بجا آورد.

چهارم: آنکه ذمه نایب در سال نیابت مشغول به یک حج واجبی که به هر نحوی لازم شده است نباشد. اما برائت ذمه نایب از منوب عنه وقتی حاصل می شود که یقین شود شخص نایب عمل را به طور صحیح و درست انجام داده است. و همچنین نایب حتماً باید اعمال حج و احکامش را به خوبی بداند هر چند به توسط راهنمایی دیگری باشد. همچنان که نایب باید مورد اطمینان نیز باشد اگرچه عادل نباشد. (مسأله ۳۳): اولاً: نیابت شخص بالغ و عاقل از بچه های نابالغ ممیّز و نیز عاقل از دیوانه، اشکالی ندارد بلکه اگر حج در حالت افاقه بر ذمه دیوانه واجب شده باشد و در حال دیوانگی مرده باشد واجب است که برایش اجیر بگیرند.

ثانیاً: همجنس بودن نایب و منوب عنه لازم نیست و نیابت مرد از زن و بالعکس صحیح است.

ثالثاً: نایب گرفتن ضروره (کسی که هنوز به حج نرفته) برای ضروره و غیر ضروره اشکالی ندارد خواه مرد باشد یا زن. بلی در صورتی که نایب زن باشد و منوب عنه مرد

باشد احوط ترک آن است.

(مسأله ۳۴): منوب عنه باید مسلمان باشد و نیابت از کافر صحیح نیست. پس هرگاه کافر مستطیع بمیرد و وارث او مسلمان باشد بنا بر قول مشهور، واجب نیست برای او نایب بگیرند، هر چند احتیاط در گرفتن نایب است.

(مسأله ۳۵): در نایب گرفتن نمی توان کسی را که در ترک بعضی از اعمال حج و یا در صحیح بجا آوردن آن، معذور باشد اجیر نمود بلکه اگر چنین شخصی هم تَبَرَّعاً به نیابت دیگری حج نمود اکتفاء کردن به عمل او مشکل است، بلی اگر در بجا آوردن کارهایی که بر مُحرم حرام است معذور باشد، مثل این که مضطر به تظلیل (زیر سایه رفتن) باشد، اجیر گرفتن یا نایب گرفتن چنین شخصی اشکالی ندارد.

(مسأله ۳۶): هرگاه نایب پیش از مُحرم شدن بمیرد، ذمه منوب عنه بری نمی شود و واجب است دوباره برایش نایب گرفته شود. ولی چنانچه پس از احرام بمیرد در صورتی که در حرم باشد، کفایت از منوب عنه می کند.

(مسأله ۳۷): اگر اجیر بعد از مُحرم شدن و دخول در حرم بمیرد، تمام اجرت را مستحق خواهد شد در صورتی که بر برائت ذمه میت اجیر شده باشد و اما اگر بر بجا آوردن اعمال حج اجیر شده باشد، فقط اجرت مقداری را که بجا آورده مستحق می شود و چنانچه قبل از احرام بمیرد مستحق چیزی نمی باشد، بلی اگر مقدمات عمل، داخل در اجاره باشد، هر مقداری از مقدمات را که انجام داده باشد اجرت همان مقدار را مستحق می شود.

(مسأله ۳۸): هرگاه نایب، کاری را که موجب کفاره شود انجام دهد، کفاره را باید از مال خودش بدهد خواه نیابت

به عنوان مزد گرفتن باشد و خواه تبرّعاً باشد.

(مسأله ۳۹): چنانچه کسی شخصاً اجیر شد که حج را بجا آورد، نمی تواند دیگری را برای این حج اجیر نماید مگر به اذن موجر و یا شواهد و قرائنی باشد که دلالت بر جواز نیابت دیگری خصوصاً در صورت عذر نایب و فوریت حج و یا افضلیت نایب دوّم بنماید با عدم دسترسی به موجر .

(مسأله ۴۰): در حج مستحبی یک نفر می تواند به جای چند نفر حج نماید اما در حج واجب جایز نیست یک نفر به جای دو نفر یا بیشتر حج بجا آورد و باید نیابت از طرف یک نفر باشد مگر در صورتی که حج به دو نفر یا بیشتر به نحو شرکت واجب شده باشد مثل اینکه چند نفر نذر کنند که شخصی را برای حج اجیر نمایند که در این صورت اجیر می تواند این حج را به نیابت از آن چند نفر بجا آورد.

(مسأله ۴۱): نیابت برای طواف مستحبی جائز است و یک نفر می تواند برای چند نفر طواف مستحبی انجام دهد چه آن افراد مرده باشند یا زنده و چه بعضی مرده باشند و بعضی زنده.

(مسأله ۴۲): اگر نایب و یا منوب عنّه قبلاً موفّق به انجام عمره مفرده نشده باشند، بنا بر احتیاط و بلکه اقوی آن است که بعد از فراغت از اعمال حج نیابتی، برای منوب عنّه و یا خودش عمره مفرده بجا آورد، همچنان که می تواند برای خود یا دیگری نیز طواف نماید.

اقسام حج

اشاره

حَجَّهَا لاسلام بر سه قسم است:

۱ حج افراد. ۲ حج قران. ۳ حج تمتع.

که با توجه به تقارب تعاریف حج قران و افراد، ابتدا مختصراً به آنها

اشاره خواهد شد. و اما وظیفه اکثر فارسی زبانان یعنی اهالی ایران، افغانستان، پاکستان، و غیر ایشان از لغات مختلف و کسانی که در فاصله های دورتری از این کشورها به مکه معظمه باشند - که در بیان شریف حضرت سید الشهداء علیه السلام در دعای مشهور عرفه: **إِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِفُنُونِ اللُّغَاتِ**) نیز به آن اشاره شده است - حج تمتع است، که پس از ذکر مسائل مختصری از حج افراد و قران، تفصیلاً به بیان مسائل حج تمتع پرداخته خواهد شد ان شاء الله.

و اما بطور کلی حج قران و حج افراد بر کسانی واجب است که فاصله منزل آنها تا مکه بیش از شانزده فرسخ نباشد و یا اهل مکه باشند به تفصیلی که بیان می گردد:

۱- حج افراد

حج افراد عملی است مستقل و جداگانه و بر کسی واجب می شود که فاصله میان وطنش تا مکه کمتر از ۱۶ فرسخ باشد و در صورتی که بتواند علاوه بر حج افراد، عمره مفرده را هم بجا آورد، عمره مفرده نیز به طور جداگانه بر او واجب خواهد بود. بنابراین کسی که می تواند فقط یکی از این دو را بجا آورد، همان را که می تواند بجا آورد بر او واجب می شود، و چنانچه بتواند یکی از این دو را در زمانی و دیگری را وقت دیگری بجا آورد، واجب است آنچه وظیفه وی در هر زمانی اقتضاء می نماید همان را بجا آورد، و چنانچه در یک وقت بتواند هر دو را انجام دهد واجب است هر دو را انجام دهد و مشهور میان فقهاء در این صورت این است که حج را پیش از عمره انجام دهد.

(مسأله ۴۳): حج افراد با حج تمتع

شش فرق دارد:

۱ در حج تمتع باید عمره و حج در یک سال انجام داده شود، ولی در افراد لازم نیست بلکه ممکن است عمره را سال بعد بجا آورد.

۲ در حج افراد قربانی لازم نیست ولی در حج تمتع لازم است.

۳ در حج افراد جایز است در حال اختیار طواف و سعی حج را بر وقوفین مقدم داشت ولی در حج تمتع از روی اختیار جایز نیست.

۴ احرام حج افراد باید از میقات باشد ولی احرام حج تمتع از مکه است.

۵ عمره حج افراد را می شود پیش از حج یا بعد از آن بجا آورد، ولی در حج تمتع واجب است عمره پیش از حج باشد.

۶ بعد از احرام حج افراد می شود طواف مستحبی نمود ولی در حج تمتع بعد از احرام بنا بر احتیاط واجب جایز نیست طواف مستحبی بجا آورد.

(مسأله ۴۴): کسی که دوری و وطنش از مکه بیش از شانزده فرسخ بوده و در مکه اقامت نموده و ماندگار شده است، اگر اقامتش بعد از استطاعت و واجب شدن حج بر او بوده، بر چنین شخصی حج تمتع واجب است اما اگر پس از اقامت در مکه و داخل شدن در سال سوم، استطاعت پیدا کرده، حج افراد یا قران بر او واجب می شود. و اگر استطاعتش پیش از سال سوم باشد، حج تمتع بر او واجب می شود و این در صورتی است که اقامتش به قصد مجاورت در مکه باشد. و اما اگر به قصد توطن باشد، وظیفه اش از همان ابتدا حج قران یا افراد است.

(مسأله ۴۵): هر گاه در بلد خود مستطیع بوده و پس از استطاعت در مکه اقامت نموده باشد، لازم است

به یکی از مواقیت رفته و از آنجا بر عمره تمتع مُحرم شود، و احوط این است که به میقات اهل بلد خود برود که اهل هر بلدی میقاتی دارند. و همچنین است کسی که در مکه اقامت کرده و پیش از رسیدن سال سوّم مستطیع شود.

(مسأله ۴۶): هرگاه با حج افراد احرام بست و وارد مکه شد جایز است دور خانه خدا استجباً طواف نماید ولی واجب است در این صورت بعد از نماز طواف، تلبیه بگوید.

[۲-] حج قران

حج قران با حج افراد در تمام جهات با هم یکسانند مگر آنکه در سه مورد باهم فرق دارند:

۱ در حج قران، هنگام احرام باید شخص مکلف قربانی را با خود داشته باشد.

۲ قربانی کردن در حج قران واجب است.

۳ در حج قران، احرام یا به تلبیه است و یا به علامت گذاشتن بر قربانی و یا به تقلید بر آن، به اینکه مثلاً حلقه ای یا طنابی را به گردنش آویزان کند.

(مسأله ۴۷): هر گاه کسی برای حج قران احرام ببندد، جایز نیست به حج تمتع عدول نماید چون در حج قران باید قربانی همراه حاجی باشد یا بر او علامت بگذارد یعنی اگر شتر است کوهانش را بشکافد و اگر گوسفند است گوشش را بدرد، یا پشت و سر و گردنش را رنگ کند که این را اشعار گویند. و یا این که چیزی بر گردن حیوان قربانی مانند زنگوله یا چیز دیگر بیاویزد که این را تقلید گویند و یکی از این دو کار جای تلبیه را می گیرد.

[۳-] حج تمتع:

بر کسانی که فاصله منزل آنها از مکه معظمه به مقدار شانزده فرسخ یا زیاده از آن دور باشد حج تمتع واجب می شود و آن عبارت است از دو عمل: عمره و حج، که عمره در این حج مقدم است بر خود حج، پس باید مطالب را در دو مقصد بیان نمایم:

مقصد اول: در بیان افعال عمره حج تمتع است و آن پنج فعل است: ۱ احرام. ۲ طواف. ۳ نماز طواف ۴ سعی. ۵ تقصیر.

مقصد اول: افعال عمره تمتع

اشاره

در بیان افعال عمره حج تمتع است و آن پنج فعل است: ۱ احرام. ۲ طواف. ۳ نماز طواف ۴ سعی. ۵ تقصیر.

پس در این مقصد پنج مطلب است:

اشاره

واجبات احرام چند چیز است:

اول: نیت

پس همین که علم داشته باشد به امر خداوند به احرام و به این سبب اراده نماید تا برای رضای خداوند تعالی محرم شود، کافی است، لکن باید تعیین نماید که احرام عمره مفرده است یا عمره حج تمتع. و همچنین باید تعیین نماید که احرام او بالاصاله است و یا نیابت از کسی است و احتیاط آن است که رعایت اداء و قضاء و واجب و ندب و نذر و شبه آن را نیز بنماید. و در صورتی که چند حج بر ذمه او باشد مثل نذر و حجه الاسلام، تعیین نمودن هر کدام بر او لازم است.

و معنای نیت احرام چنانچه نزد اکثر علماء معروف و مشهور است و در اغلب کتب علمیه و رسائل عملیه نیز ذکر شده است عبارت است از عزم و قرار بر ترک محرمات مشخص برای شخص محرم. و بنا بر این معنی، اشخاصی که از همان ابتداء و یا در اثناء سفر بعضی از اموری را که موجب کفاره بر محرم می باشند را انجام می دهند، نیتشان صحیح نبوده و احرام آنها باطل است. مثل اشخاصی که در این زمان با احرام از همان مبدأ و قبل از میقات سوار هواپیما شده و در حال احرام از میقات عبور می کنند اگرچه با رعایت همان شرائط و کیفیتی که نسبت به مواقیت گذشت. و همچنین است نسبت به سایر وسائل نقلیه مانند کشتی و قطار و امثال اینها. لکن ممکن است مراد از نیت احرام عبارت باشد از داخل نمودن خود در عملی و حالی که بر او حرام است آن امور معینه. و یا

عبارت باشد از التزام و بناء بر تحریم و حرام قرار دادن آن امور بر خود از زمان مشخص. و ظاهراً هر یک از این دو معنی جهت احرام کافی است.

و لیکن معنای دوم نیت را آنچه که در بعضی از اخبار معتبره وارد شده تأیید می کند که مستحب است در وقت نیت چنین بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ مَا أُمِرْتُ بِهِ مِنَ التَّمَتُّعِ بِالْعُمْرَةِ عَلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَسِّرْ ذَلِكَ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي وَ أَعِنِّي عَلَيْهِ فَإِنْ عَرَضَ عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَخَلِّصْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةَ فَعُمْرَةٌ أَحْرَمٌ (أَحْرَمٌ) لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مُخِّي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ.

که در این عبارت اگر احرام به تشدید باشد معنای دوم را تأیید می کند و لی اگر بدون تشدید باشد معنای اول را تأیید می کند پس بهتر آن است که هر دو را در نیت خود بگوید.

(مسأله ۴۸): مستحب است که نیت احرام را بر زبان جاری نماید، و همچنین نیت همه اعمال حج و عمره را نیز مستحب است که هنگام عمل بر زبان جاری کند ولی در نیت چند چیز معتبر است:

۱ قصد قربت (به جهت نزدیکی به خدا) مانند سایر عبادات.

۲ همزمان بودن نیت با شروع در احرام.

۳ تعیین احرام که برای عمره یا برای حج است، و تعیین حج که تمتع است یا قران و یا افراد، و تعیین اینکه برای خود اوست و یا برای دیگری، و تعیین اینکه حش حجه الاسلام است (که برای اولین

بار با استطاعت بر او واجب شده) یا حج نذر است و یا حجّی است که به واسطه فاسد بودن حج قبل بر او واجب شده، و یا حج مستحبی است. و باید این امور در نیت شخص مشخص شود.

(مسأله ۴۹): اگر بدون تعیین نیت، احرام نماید احرامش باطل است، لیکن در صحت احرام، استمرار عزم بر ترک محرّمات از اول تا آخر احرام معتبر نیست بر خلاف روزه که لازم است از اوّل صبح تا غروب، عزم بر ترک محرّمات بر روزه دار نماید، بلکه عزم بر تروک لازم بر مُحرّم، از ابتداء تا آخر احرام، در همان لحظه بستن احرام کافی است، اگرچه احوط بلکه اقوی لزوم استمرار عزم بر ترک محرّمات است و اگر در اثناء احرام عزم بر اتیان اکثر و یا تمام تروک احرام نمود بقاء حالت احرام او محل تردید است. و این مطلب بنا بر این است که مقصود از احرام عزم بر تروک باشد و گذشت که این معنای از نیت احرام محل تردید است.

(مسأله ۵۰): اگر محرّمات احرام را تفصیلاً نداند و در وقت احرام همین قدر نیت کند که ۲۴ موردی که در مناسک ذکر شده است را ترک کند و یا قصد کند به دستور کسی که همراه او است و مسأله دان است عمل کند، کافی است.

دوم: پوشیدن دو جامه است

اشاره

برای مرد که یکی مابین ناف و زانو را بپوشاند- و بهتر آن است که به ساق هم برسد- و دیگری را بر دوش خود بیندازد مثل رداء و طرفی را هم به طرف دیگر ببندد و لیکن دوخته شده نباشد بلکه شبیه به دوخته هم نباشد و

نیز از میته و مغصوب و حریر و ابریشم هم نباشد و بطور کلی به غیر از دوخته نبودن لباس، جامه ای باشد که نماز خواندن در آن جائز باشد. و نیز جامه و حوله ای را که به کمر خود می بندد باید به قدری نازک نباشد که بدن نما باشد و در جامه ای هم که به دوش می اندازد احوط چنین است.

ولی پوشیدن جامه دوخته برای زن اشکال ندارد لکن احوط ترک پوشیدن حریر خالص خصوصاً نسبت به جامه احرام است و نیز احوط آن است که از جنس پوست هم نباشد. و احوط بلکه لازم است که در زمان پوشیدن لباس احرام، نیت قصد قربت داشته باشد لکن نیت قربت برای کندن لباسهای قبلی لازم نیست لکن اگر ترک نشود بهتر است.

شرایط لباس مُحَرَّم

شرائطی که در لباس احرام معتبر است از قرار ذیل است: ۱. خمس آن داده شده باشد. ۲. حریر نباشد. ۳. متنجس به نجاستی که در نماز معفو نیست نباشد. ۴. پوست نباشد. ۵. بافته شده باشد. ۶. دوخته و شبیه دوخته نباشد (برای مردان ولی برای زن ها اشکالی ندارد). ۷. پاک باشد. ۸. غصبی نباشد. ۹. مانند نمد مالیده شده نباشد. ۱۰. بدن نما نباشد. ۱۱. بنا بر احتیاط لباس احرام را گره نزنند و با سنجاق هم به یکدیگر وصل ننمایند و لکن گذاشتن سنگ در لباس احرام و بانخ بستن آن بدون گره زدن، جایز است.

و همچنین مستحب است که لباس احرام از جنس پنبه باشد. و اما در خصوص لباسهای احرامی که از جنس نایلون و پلاستیک باشند، بنا بر احتیاط باید از پارچه های نایلونی بافته شده اجتناب کرد.

(مسأله ۵۱): کسی

که محرم می شود می تواند لباس احرام را عوض کند و لباس احرام دیگری را که دارای همان شرایط باشد بپوشد. و همچنین می تواند به یکی از جهات عقلائی مانند تطهیر کردن، لباس احرام خود را بیرون آورد و دوباره بپوشد.

(مسأله ۵۲): مُحْرَم شدن در لباسی که با پول خمس نداده خریده باشد جایز نیست و بلکه نماز خواندن در لباسی که آن را از پول خمس داده نشده خریده و هنگام خریدن هم نیت دادن خمس ارزش آن را نداشته باشد، باطل است.

(مسأله ۵۳): اگر خون کمتر از درهم در خون زخم و جراحت و دمل - که نماز خواندن با آنها صحیح است - در لباس احرام باشد اشکالی ندارد.

(مسأله ۵۴): کسی که مُحْرَم شده، اگر لباس و یا بدنش نجس شود بنا بر احتیاط واجب باید هرچه سریعتر آن را تطهیر کند و یا لباس را عوض کند، و بنا بر احتیاط مستحب نباید آنرا از زمان متعارف به تأخیر بیندازد.

(مسأله ۵۵): اگر پارچه ای را برای نگهداری لباس احرام و یا برای حفظ از سرما، روی لباس احرام بیندازد اشکالی ندارد به شرط این که دوخته نباشد.

سُوم: گفتن لبیک است و صورت آن بنا بر احوط این است: **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ.**

(مسأله ۵۶): صحیح ادا نمودن این فقرات همانند تکبیره الاحرام و حمد و سوره نماز، واجب است. و نیز جواز اکتفاء نمودن تا لبیک چهارم و التزام به استحباب باقی تلبیه، خالی از قوت نیست. و کسی که لبیک گفتن را نمی داند باید یاد بگیرد یا به کمک شخص دیگری

بخواند و چنانچه ممکن نباشد باید به هر طوری که می تواند بخواند و یا ترجمه آن را به فارسی یا زبان دیگری بگوید و در همان حال شخص دیگری را هم نایب بگیرد که از طرف او لیک را به طور صحیح بخواند. و ترجمه لیک این است:

پروردگارا اجابت و اطاعت می کنم فرمان تو را، برای تو شریکی نیست؛ که ستایش تو را سزا است و نعمت و مُلک و پادشاهی از آن تو است، شریکی برای تو در آنها نیست و اجابت می کنم ترا.

(مسأله ۵۷): شخص گنگ و لال باید با انگشت خود به تلبیه اشاره نموده و زبانش را حرکت دهد و بهتر آن است که این کار را خودش انجام دهد و نایب هم بگیرد که به جای او تلبیه بگوید.

(مسأله ۵۸): گفتن یک مرتبه تلبیه به طور صحیح واجب است و احرام به همین یک بار منعقد می شود ولی مستحب است تا هنگامی که خانه های مکه دیده شود تلبیه را تکرار نماید.

(مسأله ۵۹): هرگاه فراموش کند که در مکان احرام تلبیه را بگوید و بعداً به یادش آمد، اگر برگشتن به میقات برای او امکان دارد واجب است برای گفتن آن به میقات برگردد و اگر امکان برگشتن ندارد در هر جا که یادش آمد تلبیه را بگوید.

(مسأله ۶۰): اگر شک کند که تلبیه را گفته یا نه، باید بنا را بگذارد که نگفته، و دوباره بگوید لیکن اگر شک کند که تلبیه را درست گفته یا غلط، بنا را بر صحت بگذارد.

(مسأله ۶۱): اگر شک کند که یکی از محرمات احرام را پیش از تلبیه و یا بعد از آن

انجام داده، دادن کفاره بر او واجب نیست.

(مسأله ۶۲): شخص مُغمی علیه و بیهوشی اگر بیهوش او دائمی نباشد و صبر کردن هم ممکن باشد باید تا زمان به هوش آمدنش صبر کنند، ولی در صورت بیهوشی دائمی و نیز برای بچه غیرممیز، باید شخص دیگری به جای آنها تلبیه را بگوید.

۲ مستحبات حرام

مستحبات احرام عبارت است از: شستن بدن و گرفتن ناخن و شارب و ازاله موی زیر بغل و موی عانه به وسیله نوره قبل از غسل احرام، در حج تمتع مستحب است و پس آن باید غسل احرام را انجام دهد ولی اگر بعد از غسل لباسی بپوشد و یا چیزی بخورد که برای محرم جائز نیست و یا عطر و خوشبو کننده ای استعمال کند، باید احتیاطاً و رجاءً غسل را اعاده نماید. و همچنین هرگاه بترسد که در میقات آب نیابد، می تواند قبل از میقات، به قصد رجاء غسل کند.

و مستحب است این دعا را در وقت غسل بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَ طَهْرًا وَ حِرْزًا وَ أَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سِقْمٍ. اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صِدْرِي وَ اجْزِ عَلَي لِسَانِي مَحَبَّتَكَ وَ مَدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لَكَ وَ الْإِتْبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

و چون جامه احرام بپوشد بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أُوَدِّي فِيهِ فَرِيضَتِي وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَ أَنْتَهَى فِيهِ إِلَي مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبَّلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي، وَ

وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِزْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ مَلْجَأِي وَ رَجَائِي وَ مَنجَايَ وَ ذُخْرِي وَ عُدَّتِي وَ رَجَائِي.

و احوط آن است که احرام را بعد از نماز ببندد و افضل بعد از نماز ظهر است و اگر نماز واجب نداشته باشد آنرا پس از نماز قضا ببندد و اگر نماز قضاء نباشد شش رکعت نماز بجا بیاورد و یا لااقل دو رکعت نماز بخواند و در رکعت اول بعد از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد بخواند و چون از نماز فارغ شود حمد الهی نماید و صلوات بفرستد و این دعاء را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أُوْفِي إِلَّا مَا وَفَيْتَ وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أُعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتُ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْرِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سِيَّتِهِ نَبِيَّكَ صِلْمَاؤُتَكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تُقْوِيَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكَي فِي يُسِيرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَيِّمَيْتَ وَ كَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ أَنْفَقْتُ مَالِي إِيْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ تَمِّمْ حِجَّتِي وَ عُمْرَتِي.

و نیز مستحب است که بگوید در وقت نیت بقیه دعایی را که در باب نیت بیاید و بهتر آن است که نیت را تلفظ نماید.

و اما مقارن نیت، واجب است این چهار تلبیه را بگوید:

لَيْبِكَ اللَّهُمَّ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْبِكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْبِكَ.

و اولی بلکه احوط این است که تلبیه پنجم را هم بگوید:

فَبِحَجِّهِ وَ عُمْرِهِ تَمَامِهَا عَلَيْكَ لَبَّيْكَ.

و افضل این است که بعد از آن نیز بگوید:

يَا ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِي وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَشْتَعْنِي وَ يَفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْغُوبًا وَ مَرْهُوبًا إِلَيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ.

و مستحب است که این فقرات را نیز بخواند:

لَبَّيْكَ أَنْتَقَرُّ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجِّهِ أَوْ عُمْرِهِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ هَذِهِ عُمْرُهُ مُتَعَهُ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَمَامُهَا وَ بِلَاغُهَا عَلَيْكَ.

و اگر حاجی مرد باشد مستحب است تلبیه را بلند بگوید و نیز مستحب است که مکرراً تلبیه را بگوید چه وقت بیدار شدن از خواب و چه پس از هر نماز واجب. و همچنین مستحب است که وقتی که بر مرکب سوار شود و وقتی که می خواهد حرکت کند و وقتی که بر تلی بالا- رود یا از سرپایینی پایین بیاید و وقتی که به سواره برسد، و در وقت سحر نیز ذکر تلبیه را بسیار بگوید هر چند که جنب یا حائض باشد، و در هر حال تلبیه را قطع نکند تا خانه مکه معظمه را ببیند همانطور که در حج تمتع نیز تا واپسین لحظات روز عرفه، و در عمره مفرده نیز تا زمانی که وارد حرم شود _ اگر از خارج حرم می آید _ و به محض افتادن نگاه انسان بر خانه کعبه اگر به جهت احرام از مکه معظمه بیرون رفته باشد، در همه اینها گفتن لَبَّيْكَ مستحب

است.

۳ مکروهات حرام

مکروهات احرام عبارت است از: بستن در جامه سیاه بلکه برخی نیز همه رنگها را مکروه دانسته اند و لکن ظاهر بعضی روایات دلالت بر کراهت نداشتن لباس سبز است. ولی خوابیدن در لباس و روی بالش زرد مکروه است و بعضی نیز قائل به کراهت در لباس و بالش سیاه شده اند و پوشیدن لباس کثیف نیز همین حکم را دارد و لیکن اگر لباس احرام در حال احرام کثیف شده باشد بهتر آن است که آن را نشوید تا از احرام خارج شود. و همچنین داخل شدن در حمام و سائیدن بدن و گفتن لبیک در مقام جواب، در حال احرام نیز مکروه است.

مواقیت احرام

هر حاجی باید احرام خود را از یکی میقاتهای مشخصی که ذیلاً بیان می گردد ببندد که آن چند میقات است:

اول: مسجد شجره که اهل مدینه و کسانی که از راه مدینه به مکه می روند باید از آنجا احرام ببندند و آن را ذوالحلیفه نیز می گویند، و فعلاً آن محل مشهور به بئرعلی یا آبارعلی می باشد، و مسافت آن تا مکه ۴۶۴ کیلومتر است.

دوم: جُحْفِه است که میقات اهل شام و مصر و مغرب می باشد، و مسافت آن تا مکه ۲۲۰ کیلومتر است.

سوم: قَزْنُ الْمَنَازِل است که میقات اهل طائف می باشد، و آن کوهی است مُشرف بر صحرای عرفات که فاصله اش تا مکه معظمه ۹۴ کیلومتر است.

چهارم: یَلْمَلَمُ است که میقات اهل یمن می باشد و آن کوهی است از کوه های تَهامه که فاصله اش تا مکه معظمه ۹۴ کیلومتر است.

پنجم: وادی عقیق است که میقات اهل عراق و نجد می باشد.

و در وادی عقیق سه محل برای احرام است:

۱_ مَسَلَخ. ۲_ عَمْرَه. ۳_

ذات عرق.

و افضل احرام بستن در مسلخ و احوط ترک احرام در ذات عرق است، مگر در صورت اضطرار یا تقيه، و لیکن بعضی از علماء، احرام در آن را هم مطلقاً جائز دانسته اند.

و اگر به ذی الحلیفه رسید که مسجد شجره در آنجا واقع است، نباید در غیر مسجد شجره احرام ببندد، و هر گاه به خود یکی از مواقیت عبور ننماید بلکه به محاذی آن به نحوی که عرفاً صدق محاذی کند عبور نماید، واجب است از همان محل محاذی احرام نماید و همین احرام برای حج کافی است لیکن آنچه بنا بر اقوی به نظر می رسد آن است که محاذات بالا و عمودی با وسائلی مانند هواپیما هم همانند محاذات زمینی و افقی است لکن نباید بنا بر احتیاط لازم بیش از مسافت شش میل که در مسجد شجره وارد شده است باشد.

و هر گاه محل محاذات مشتبه باشد و اهل خبره و اطلاع نباشد - مثل آن که از راه دریا از محاذات یکی از مواقیت عبور کنند و تعیین محل مزبور مورد اشکال و اختلاف واقع شود - احوط آن است که برای احرام بستن در محلی که احتمال محاذات قبل از آن محل را نمی دهد نذر کند و صیغه نذر را به این نحو جاری نموده و بگوید: **لِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أُحْرِمَ مِنَ الْمَحَلِّ الْفُلَانِي،** و در عوض: **المحل الفلانی اسم آن محل را ذکر بنماید.**

و اینها مواقیت عمره تمتع بود ولی مواقیت دیگری برای حج و عمره ذکر شده که به پنج مورد از آن اشاره می شود:

۱ مکه مکرمه که میقات حج تمتع است.

۲ منزل خود شخص که میقات کسی است که

منزلش به مکه نزدیک تر از میقات باشد و این شخص می تواند از منزل خود برای حج، احرام ببندد و بلکه برای عمره نیز در صورتی که وظیفه اش حج تمتع باشد هم می تواند از منزل خود احرام ببندد.

۳ جعرانه که میقات اهل مکه است برای حج قران و افراد و همچنین برای کسی که پیش از دو سال تمام قصد اقامت در مکه نموده و در وطنش استطاعت نداشته است.

۴ أدنى الجبل که میقات عمره مفرده است بعد از حج قران یا افراد، بلکه برای هر عمره مفرده که بعد از حج انجام داده می شود بهتر آن است که از حُدَیبِیَه یا جعرانه یا مسجد تنعیم احرام ببندد.

۵ محاذات هر یک از مواقیت در صورتی که یقین به محاذی بودن داشته باشد، اگرچه احوط و بلکه اقوی مراعات حداقل فاصله شش میل تا میقات است. همانطور که احوط اختصاص این حکم به مسجد شجره است و در سایر مواقیت فقط از خود میقات باید احرام بست. بلی اظهر عدم فرق بین میل عمودی از راه هواپیما و میل افقی است چرا که سبب میقات شدن مسجد شجره طبق روایات، تلبیه گفتن پیامبر اکرم(ص) در شب معراج در محلی به محاذات عمودی مسجد بوده است. و اگرچه قدر متیقن این تلبیه در فاصله شش میلی نبوده است لیکن چون در خصوص شش میل نص صریح وارد شده لذا رعایت شش میل در محاذات مواقیت لازم است. و در صورت کفایت محاذات، حصول اطمینان از قول اهل خبره کافی است خصوصاً در مواقیتی که نصی برای آنها وارد شده باشد.

(مسأله ۶۳): اگر نذر کند که پیش

از میقات در محل معینی مُحَرَّم شود و برای عمل کردن به نذر، در همانجا مُحَرَّم شود، کافی است.

(مسأله ۶۴): کسی که با هواپیما به مکه می رود و در جده فرود می آید و نمی خواهد که به مدینه برود، بهتر و بلکه لازم است که به سبب نذر، پیش از جده مُحَرَّم شود و در صورت نذر، دیگر در زمان رسیدن به جده و جاهایی که نشانه های حرم نمایان می شود، نیازی به تجدید احرام نیست. که البته این به عنوان حکم کلی است، اما از آنجا که جده مکانی است که از تمام نقاط جهان و با وسیله های مختلفی علاوه بر هواپیما نظیر کشتی و اتومبیل نیز به آنجا وارد می شوند، لذا نسبت به جهت ورود به جده و وسیله ورود، تفصیلاتی است که ذیلاً به آن اشاره می شود:

کسانی که با کشتی و از کشورهایمانند هندوستان و پاکستان و کشورهای خلیج و از طریق بحر احمر (دریای سرخ) وارد جده می شوند باید از محاذات میقات یَلْمَلَمُ مُحَرَّم شوند اگرچه در آن هنگام رو به مکه معظمه نباشند.

کسانی که از بحر ایض و کانال سوئز و با کشتی به جده می آیند مانند اکثر ساکنین مناطق اروپا و مصر و ترکیه، که تنها زمانی که محاذات با رابع و جُحْفَه قرار بگیرند می توانند مُحَرَّم شوند.

و در سفر با هواپیما هم کسانی که از سمت عراق می آیند و در مسیر با مراعات فاصله شش میل، از وادی عقیق عبور می کنند، می توانند قبل از شجره مُحَرَّم شوند. و کسانی که از طریق مصر و اروپا وارد جده میشوند و هواپیمای آنها با همان مسافت شش

میل از جحفه یا رابع عبور می کند و یا از مسقط الرأس مکه معظمه می گذرند می توانند از محاذات جحفه یا رابع محرم شوند. و اقرب آن است که مراعات فاصله شش میل در صورت محاذات با مواقیت در سفرهای عمودی لازم نیست بلکه صرف محاذات واقع شدن کفایت می کند، اگرچه احوط مراعات شش میل است.

(مسأله ۶۵): جنب و زنی که حائض است می توانند مُحرم شوند زیرا که طهارت شرط در إحرام نیست بلی اگر در مسجد شجره بخواهند مُحرم شوند باید توقف در مسجد نمایند و در حال عبور از مسجد، احرام ببندند و بعد از خروج از مسجد لبیک را تجدید نمایند.

(مسأله ۶۶): اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله مُحرم نشود و بعد از تمام شدن اعمال عمره یادش بیاید، عمره او صحیح است.

(مسأله ۶۷): اگر به واسطه فراموشی یا عذری دیگر در میقات محرم نشود، باید پس از آنکه یادش آمد و یا عذرش برطرف شد، به همان میقات برگردد و محرم شود و اگر نتواند برگردد باید به میقات دیگری برود و اگر نتواند در هر جا که یادش آمد یا عذرش برطرف شد می تواند محرم شود. و همچنین است حکم زن حائض اگر به واسطه ندانستن مسأله در میقات محرم نشده باشد.

(مسأله ۶۸): احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره مُحرم شود نه خارج از آن هر چند که نزدیک باشد.

(مسأله ۶۹): اگر جنب به واسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد و آب برای غسل نباشد و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود، باید تیمم کند و داخل مسجد شده و

احرام ببندد.

(مسأله ۷۰): اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند، احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود.

تروک احرام

اشاره

و اما تروک احرام یعنی چیزهایی را که مُحرم باید در حال احرام ترک نماید و التزام به آنها به صورتی که در نیت احرام ذکر شد و بنا بر احوط مراجعه به آنها و یاد گرفتن آنها در وقت نیت احرام ولو اجمالاً لازم بود، ۲۴ چیز است:

۱ شکار حیوان صحرائی. ۲ جماع با زن. ۳ به دنبال ازدواج رفتن. ۴ استمناء. ۵ استعمال عطر و خوشبو کننده. ۶ پوشیدن لباس دوخته برای مرد. ۷ سُرمه کشیدن. ۸ نگاه کردن در آینه. ۹ پوشیدن کلاه و جوراب و چکمه. ۱۰ فسوق یعنی دروغ گفتن. ۱۱ جدال نمودن. ۱۲ کشتن جانوران بدن. ۱۳ انگشتر به دست نمودن برای زینت. ۱۴ زینت پوشیدن زن. ۱۵ روغن مالیدن بر بدن. ۱۶ جدا نمودن مو از بدن ۱۷ پوشانیدن سر برای مردان. ۱۸ پوشانیدن صورت برای زنان. ۱۹ سایه قرار دادن مردان بر سر خود. ۲۰ بیرون آوردن خون از بدن. ۲۱ ناخن گرفتن. ۲۲ کندن دندان. ۲۳ کندن درخت و گیاه حرم. ۲۴ برداشتن سلاح.

که توضیح و بیان هر کدام از قرار ذیل است:

۱ شکار صحرائی: شکار کردن حیوانات صحرائی که وحشی باشند برای شخص مُحرم حرام است مگر ترس از اذیت و آزار رساندن آن بر انسان برود. و همچنین خوردن و نگاهداشتن آنها هر چند قبل از احرام مالک آنها بوده و آنرا به همراه خود آورده باشد، حرام است. و همچنین یاری نمودن شخصی که آن حیوان را شکار می نماید به هر

صورت، حرام است. و هر حیوانی که صید آن حرام است تخم و جوجه آن هم حرام است.

شکار حیوان دریایی حرام نیست و مقصود از حیوان دریایی هر حیوانی است که زاد و ولدش در دریا است. و همچنین کشتن حیوانات اهلی مانند مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر و امثال اینها بر مُحرم حرام نیست.

و ملخ نیز در حکم شکار صحرائی است ولی در رویان که آن را میگو هم می گویند و در روی آب دریا می نشیند _ اگرچه منقول است که آن هم صحرائی است و لیکن اهل فن آن را دریایی می دانند _ احتیاط ترک نشود.

و اگر شخص مُحرمی صیدی را ذبح نماید، در حکم میتة است علی الاحوط پس خوردن آن برای دیگری هم حرام است اگرچه شخص دوّم مُحرم نباشد.

(مسأله ۷۱): احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد البته اگر قصد اذیت او را نداشته باشد. ولی مُحرم می تواند افعی و مار بزرگ سیاه و مارهای بد و عقرب و موش را بکشد و برای کشتن هیچکدام کفاره ای بر او نیست.

(مسأله ۷۲): کشتن درندگان برای محرم جائز نیست مگر در صورتی که از آنها بر خود بترسد یا کبوتران حرم را اذیت کنند. و در کشتن آنها نیز کفاره ای بر عهده محرم نیست حتی در مورد شیر، خواه کشتن شان جایز باشد یا نباشد.

(مسأله ۷۳): اگر محرم صید را در حرم بکشد دو کفاره بر او لازم است، هم خود کفاره و هم قیمت آن.

(مسأله ۷۴): همانطور که صید کردن بر مُحرم حرام است اگرچه در غیر حرم باشد، همینطور هم صید کردن بر شخص مُحل (خارج از احرام)

در داخل حدود حرم نیز حرام است، و در صورت صید کردن باید فدیة بدهند.

کفارات شکار:

(مسأله ۷۵): کفاره کشتن شتر مرغ، یک شتر. و کشتن گاو وحشی، یک گاو. و کشتن خر وحشی، یک شتر یا یک گاو. و کشتن آهو و خرگوش، یک گوسفند. و در کشتن روباه، بنا بر احتیاط یک گوسفند لازم است.

(مسأله ۷۶): کسی که شکاری کرد چنانچه کفاره آن شتر باشد و آن نیز یافت نشود باید شصت مسکین را اطعام دهد، و برای هر مسکین یک مد که تقریباً ده سیر است طعام تهیه کند و اگر این را هم نتواند باید بجای آن هجده روز روزه بگیرد. و اگر کفاره شکار گاو باشد و بدست نیاید باید سی مسکین را اطعام نماید و اگر این را هم نیافت باید نه روز روزه بگیرد. و اگر کفاره شکار گوسفند باشد و یافت نشود باید ده مسکین را اطعام نماید و اگر نتواند باید سه روز را روزه بگیرد.

(مسأله ۷۷): هرگاه مُحرم در خارج حرم، کبوتر یا مانند آن را شکار نماید باید یک گوسفند کفاره بدهد و در جوجه آن باید یک بَرّه یا بزغاله کفاره بدهد. و در شکستن تخم آن باید یک درهم کفاره بدهد. لیکن هرگاه غیر مُحرم، کبوتر و مانند آن را در حرم بکشد باید یک درهم و در جوجه آن نیم درهم و در تخم آن ربع درهم کفاره بدهد. اما هرگاه مُحرم در حرم آن را بکشد هر دو کفاره بر او واجب می شود. و حکم جوجه و شکستن تخم نیز همان حکم است. و تخم اگر جوجه در آن به حرکت آمده باشد، حکم

جوجه را دارد.

(مسأله ۷۸): کفاره شکار قطاه (مرغ سنگ خوار) و کبک و درّاج و مانند آن یک برّه است که علف خوار شده باشد. و کفاره شکار گنجشک و قبره و صعوه و مانند آن بنا بر مشهور یک مد که تقریباً ده سیر گندم یا جو یا نان است، می باشد. و کفاره کشتن یک ملخ یک دانه خرما است. و کفاره بیشتر از یک ملخ، یک مشت گندم، و در زیادتر از آن، یک گوسفند است.

(مسأله ۷۹): کفاره کشتن موش صحرائی و خارپشت و سوسمار، یک بزغاله است و در مارمولک یک مد طعام است.

(مسأله ۸۰): کفاره کشتن زنبور از روی عمد، مقداری طعام است لیکن در صورتی که برای رفع اذیت باشد، کفاره ندارد.

(مسأله ۸۱): اگر جماعتی بر کشتن شکاری شرکت کردند، بر هر کدام از آنها، یک کفاره مستقل لازم می آید.

(مسأله ۸۲): کفاره خوردن شکار مانند کفاره خود شکار است پس اگر مُحرمی شکاری کرد و خورد، باید دو کفاره بدهد.

(مسأله ۸۳): وجوب کفاره در کشتن شکار و خوردن آن، چه از روی عمد باشد و چه سهواً و یا به خاطر ندانستن مسأله، بر شخص ثابت است.

(مسأله ۸۴): در شکار مکّرر، کفاره نیز تکرار می شود، خواه شکار از روی نادانی باشد و یا از فراموشی یا خطا.

۲ جماع: جماع کردن با زن و بوسیدن و بازی کردن و نگاه کردن با شهوت به او و بلکه مطلق استمتاع و انتفاعات از او در حال احرام حرام است. و هرگاه شخصی در حال احرام با زن و یا مردی جماع کند، چه در قُبُل و چه در دُبُر، و از روی

نسیان و نادانی نباشد، چنانچه در اعمال عمره باشد و پیش از سعی واقع شده باشد، عمره او فاسد است و بر او لازم است کفاره بدهد و آن عمره را تمام نموده و دوباره نیز آن را اعاده کند.

ولی اگر در عمره تمتع باشد و پیش از حج، آنرا بجا آورد؛ اگر بعد از سعی باشد، همان کفاره تنها بر او لازم است که آن یک شتر است اگر از نظر مالی مؤسر (متمکن) باشد، و یک گاو است اگر متوسط الحال باشد، و یک گوسفند است اگر معسر (غیر متمکن) باشد.

و اگر در احرام حج این عمل واقع شود، پس اگر پیش از وقوف در عرفه و مشعر بوده، حج او نیز فاسد است اجماعاً و واجب است آن را تمام نماید و در سال دیگر نیز آن را قضاء نماید، و همچنین اگر بعد از وقوف در عرفه و قبل از مشعر بوده باشد علی الاشهر نیز همین حکم را دارد.

ولی اگر بعد از وقوفین باشد، حج او صحیح است، و تنها همان کفاره بر او لازم است البته در صورتی که این عمل قبل از شوط پنجم از طواف نساء واقع شده باشد بنا بر احتیاط. و لکن اقوی عدم وجوب کفاره است اگر از نصف اشواط تجاوز کرده باشد.

و در کفاره بوسیدن زن اختلاف است، بعضی گفته اند که اگر از روی شهوت باشد یک شتر است و اگر از روی شهوت نباشد یک گوسفند است، و بعضی کفاره بوسیدن زن را مطلقاً یک شتر می دانند که این احوط است.

ولی اگر عمداً به غیر همسر خود نگاه کند و انزال شود، احوط آن

است که اگر می‌تواند یک شتر بدهد و گرنه یک گاو و گرنه یک گوسفند بدهد. و اگر به همسر خود نگاه کند و انزال شود، مشهور دادن یک شتر است، و کفاره بازی کردن با شهوت بی‌انزال، یک گوسفند است و با انزال یک شتر است.

و هرگاه کسی که احرام حج بسته، پیش از وقوف در مشعر و از روی علم و عمداً با زنی، چه از جلو و چه از عقب جماع کند حج او باطل می‌شود، و در صورتی که زن نیز دانا و راضی به این عمل بوده باشد حج هردو باطل می‌شود و بر هر یک واجب است حج را تمام نماید و حج را در سال بعد نیز اعاده نمایند، خواه حجاجان واجب باشد یا مستحب، ولی اگر زن مجبور بر این عمل بوده حجش درست است و بر مرد دو کفاره لازم است و کفاره ای بر زن نیست. و کفاره این عمل در صورت توانایی یک شتر و در صورت عدم امکان، یک گاو و در صورت ناتوانی یک گوسفند است. و واجب است بین زن و مرد از وقت انجام دادن این عمل در این حج و حجی که بعداً اعاده خواهد کرد، جدایی باشد تا این که پس از وقوفین به آن محل برسند.

و هرگاه نزدیکی بعد از گذشتن از منی به عرفات باشد لازم است بین آنها تا وقت نحر و ذبح در منی جدایی باشد، و احوط این است که جدایی آنها تا فراغت از تمام اعمال حج ادامه یابد.

(مسأله ۸۵): کسی که از احرام در آمده، اگر با زن خود که در حال

احرام است نزدیکی نماید، کفاره بر زن واجب می شود ولی مرد باید غرامت آن را بدهد و کفاره آن یک شتر است.

(مسأله ۸۶): شخص مُحرم هرگاه از روی نادانی یا فراموشی با زن خود نزدیکی نماید عمره و حَجّش صحیح است و کفاره ای بر او واجب نمی شود و این حکم نسبت به سایر مُحَرّماتی که موجب کفاره است نیز جاری است به این معنی که هر عملی از مُحرم که از روی جهل و نیشان سر بزند کفاره ندارد مگر در موارد زیر:

۱ آن که طواف حج را فراموش نموده و با زن خود نزدیکی نماید.

۲ مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی نماید.

۳ ناخن های خود را بگیرد به خیال این که احرامش تمام شده است.

۴ آنکه بعد از سعی و پیش از تقصیر به جهت نادانی حکم، با زن خود نزدیکی کند.

۵ کسی که دست خود را بی جهت به سر یا ریش خود بکشد و یک یا دو تار مو از آن بیفتد.

۶ آنکه بدن خود را از روی نادانی روغن مالی کند.

(مسأله ۸۷): هرگاه شخصی بعد از طواف نساء، زن خود را که در حال احرام است ببوسد باید بنا بر احتیاط یک گوسفند بکشد.

(مسأله ۸۸): آنچه که در خصوص نگاه کردن و بازی و بوسیدن از روی شهوت برای مرد جایز نبود و کفاره داشت، برای زنان در حال احرام نیز جایز نیست.

۳ عقد کردن: عقد کردن زن برای خود یا غیر از خود، چه مُحرم باشد و یا مُحَلّ، بر شخص مُحرم حرام است و همچنین است شاهد شدن بر عقد و اقامه شهادت

بر آن هر چند متحمل آن در حال احرام باشد، و احوط ترک خواستگاری زن در حال احرام است.

(مسأله ۸۹): رجوع به مطلقه رجعیه مانعی ندارد و همچنین خریدن کنیز هر چند به جهت استمتاع باشد، در حال احرام اشکالی ندارد بلی اگر مقصود او استمتاع در حال احرام باشد احوط ترک آن است، بلکه بعضی حکم به حرمت کرده اند چنانچه احوط ترک تحلیل کنیز و قبول تحلیل آن است.

(مسأله ۹۰): شخصی که زنی را در حال احرام برای مُحرمی عقد کند، و مُحرم با آن زن دخول کرد، پس هر کدام باید یک شتر کفاره بدهند و اگر دخول نکند بر هیچک از آنها کفاره نیست.

و همچنین در صورت حصول دخول، بر عاقد بر مُحرم نیز کفاره لازم است، هر چند عاقد مُحرم نباشد بلکه بر زن مُحل نیز کفاره لازم است هر گاه بداند که شوهرش مُحرم است.

(مسأله ۹۱): هر گاه مُحرم یا غیر مُحرم، زنی را برای مُحرمی عقد نمایند و شوهر با او نزدیکی کند و عقد کننده و شوهر بدانند که چنین عقدی در حال احرام حرام است، بر هر یک کفاره یک شتر واجب می شود. و بر زن نیز اگر عالم به مسأله بوده، همان کفاره واجب می شود.

(مسأله ۹۲): اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند، آن زن بر او حرام دائمی می شود.

(مسأله ۹۳): اگر زنی را با جهل به مسأله برای خود عقد کند حرام دائمی نمی شود ولیکن عقد باطل است ولی احتیاط آن است که آن زن را نگیرد خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

(مسأله ۹۴): احتیاط آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد مُحرم نباشد

و او را عقد کند و با او نزدیکی ننموده و عالم به مسأله نیز بوده باشد، او را طلاق دهد و او را هیچ وقت به زینت نگیرد.

۴ استمناء: استمناء یعنی طلب نزول منی به وسیله دست و یا غیر آن، هر چند به سبب خیال یا ملاحظه با زن خود و یا دیگری باشد. و بعضی از فقها اعلی الله مقامهم، انزال منی به سبب استمناء را مفسد حج دانسته اند مانند جماع کردن و بعضی همان کفاره تنها را واجب دانسته اند که یک شتر بود که اقوی قول دوّم است اگر با همسر خود باشد. ولی اگر با آلت خود بازی کند علاوه بر کفاره، حج او نیز فاسد می شود علی الأحوط اگر اقوی نباشد.

(مسأله ۹۵): اگر استمناء در عمره مفرده پیش از فراغت از سعی باشد عمره اش فاسد است و لازم است که عمره را به پایان رسانده و یک ماه در مکه توقف کند، سپس به یکی از مواقیت رفته دوباره یک عمره کامل بجا آورد.

(مسأله ۹۶): حکم کفاره استمناء مانند کفاره جماع است.

۵ استعمال عطر و خوشبوکننده: استعمال عطر و بنا بر احتیاط بوهای خوشی مثل مُشک و زعفران و کافور بر مُحرم حرام است و همچنین بوییدن عود و عنبر و یا مالیدن آنها بر بدن و یا خوردن و یا پوشیدن چیزی که در آن بوی خوش بوده باشد هر گاه اثر آن باقی بماند برای مُحرم جایز نیست، ولی اگر محتاج به خوردن یا پوشیدن شود باید بینی خود را بگیرد، و احوط ترک استعمال ریاحین و نیز رعایت غایت احتیاط در ترک بوییدن میوه های خوشبویی مثل سیب و شنبه

آن است اگرچه خوردن آنها ضرری نداشته و جایز است، و مشهور آن است که احوط اجتناب از بوی خوشی است مشتبه با بوهای غیر جایز است لیکن خلوق کعبه _ و آن چیزی است که کعبه را با آن خوشبو می کنند _ از حکم بوی خوش مستثنی است.

(مسأله ۹۷): کفّاره استعمال عطر و بوی خوش، کشتن یک گوسفند است. و احوط حرمت گرفتن بینی از بوی بد است و لکن کفّاره ندارد. چنانچه فرار کردن از آن با تند راه رفتن هم اشکالی ندارد. و احتیاط آن است که از دارچین، هل، زنجبیل و امثال آنها اجتناب کند اگرچه اقوی حرام نبودن آنها است، لیکن مقصود از استعمال اینها آن است که آنها را برای خوشبو کردن استفاده کنند لکن اگر آنها را برای خوشمزه شدن غذا و تقویت و امثال آن استفاده کنند، استعمال آنها بلامانع است مگر اینکه عرفاً استعمال آنها را در هر حال به عنوان خوشبو کننده بدانند.

(مسأله ۹۸): اگر کسی در حال احرام بمیرد جایز نیست که در غسل و حنوطش کافور استعمال کنند.

(مسأله ۹۹): خریدن عطریات اشکالی ندارد، لکن برای امتحان کردن نباید آنرا بو کند و یا استعمال نماید.

(مسأله ۱۰۰): اگر بوی خوش را در یک زمان مکرراً استعمال کرد، بعید نیست که یک گوسفند کفایت کند لکن احتیاط در تعدد کفّاره است. و اگر در اوقات متعدد استعمال کرد، احتیاط مذکور ترک نشود. ولی اگر بعد از استعمال، کفّاره داد و باز استعمال کرد دادن کفّاره بر او واجب می شود.

۶ پوشیدن لباس دوخته: پوشیدن لباس دوخته و چیزی که شبیه به لباس دوخته باشد مثل لباس

هایی که از نم‌می مانند به هیئت بالاپوش و گلیچه و کلاه و غیر آن، بر محرم مرد حرام است.

(مسأله ۱۰۱): اقوی جواز بستن همیان پول است بر کمر و اولی آن است که به صورتی باشد که بدون گره باشد. و چیزهایی را که برای کسالت و یا بادفتق می‌دوزند اقوی جواز استعمال آنها است اگرچه احوط ترک دوخته شده در آن دو است.

(مسأله ۱۰۲): هرگاه شخصی محتاج به پوشیدن چیز دوخته‌ای شود باید کفاره بدهد که کفاره آن یک گوسفند است. و احوط گره زدن لباس احرام است خصوصاً رداء، و نیز احوط تکمه نکردن در آن است.

(مسأله ۱۰۳): حرمت پوشیدن دوخته مختص به مرد است و پوشیدن آن برای زن مانعی ندارد.

(مسأله ۱۰۴): جائز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگری که قسمتی را به قسمت دیگر وصل کند مهار کند.

(مسأله ۱۰۵): اگر مُحرم چند نوع لباس دوخته بپوشد مانند پیراهن، قبا، عبا، برای هر یک باید کفاره بدهد و بنا بر احتیاط واجب اگر آنها را داخل یکدیگر نموده و با هم بپوشد، باز هم باید بنا بر احتیاط برای هر کدام یک کفاره بدهد.

(مسأله ۱۰۶): اگر از روی اضطرار لباس‌های متعدد دوخته شده را بپوشد، بنا بر احتیاط کفاره ساقط نمی‌شود.

(مسأله ۱۰۷): اگر لباسی مثل پیراهن بپوشد و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگری بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.

(مسأله ۱۰۸): گذاردن سنگ در لای لباس احرام و پیچیدن آن با نخ بدون آنکه گره بزند مانعی ندارد، به شرط اینکه دو طرف رداء را روی یکدیگر نگذارد

که مانند گریبان شود و جائز نیست رداء را سوراخ کند و سرش را از رداء بیرون آورد.

(مسأله ۱۰۹): کفش احرام اگر دوخته باشد پوشیدنش جایز است، اگرچه خلاف احتیاط است.

(مسأله ۱۱۰): گره داشتن لباس احرام مانند بعضی از حوله‌ها بلامانع است.

۷ سرمه کشیدن: سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینتی باشد هرچند قصد زینت ننماید بر مُحرم حرام است. و همچنین احوط اجتناب از سرمه ای است که در آن بوی خوش باشد از قبیل مُشک و امثال آن، اگرچه از آنها قصد زینت هم ننماید و احوط اجتناب از مطلق سرمه به قصد زینت است.

(مسأله ۱۱۱): کفاره سرمه کشیدن مُحرم به قصد غیر زینت استغفار است و اگر به قصد زینت باشد بنا بر احتیاط واجب، کفاره اش یک گوسفند است.

(مسأله ۱۱۲): حرام بودن کشیدن سرمه، اختصاصی به زن ندارد و برای مرد نیز حرام است.

(مسأله ۱۱۳): کشیدن سرمه در صورت اضطرار (مثل کسی که عادت دارد و اگر سرمه نکشد باعث زحمت و مشقت می شود) مانعی ندارد.

۸ نگاه کردن در آینه: هشتم از تروک احرام، نگاه کردن در آینه است. و بعضی از فقهاء تصریح فرموده اند که احوط ترک استعمال عینک است اگر برای بینایی نبوده و جنبه زینتی داشته باشد مگر به جهت ضرورت. و همچنین نگاه کردن در آب صاف نیز خلاف احتیاط است اگرچه اقوی جواز هردو است.

(مسأله ۱۱۴): در حکم نگاه کردن به آینه فرقی میان زن و مرد نیست.

(مسأله ۱۱۵): در نظر کردن به آینه کفاره نیست لکن مستحب است بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

(مسأله ۱۱۶): نگاه کردن راننده در آینه که دو طرف و یا پشت سر

خود را ببیند اشکالی ندارد و همچنین است نگاه کردن در آینه برای دکتر و قاضی اگر برای تشخیص و شناسایی لازم باشد.

۹ پوشیدن موزه: پوشیدن موزه و چکمه و جوراب برای مُحرم جایز نیست و هرچه که تمام پشت پا را بگیرد برای مردان، بلکه برای زنان نیز بنا بر احوط جایز نیست و لیکن پوشانیدن آن با گوشه احرام یا با دست و امثال آن اشکالی ندارد

(مسأله ۱۱۷): این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زنان مانعی ندارد.

(مسأله ۱۱۸): اقوی جواز پوشانیدن قسمتی از پا است. و هرگاه به جهت نبودن نعلین و دمپایی، محتاج به پوشیدن کفش شد احوط شکافتن روی آنها است.

(مسأله ۱۱۹): اگر مرد محتاج به پوشیدن چیزی شود که روی پا را می گیرد احتیاط واجب آن است که روی آن را بشکافد.

(مسأله ۱۲۰): در پوشیدن آنچه که روی پا را می گیرد کفاره نیست.

(مسأله ۱۲۱): پوشیده شدن روی پای مُحرم در اثر نشستن روی زمین یا به وسیله بعضی از بدن یا با لباس خواب در هنگام خوابیدن، مانعی ندارد.

۱۰ فسوق: و مراد از آن دروغ گفتن است و بعضی سبّ (فحش دادن) و مفاخرت (فخر فروشی) را نیز به آن ملحق نموده اند و بعضی مفاخرت را در خصوص شخص سبّاب دانسته اند زیرا که مفاخرت اظهار فضائل است برای خود و سلب آنها از غیر، یا اثبات رذائلی است برای غیر و سلب آنها از خود، که شبهه ای در تحریم همه مذکورات اخیر نیست ولی کفّاره ای ندارد مگر استغفار.

(مسأله ۱۲۲): اگر در حال احرام فحش دهد بنا بر احتیاط واجب کفاره آن یک گاو است.

(مسأله ۱۲۳): مراد از فسوق، دروغ

گفتن است چه بر خدای تعالی یا پیامبر یا امامان معصومین علیهم السلام یا بر مردم، و احوط ملحق کردن شوخی نامناسب و حرف زشت بلکه تمام گناهان کبیره به دروغ است.

۱۱ جدال: و آن عبارت است از گفتن (لا و الله) یا (بلی والله) و احوط الحاق مطلق یمین و قسم است. ولی در مقام ضرورت به جهت اثبات حق یا نفی باطل، جایز است. و جدال اگر جدال صادق باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر شخص نیست به غیر از استغفار، و در سه مرتبه یک گوسفند بر او لازم شود و از بعضی از روایات استفاده می شود که کمتر از سه یمین اگر صادق باشد جدال نیست، نه آنکه جدال بوده و کفاره ندارد.

و اما دروغ، پس مشهور است که در یک مرتبه یک گوسفند و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر باید بدهد.

(مسأله ۱۲۴): قسم اگر به لفظ الله باشد یا مرادف آن مثل خدا در زبان فارسی، جدال است و اما قسم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

(مسأله ۱۲۵): احتیاط واجب ملحق کردن سایر اسم های خدا است به لفظ جلاله پس اگر کسی به رحمان و رحیم و خالق سماوات، قسم بخورد جدال محسوب شود.

(مسأله ۱۲۶): در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جائز است قسم بخورد به جلاله و به غیر آن.

(مسأله ۱۲۷): اگر در جدال دروغگو باشد احتیاط واجب آنست که در یک مرتبه یک گوسفند کفاره بدهد و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر، بلکه این حکم خالی از

قوت نیست.

(مسأله ۱۲۸): اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند کفاره آن یک شتر است ظاهراً، مگر آن که پس از سه مرتبه یا زیادتر، کفاره را ذبح کند که در این صورت در مرتبه اوّل گوسفند و در مرتبه دوّم گاو و در مرتبه سوّم شتر است.

۱۲ کشتن جانوران: کشتن جانورانی که در بدن می باشد چه از بدن باشد یا از لباس - مثل شپش و کک و کنه که در شتر می باشد - و همچنین انداختن آنها برای مُحرم جایز نیست بلکه انتقال آنها از موضعی به موضع دیگر در صورتی که موضع اول حفظ برای آن باشد نیز جایز نیست. و اگرچه ممکن است در ظاهر، بیان این حکم با جزء بودن نظافت و پاکیزگی با ایمان و دین و حتی سرشت و عقل انسانی هم منافات داشته باشد، لیکن از سوی دیگر این نکته قابل توجه است که چون از مستحبات قبل از احرام، نظافت و پاکیزگی است لذا دستور اسلام این است که باید کاری کرد که این حیوانات از همان ابتدا در بدن و یا لباس انسان بوجود نیایند و به بیان احسن پیشگیری بهتر از درمان است.

(مسأله ۱۲۹): اگر در حال احرام شپش را بکشد یا دور بیندازد احتیاط واجب آن است که یک مشت گندم به فقیر بدهد، البته در صورتی که حیوانات مذکور موجب رسیدن ضرر و یا اذیت غیر قابل تحمل بر بدن نباشند.

(مسأله ۱۳۰): در کشتن جانوران بدن، فرقی نیست که خود شخص آنها بکشد و یا به سبب دارویی آنها بکشد و یا اینکه با انداختن آن از بدن آنها در

معرض کشته شدن قرار دهد و یا اینکه آنرا از جایی به جایی بگذارد تا بیفتد.

۱۳ انگشتر به دست کردن و استعمال حنا: به دست کردن انگشتر به جهت زینت برای مُحرم جایز نیست و امّا به جهت استحباب مانعی ندارد، و بعضی از علماء تصریح به حرمت استعمال حنا به قصد زینت در حال احرام نموده اند بلکه استعمال آن قبل از احرام هرگاه اثر آن تا حال احرام بماند نیز جایز نیست و بعضی از فقهاء احتیاط نموده اند از استعمال آن هر چند به قصد زینت نباشد و لیکن در تمام موارد احتیاط ترک نشود.

(مسأله ۱۳۱): زینت نمودن به هر چیزی که عنوان زینت داشته باشد بر مُحرم حرام است و کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

(مسأله ۱۳۲): حنا بستن بر مُحرم حرام است ولی اگر به قصد دوا و درمان باشد مانعی ندارد.

۱۴ پوشیدن زیور: پوشیدن زیور برای زن به جهت زینت جایز نیست مگر آنچه را که عادت به پوشیدن آن پیش از احرام داشته باشد. و درنیاوردن آن به جهت احرام به شرط آنکه آنرا برای زوج و سایر محارم اظهار نکند، اشکالی ندارد.

۱۵ روغن مالیدن: روغن مالیدن به بدن یا به سر هر چند که دارای بوی خوش نباشد برای مُحرم بنا بر احتیاط جایز نیست مگر به جهت ضرورت.

(مسأله ۱۳۳): جایز نیست روغنی را که بوی خوش دارد پیش از احرام استعمال کند البته در صورتی که اثرش تا وقت احرام باقی بماند.

(مسأله ۱۳۴): خوردن روغن در صورتی که در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد اشکالی ندارد.

(مسأله ۱۳۵): اگر در روغنی بوی خوش باشد و آنرا استعمال کند،

کفاره آن یک گوسفند است اگرچه از روی اضطرار باشد، ولی اگر خودِ روغن خوشبو باشد و زیاد هم خلاف متعارف نباشد شمول حکم بر آن، مشکل است.

(مسأله ۱۳۶): بر شخص محرم پس از خوردن غذاهایی که دارای چربی هستند لازم است که از مالیدن دست‌ها به یکدیگر به طوری که صدق روغن مالی کند اجتناب نماید، اگرچه در غالب اوقات در چنین حالاتی به هم مالیدن دستها به جهت ازاله چربی است نه روغن مالی کردن در این صورت که از مصداق بحث خارج می‌شود.

۱۶ ازاله مو: ازاله کردن مو توسط مُحرم از بدن خود یا دیگری چه دیگری مُحلّ باشد و یا مُحرم، هرچند به اندازه یک تار مو باشد جایز نیست مگر به جهت ضرورتی مثل کثرت شپش و درد سر و موی چشم که او را اذیت کند، بلی اگر پوستی را قطع کند که مودار باشد اشکالی ندارد. و چنانچه بدون قصد، تار مویی در وقت وضو، بلکه غسل کنده شود، چیزی بر او نیست.

(مسأله ۱۳۷): احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را به غیر از تراشیدن ازاله کند کفاره تراشیدن را بدهد. و کفاره سر تراشیدن هرچند به جهت ضرورت باشد یک گوسفند است، و یا اینکه سه روز روزه بگیرد، و یا به ده مسکین و به هر کدام یک مُد طعام بدهد. و بعضی از فقها گفته‌اند دوازده مُد و آنرا بر شش مسکین قسمت نماید ولی احتیاط در اختیار گوسفند است.

و همچنین هرگاه موی زیر هر دو بغل بلکه زیر یک بغل را ازاله کند نیز بنا بر احتیاط لازم است

که کفاره بدهد. ولی هرگاه به سر و یا به محاسن خود دست بکشد و یک تار مو و یا دو تار مو بیفتد باید یک کف طعام صدقه بدهد.

۱۷ پوشانیدن مرد سر خود را: جایز نیست که مردی سر خود را در حال احرام بپوشاند حتی به گل و حنا و یا با حمل چیزی بر سر علی الاحوط. و احوط و اولی ترک پوشانیدن سر است به قسمتی از بدن مثل دست، اگرچه اظهار جواز آن است. و در حکم سر است قسمتی از آن، مگر آنکه استثناء شده از آن، گذاشتن بند خیک و دستمالی که به جهت صداع (درد سر) بر سر می بندند. و احوط محسوب داشتن گوش به عنوان جزئی از سر است.

(مسأله ۱۳۸): کفاره پوشانیدن سر، یک گوسفند است. و احوط تعدد کفاره است به تکرار آن. ولی پوشانیدن صورت برای مردان جایز است.

(مسأله ۱۳۹): گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانعی ندارد.

(مسأله ۱۴۰): برای مردهایی که مُحرمند در صورتی که از جهت سرما و مانند آن ترس ضرر رسیدن نباشد، جایز نیست چیزی مانند پتو و امثال آن را روی سر بکشند و بخوابند و اگر بدون توجه بپوشاند باید فوراً آنرا باز کند و همچنین است حکم فراموشی.

(مسأله ۱۴۱): اگر پارچه ای را برای حفظ از پشه، روی کمانی ببندازند به طوری که بالای سر باشد، و سر را زیر آن ببرند اشکالی ندارد و همچنین رفتن در پشه بند هم اشکالی ندارد.

(مسأله ۱۴۲): زیر دوش حمام رفتن برای محرم اشکالی ندارد لکن رفتن زیر آبخاری که تمام سر را فرا بگیرد جایز نیست.

(مسأله ۱۴۳): اگر

مُحرم سر خود را شست و ضرورتی مانند دفع سرما و امثال اقتضا نکرد، نباید آنرا با حوله و دستمال خشک کند، و قسمتی از سر هم در حکم همه سر است.

۱۸ پوشانیدن زن روی خود را: جایز نیست که زن مُحرم صورت خود را به وسیله نقاب و امثال آن بپوشاند و همچنین است اگر قسمتی از صورت خود را بپوشاند مگر مقداری که از باب مقدمه باید آنرا برای پوشانیدن سر در وقت نماز بپوشاند، و لکن بعد از نماز باید فوراً آنرا باز نماید.

و جایز است زن برای حفظ از نامحرم چیزی را که بر سر زده تا مُحاذی بینی پایین بیندازد و بلکه تا چانه هم اشکالی ندارد و لکن باید احتیاطاً آن را به وسیله دست یا با چوبی، از صورت خود دور بگیرد که از قبیل نقاب حساب نشود.

(مسأله ۱۴۴): اگر زن در حال احرام صورت خود را بپوشاند کار حرامی انجام داده ولی کفاره ندارد اگرچه بنا بر احتیاط بهتر است گوسفندی را به عنوان کفاره ذبح کند، ولی اگر چادر و یا آنچه بر سر دارد در برابر صورت قرار بگیرد اشکالی ندارد.

(مسأله ۱۴۵): زن در حال احرام اگر دست های خود را روی صورت بگذارد اشکالی ندارد.

۱۹ سایه قرار دادن: سایه قرار دادن بالای سر خود در حال طّی منازل و قطع مسافات با امثال هودج و اتومبیل که سرباز نباشد و امثال آن بنا بر احتیاط، برای محرم جایز نیست، چه در حال سواره و چه در حال پیاده، و احوط آن است که به پهلوی محمل و هر چیزی که بالای سر آن باشد استظلال ننماید

و آنرا سایه بان خود قرار ندهد و از استظلال به مثل گوشه لباس و چتر و امثال آن هم باید اجتناب نماید بنا بر احتیاط، ولکن تمامی موارد مذکور در زمانی که در جایی منزل کند جایز است، هر چند به جهت انجام کارهای خود در رفت و آمد باشد و لازم نیست که حتماً در آنجا بنشیند، اگر چه احوط ترک آن در وقت تردد است. و همچنین است استظلال در وقت ضرورت به واسطه شدت سرما، گرما و یا باران، لکن باید کفاره بدهد و کفاره آن یک گوسفند است.

(مسأله ۱۴۶): سایه انداختن برای زنان و اطفال جایز است و مردان نیز در صورت ضرورت می توانند زیر سایه بمانند.

(مسأله ۱۴۷): حکمی که نسبت به آفتاب گفته شد نسبت به باران نیز جاری است یعنی برای مرد محرم حرام است که خود را به وسیله چتر یا مانند آن، از باران بپوشاند.

(مسأله ۱۴۸): راه رفتن در سایه های ساکن مانند شکاف کوه ها و سقف بازارها و سایه عمارت ها، مانعی ندارد اگر چه احوط ترک آن است.

(مسأله ۱۴۹): در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی منزل فرقی نیست بین آنکه در محملی باشد که روپوش دارد و یا در اتومبیل سر پوشیده باشد و یا در هواپیما و یا زیر سقف کشتی باشد.

(مسأله ۱۵۰): اگر مُحرم در شب و در حال احرام با ماشین سقف دار و یا هواپیما حرکت کند اشکالی ندارد اگر چه احوط ترک آن است به جهت عدم وجود تفصیل بین شب و روز در روایات ذکر شده در این باب.

۲۰ بیرون آوردن خون: بیرون آوردن خون از بدن خود و یا دیگری هر چند به خراشیدن

بدن باشد، برای مُحرم جایز نیست و در مسواک کردن هم اگر بداند که موجب بیرون آمدن خون می شود مسواک زدن هم برای او جایز نیست ولی در حال ضرورت خصوصاً اگر هدف از بیرون آوردن خون، تزریق آن به دیگری که نیازمند به آن است باشد اشکالی ندارد اگرچه در صورت اخیر، احتیاط در دادن کفّاره است.

(مسأله ۱۵۱): کفّاره بیرون آوردن خون از بدن در حال احرام یک گوسفند و یا اطعام مسکین است.

۲۱ ناخن گرفتن: گرفتن ناخن برای شخص مُحرم جایز نیست هرچند مقداری از ناخن باشد، مگر آنکه شخص را اذیت کند مثل آنکه جزئی از آن افتاده باشد و موجب اذیت باشد که در این صورت ناخن را می گیرد و کفّاره می دهد به یک مد طعام که کفّاره ناخن تمام است. ولی اگر تمام ناخن دست و پا را در یک مجلس بگیرد باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و اگر در دو مجلس بگیرد باید دو گوسفند بدهد.

(مسأله ۱۵۲): در صورتی که مُحرم مسئله ناخن گرفتن را از دیگری بپرسد و آن کس به جواز گرفتن فتوا دهد و او نیز به جهت گفته او، ناخن خود را بگیرد ولی خون خارج شود خود شخص مفتی باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

۲۲ کشیدن دندان: کشیدن دندان هرچند خون نیاید برای مُحرم جایز نیست و کفّاره آن یک گوسفند است بنا بر احتیاط.

(مسأله ۱۵۳): کفّاره کندن دندان در صورتی که خون بیرون بیاید بنا بر احتیاط یک گوسفند است اگرچه دلیلش محل تأمل است.

۲۳ کندن درخت و گیاه: کندن درخت و هر گیاهی که در حرم روییده باشد بر مُحرم حرام است.

(مسأله ۱۵۴):

کندن گیاهی که در منزل یا ملک خود انسان و بعد از مالکیت آن منزل، روئیده باشد و یا آنکه خود انسان آن را کاشته باشد، مانعی ندارد.

(مسأله ۱۵۵): گیاه خرکه که گیاهی معروف است از حکم حرمت کندن استثناء شده است ولی اگر درخت های میوه و خرما، و امثال آنها را بکند احوط آن است که اگر بزرگ باشد یک گاو، و اگر کوچک باشد یک گوسفند کفاره بدهد و اگر قسمتی از درخت را بکند قیمت آن را باید پردازد. و لیکن در کندن گیاه کفاره ای نیست به غیر از استغفار.

(مسأله ۱۵۶): رها نمودن شتر برای خوردن علف از گیاهان حرم، جایز است لکن خود انسان نباید گیاه را برای آن قطع نماید و این حکم در خصوص گیاهان حرم مختص به مُحرم نیست بلکه درباره همه افراد ثابت است.

(مسأله ۱۵۷): راه رفتن متعارف در جایی که گیاه دارد مانعی ندارد اگرچه موجب قطع گیاه حرم شود.

(مسأله ۱۵۸): درختی که اصل آن در حرم و شاخه هایش در خارج حرم یا به عکس باشد، حکمش حکم درختی است که تمامش در حرم است.

۲۴ برداشتن سلاح: برداشتن سلاحهایی مانند شمشیر و نیزه و هر چیزی که آلت حرب است برای مُحرم جایز نیست، مگر به جهت ضرورت، و احوط و اولی همراه نداشتن سلاح است هر چند متصل به بدن هم نباشد.

(مسأله ۱۵۹): برداشتن سلاح برای ترس از دشمن یا دزد به شرطی که آشکار نباشد و آنرا از خود دور نگهدارد جایز است.

مکان کشتن کفارات احرام

کفاره ای که به جهت صید واجب شده اگر چه در احرام عمره باشد مکان کشتن آن مکه معظمه است و اگر

در احرام حج باشد محل کشتن آن منی است و کفاراتی که به جهتی غیر از صید از اسباب گذشته واجب می شود، را می توانند در منی بکشند اگرچه در احرام عمره، واجب شده باشد هرچند که جایز است که شخص کفارات را تأخیر انداخته و آنها را پس از برگشتن به شهر خود بکشد.

(مسأله ۱۶۰): کفاره ای که در احرام حج بر شخصی واجب می شود باید آن را در منی ذبح نماید و به فقراء مؤمنین بدهد و اگر در مکه و یا در منی فقیر مؤمن نمی شناسد باید آنرا به کسانی بدهند که به عنوان نیابت، حج بجا می آورند و فقیر هستند، ولی اگر فقیر مؤمن و وکیل آنها در آنجا نباشد مخیر است که قربانی را در آنجا و یا در شهر خود به فقیر مؤمن بدهد.

(مسأله ۱۶۱): از کارهایی که بر مُحرم حرام است پانزده صورت آن کفاره دارد و لکن در بعضی از اقسام آن وجوب کفاره، بنا بر احتیاط است که شرح آنها در این رساله گفته شده است.

حدود حرم

حدود حرم چهار فرسخ در چهار فرسخ است و روایت شده که جبرئیل دست حضرت ابراهیم علیه السلام را گرفت و او را بر حدود حرم آگاه ساخت و اولین شخصی که برای حدود حرم علامت گذاشت حضرت ابراهیم علیه السلام بود و بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه آله و سلم آن مکان را علامت گذاری فرمودند که آن علامات تا حال حاضر هم موجود است. و آنها عبارتند از:

از طرف شمال و از جانب مدینه منوره به نام تنعیم یا مسجد غمره که مسافت آن تا مسجد الحرام چهار میل است (هشت

کیلومتر). و از غرب و از جانب جدّه به نام علمین یا حدیبیه است که مسافت آن تا مسجدالحرام به قدر ده میل است. و از طرف شرق و از جانب مسجدی به نام جعرانه است که مسافت آن تا مسجدالحرام هشت میل است. و از طرف جنوب و از جانب عرفه است که مسافت آن تا مسجدالحرام سیزده میل است.

صید کردن و کندن درخت و گیاه در حدود حرم شریف بر مسلمانان حرام است و همچنین بردن خاک و سنگ آن به جای نیز دیگری ممنوع است.

و داخل شدن کفار به این محدوده نیز حرام است، چه از آنجا بگذرند و یا قصد ماندن در آنجا را داشته باشند.

و کسی هم نمی تواند اشیاء گم شده آن را بردارد مگر به قصد رساندن به صاحبش.

و نیز دفن شدن کافر در حرم حرام است و اگر دفن شد باید او را نبش قبر کنند و بیرون آورند.

مستحبات دخول حرم

اوّل: همین که حاجی به حرم رسید باید پیاده شود و به جهت دخول حرم غسل نماید.

دوّم: برای اظهار تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جلّ و علا، پاها را برهنه نماید و نعلین خود را بر دست گرفته داخل حرم شود، و این عمل دارای ثواب زیادی می باشد.

سوّم: وقت دخول حرم این دعاء را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شِقِّهِ بَعِيدِهِ وَفَسْحِ عَمِيقِ، سَامِعاً لِنِدَائِكَ وَ مُسْتَجِيباً لَكَ مُطِيعاً
لَأَمْرِكَ، وَكُلِّ

ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ أَلْزُلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ
وَالْمَغْفِرَةَ لِتُدْنُوَنِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ يَدَيْنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ
عِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مستحبات داخل شدن به مکه معظمه

برای داخل شدن در مکه معظمه نیز مستحب است که شخص غسل نموده و با حالت تواضع وارد مکه شود، و کسی که از راه
مدینه می رود از قسمت بالای مکه داخل این شهر شده و وقت بیرون آمدن از قسمت پایین آن بیرون آید.

آداب مسجد الحرام و مکه معظمه

مستحب است که شخص برای داخل شدن در مسجد الحرام غسل نموده و با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد آن حرم
شود، و گفته اند که باب بنی شیبه در حال حاضر مقابل باب السلام است بنابراین بهتر است که شخص از باب السلام وارد
شده و مستقیماً بیاید تا از ستونها بگذرد. و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و در روایت دیگر آمده است که در کنار در مسجد بایستد و بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ عَلَى مَلِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى
رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ، أَلَسَّالَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، أَلَسَّالَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَانِ، أَلَسَّالَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَلَسَّالَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَلَلَّهْمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
 مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، أَلَلَّهْمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ. أَلَلَّهْمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ السَّالَامُ
 عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَلَلَّهْمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمَلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ
 الْإِيمَانِ أَيْدِيًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُورِهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ
 يُنَاجِيهِ، أَلَلَّهْمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ
 يَا رَحْمَانُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ وَ لَمْ تُوَلَدْ، صَيِّمٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْوًا
 أَحَدٌ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ
 تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بِنِزَارَتِي إِيَّاكَ، أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

پس سه مرتبه می گوید: أَلَلَّهْمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

و سپس می گوید: وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَ الْأَنْسِ وَ شَرَّ

فَسَقَهُ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الاسود شد بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ بَعَادَةَ الشَّيْطَانِ وَ بَعَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.

و سپس نزدیک حجر الأسود رفته و آن را استلام نموده و بگوید: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْشَى وَ أَخْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و سپس صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و سلام بر پیغمبران بدهد چنانچه وقت دخول مسجد سلام می داد، آنگاه می گوید: إِنِّي أَوْمِنُ بَوَعْدِكَ وَ أَوْفِي بَعْدِكَ.

و در روایت معتبر وارد است که وقتی نزدیک حجرالاسود رسید دست های خود را بلند کند و حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و صلوات بر پیغمبر بفرستد و از خداوند عالم بخواهد که حج او را قبول کند، و پس از آن حَجْر را بوسیده و استلام نماید. و اگر بوسیدن ممکن نشد با دست استلام نماید، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن نموده و بگوید:

اَللّٰهُمَّ اَمَانَتِيْ اَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِيْ تَعَاهَدْتُهُ لَتَشْهَدَ لِيْ بِالْمُؤَافَاةِ، اَللّٰهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلٰى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى لَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ، اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا

شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.

و اگر نتواند همه این دعا را بخواند قسمتی از را بخواند و سپس بگوید: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتُ رَغْبَتِي، فَأَقْبَلْ سَبْحَتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

مطلب دوم: طواف

اشاره

واجب دوم از واجبات عمره تمتع، طواف است که ترک آن عمداً، چه عالم به حکم باشد و چه جاهل به آن، موجب فساد عمره است. و طواف یعنی هفت دور به دور کعبه چرخیدن که مسائل آن ان شاء الله مفصلاً بیان می شود.

لیکن باید دانست که مکلف به عمره تمتع واجب است که بعد از دخول به مسجد الحرام، ابتداءً طواف نماید، و قبلاً نیز اشاره شد که طواف از ارکان عمره است و شخصی که عمداً آن را ترک نماید، چنانچه پیش از وقوف به عرفات، متمکن از آن نشود، عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل، و ظاهراً حج او حج افراد می شود. و قضاء حج در سال بعد بنا بر احتیاط بر او لازم است.

و نیز اگر شخصی طواف را سهواً ترک نماید، انجام دادن آن هر وقت که ممکن شد بر او لازم است. و اگر به شهر خود رفته و برگشتن برای او مشقت داشته باشد و یا ممکن نباشد، باید نائب بگیرد، و اگر سعی را بجا آورده باشد باید سعی را نیز بعد از طواف اعاده نماید. و در مورد مریض

اگر ممکن باشد باید او را بر دوش بگیرند و طواف دهند و گرنه باید برای او نایب بگیرند.

اما طواف دارای پنج شرط و هفت واجب و مستحباتی است که عبارتند از:

شرائط طواف

شرط اول:

طهارت از حَدَث، پس با وجود حَدَث، انجام طواف واجب جائز نیست، و اگر غفلتاً طواف نماید، طواف او باطل است.

(مسأله ۱۶۲): اگر در اثناء طواف حَدَثی برای او واقع شود پس اگر از نصف اشواط تجاوز نموده باشد باید طواف را قطع نموده و تحصیل طهارت کند و از همان موضع قطع، طواف را شروع نموده و آنرا تمام کند. ولی اگر قبل از نصف تعداد اشواط طواف بوده باشد باید تحصیل طهارت نموده و طواف خود را از ابتدا شروع نماید.

(مسأله ۱۶۳): حکم شک در طهارت بعد از حدث یا شک در حدث بعد از طهارت، قبل از طواف و بعد از آن و در اثناء آن، همان حکم شک در طهارت به جهت اقامه نماز که در احکام نماز توضیح المسائل ذکر شده است می باشد.

(مسأله ۱۶۴): اگر معذور از وضوء و یا غسل باشد، واجب است به همان صورتی که در تیمم نماز ذکر شده است تیمم نماید.

(مسأله ۱۶۵): اگر آب و یا چیزی که مجاز بر تیمم بر آن باشد هیچ کدام موجود نباشد حکم این شخص حکم غیر متمکن از طواف است که با یأس از تمکن باید نایب بگیرد. و احوط در غیر جنب آن است که خود او نیز طواف نماید، چنانچه احوط آن است که جنب متیمم بعد از آنکه طواف نمود نایب هم بگیرد.

(مسأله ۱۶۶): اگر زن پیش از طواف عمره حائض شود

و تا قبل از بازگشت حجاج به بلادشان، پاک نشود و نتواند از آنها نیز تخلف نماید. باید برای طواف عمره و طواف حج و طواف نساء نایب بگیرد. و بقیه اعمال را خودش بجا آورد، و همچنین است در صورتی که پیش از طواف حج و طواف نساء حائض شود.

(مسأله ۱۶۷): اگر زن پیش از طواف عمره حائض شود و به حسب عادت، پیش از رفتن حجاج به عرفات پاک شود، باید صبر نماید تا پاک شود و خودش طواف و بقیه اعمال عمره را بجا آورد، پس هرگاه اتفاقاً پاک نشود تا آنکه وقت رفتن به عرفات مضیق شود، باید عمره تمتع را بدل به حج افراد نماید، و به همان حال با حجاج به عرفات برود، و حج افراد را تمام کند، و بعد از آن دوباره به قصد عمره مفرده مُحرم شده و اعمال عمره مفرده را بجا آورد، و مجموعه حج افراد و عمره مفرده، کفایت از حج تمتعی که بر او واجب بوده می کند.

(مسأله ۱۶۸): هرگاه بعد از فراغت از عمره تمتع و قبل از رفتن به عرفات، بترسد که بعد از مراجعت از عرفات و مشعر، حائض شود و درک طواف حج و نساء را ننماید، باید طواف و سعی حج و طواف نساء را پیش از وقوف در عرفات و مشعر و منی بجا آورد، چرا که پاک بودن از حیض، در غیر طواف از اعمال حج و عمره، معتبر نیست. و اگر به سبب استعمال قرصهای منع از حیض، بتواند اعمال عمره و سایر اعمال را انجام دهد و خوردن آنها هم برای او ضرری نداشته باشد، احوط بلکه اقوی

لزوم استعمال این قرصها است.

شرط دوم:

طهارت بدن و لباس از نجاست و خَبَث، هرچند نجاستی باشد که در نماز معفو است، مثل خون کمتر از درهم و خون جروح و قروح علی الاحوط، خصوصاً با ملاحظه قول به حرمتِ داخل نمودن مطلق نجاست در مسجد.

(مسأله ۱۶۹): اگر در اثناء طواف، علم به نجس بودن پیدا کند، جمعی از فقها می فرمایند که باید طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجاست طواف خود را تمام کند، و لکن احوط آن است که بعد از ازاله نجاست، طواف را از ابتدا شروع نماید و اگر قبل از اكمال چهار شوط باشد و به سه و نیم نرسیده باشد احوط اتمام طواف و بجا آوردن دو رکعت نماز طواف و سپس اعاده طواف و نماز آن است. و همچنین است حکم هر شخصی که به بدن یا لباس او در حال طواف نجاستی عارض شود، و کفایت نمودن اتمام طواف در این صورت، اظهر از صورت اول است.

(مسأله ۱۷۰): اگر نجاست را فراموش نموده و طواف نماید، احوط لزوم اعاده آن است.

(مسأله ۱۷۱): در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست آنرا تطهیر نماید.

(مسأله ۱۷۲): بودن خون و خونابه زخم و دمل در بدن یا لباس در حال طواف که اجتناب از آن نیز سخت باشد، مانعی ندارد و بر طرف کردنش لازم نیست. ولی احوط به همراه نداشتن چیز نجس در حال طواف است. لیکن نجس بودن چیزهایی که خواندن نماز در آنها اشکالی ندارد مانند همیان و کلاه و جوراب در صورتی که ساتر نباشد مانعی ندارد.

(مسأله ۱۷۳): در صورتی که نجس

بودن بدن یا لباس خود را ندانسته، و پس از انجام طواف بفهمد، طوافش صحیح است و نیازی به اعاده ندارد و همچنین است نسبت به نماز طواف.

شرط سوم:

ختنه کردن در مردان پیش از طواف واجب است، بنابراین طواف بدون ختنه باطل است، ولی این شرط درباره زنان نیست. و احوط ثبوت این شرط است در اطفال کوچک، پس اگر طفلی بدون ختنه طواف کند و یا او را طواف دهند، طواف نساء او باطل است و بعد از بلوغ، زن برای او حلال نخواهد بود، مگر آنکه طواف نساء را بعداً خودش و یا نائیش تدارک نمایند و بلکه باید هر سه طواف را تدارک نموده و بلکه باید تمام عمل را تدارک نماید.

(مسأله ۱۷۴): اگر بچه ای ختنه کرده به دنیا بیاید طوافش صحیح است.

(مسأله ۱۷۵): اگر ختنه نشده مستطیع شود چنانچه بتواند بین ختنه کردن و حج در سال استطاعت جمع کند (یعنی در همان سال خود را ختنه نماید و به حج رود) واجب است که این کار را انجام دهد و چنانچه ممکن نباشد باید حج را تا سال بعد به تأخیر بیندازد، پس اگر اصلاً متمکن از ختنه نباشد به این معنی که ختنه کردن برای او ضرر یا مشقت داشته باشد لازم است حج را بجا آورد، لکن احتیاط آن است که در عمره و حج هم خودش شخصاً طواف نماید و هم نائیب بگیرد ولی نماز طواف را باید خودش بجا آورد.

شرط چهارم:

پوشانیدن و ستر عورت بنا بر احوط بلکه اقوی، در طواف معتبر است و شرط در ساتر آن است که مباح باشد، بلکه احوط ملاحظه جمیع شرائطی است که در لباس مصلی معتبر است، نظر به حدیث مشهوری که می فرماید: طواف در حکم نماز است.

شرط پنجم:

نیت قربت، و باید چنین نیت کند که: هفت دور خانه کعبه را طواف می نمایم طواف عمره تمتع از فرض حجّه الاسلام «اگر حجّه الاسلام باشد» به جهت اطاعت فرمان خداوند عالم «یا» برای خدا.

(مسأله ۱۷۶): نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و یا بر قلب بگذارند بلکه همان عملی را که بنا دارد برای خدا انجام دهد، کافی است.

(مسأله ۱۷۷): اگر در بجا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی هستند و قصد قربت در آنها لازم است، ریا کند یعنی آنرا برای نشان دادن به دیگری و عمل خود را خوب جلوه دادن بجا آورد عمل او باطل است و در این عمل معصیت خدا

را نیز نموده است.

(مسأله ۱۷۸): ریاء بعد از عمل باعث بطلان نمی شود ولی باعث حبط عمل و ثواب آن می شود.

واجبات طواف

اشاره

واجبات طواف هفت چیز است:

واجب اول:

طواف کننده باید در طواف خود از حجرالاسود ابتدا کند، یعنی بنا بر احتیاط باید تمام بدن او بر تمام حجرالاسود بگذرد ولی اظهار این است که مقدار واجب آن ابتدا نمودن به حجرالاسود است، و در صورتی که مکلف خواسته باشد عمل به احتیاط نماید اندکی پیش از رسیدن به

(مسأله ۱۷۹): از هر جای حجرالاسود که شروع کرد باید به همانجا ختم شود پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم شود، اگرچه شروع از حجرالاسود اولی و احوط است. ولی اگر از وسط یا آخر حجرالاسود شروع کرد باید به همانجا ختم شود و مقدار زیادی آن از باب مقدمه علمیه می باشد.

(مسأله ۱۸۰): کارهایی که افراد نادان و اهل وسوسه در طواف می کنند که موجب انگشت نما شدن و وهن مذهب و مخالف با تقیه است، انجام دادن آنها حرام است و طواف چنین اشخاصی اشکال پیدا می کند پس باید به همان طور که همه مسلمین طواف می کنند در محاذات حجرالاسود عمل کنند و بدون دقت های صاحبان وسوسه باید محاذات حجرالاسود بایستند و طواف خود را شروع کند بلکه بدون توقف باید دور بزند تا هفت دور تمام شود.

واجب دوم:

آنکه هر دوری از طواف را به حجرالاسود ختم نماید، و در اینجا نیز مکلف باید در دور هفتم مقدار زیادتری طواف کند و این مقدار زیادی به قصد مقدمه علمیه باشد که این عمل موافق احتیاط خواهد بود.

واجب سوم:

آنکه خانه کعبه را در تمام حالات طواف در سمت چپ خود قرار دهد، و در صورتی که در بعضی از اجزاء طواف به جهت

بوسیدن ارکان یا غیر آن روی خود را به کعبه نماید، یا آنکه در اثر کثرت جمعیت رو به خانه یا پشت به خانه شود آن مقدار جزء طواف محسوب نیست و واجب است

(مسأله ۱۸۱): لازم نیست در تمام حالات طواف، خانه کعبه را حقیقتاً به شانه چپ خود قرار دهد بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل، جهت خانه کعبه از طرف چپ قدری خارج شود مانعی ندارد حتی اگر هم خانه قدری متمایل به پشت شود لیکن همین که دور زدن به نحو متعارف باشد اشکالی ندارد.

(مسأله ۱۸۲): گاهی دیده می شود که بعضی از افراد برای احتیاط، شخص دیگری را وادار می کنند که او را طواف دهند و خود طواف کننده اختیار را از خود سلب می کند و خود را به دست دیگری می دهد و تکیه به دست او می کند و آن شخص دیگر او را با فشار دور می دهد، که این طواف باطل است و اگر طواف نساء را این طور بجا آورد زن ها و یا مردها بر او حرام خواهند بود.

(مسأله ۱۸۳): رعایت احتیاط به این که خانه در تمام حالات طواف حقیقتاً به طرف چپ باشد گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتناء نیست -

و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمانان دور می زنند دور بزنند - لکن اگر شخص عاقل و عالمی بخواهد احتیاط کند و در موقع رسیدن به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه، شانه را مقداری به سمت چپ بگرداند به طوری که خلاف تقیه و موجب انگشت نمائی نشود، اشکالی ندارد.

(مسأله ۱۸۴): در طواف کردن به هر صورت که راه برود مانعی ندارد لذا می تواند آهسته و یا تند راه برود همانطور که می تواند بدود و یا سواره و یا با گاری طواف کند لکن بهتر آن است که پیاده و بطور میانه راه برود.

واجب چهارم:

آنکه حجر حضرت اسماعیل (ع) را که مدفن مادر آن حضرت بلکه کثیری از انبیاء است داخل در طواف خود نماید به این معنی که دور آن بگردد و داخل آن نشود، و اگر در اثناء طواف داخل آن شود، آن شوط و آن دور او باطل است، و احوط اعاده اصل طواف با تمام نمودن همان طو

واجب پنجم:

آنکه حد فاصل طواف در جمیع جوانب، ما بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم (ع) باشد و باید مسافت مابین خانه و مقام که تقریباً بیست و شش ذراع و نیم است، در همه اطراف خانه ملاحظه شود، پس اگر شخصی در قسمتی از اطراف طوافش، بیشتر از مقدار مذکور، از خانه دور ش

(مسأله ۱۸۵): اگر برای تقیه، مقام ابراهیم (ع) را داخل در طواف کرد، تدارک لازم ندارد.

(مسأله ۱۸۶): در صورت ازدحام جمعیت که مراعات حد اختیاری مشکل باشد و طواف هم در وقت دیگر ممکن نباشد، می توان از مقدار بیست و شش ذراع و نیم تجاوز کرد. اگرچه اگر خلاف سنت نباشد بهتر آن است که یک طبقه زیر زمین را به جهت مطاف بانوان ساخته شود تا این عمل برای ایشان آسانتر و محفوظتر باشد و این توسعه مطاف مسلماً از طبقاتی کردن سعی بین صفا و مروه از اشکال کمتری برخوردار است زیرا آنچه به حسب تاریخ بیان گردیده اصل کعبه و قواعدی که توسط حضرت ابراهیم علیه السلام بنیان نهاده شده، حدود ده ذراع پایین تر از کعبه موجود است که به مرور زمان خاکها و سیلابها، ارتفاع آنرا بالاتر آورده است هرچند که در سعی هم این مقدار از ارتفاع و لااقل تا مقداری

که به موازات سقف کعبه باشد اشکالی ندارد، اگرچه احتیاط در رعایت حال مطاف و سعی موجود که طبق سنت نیز هست می باشد.

واجب ششم:

آنکه طواف کننده از حدود خانه کعبه خارج بوده و یا از آنچه از خانه محسوب می شود و آن محدوده کوچکی در اطراف کعبه که به نام شاذروان معروف است خارج باشد و اگر طواف کننده در بعضی از حالات بر آن محدوده راه برود، آن جزء از طوافش باطل است و باید آنرا اعاده

واجب هفتم:

اشاره

آنکه هفت شوط کامل یعنی هفت دور تمام در اطراف خانه طواف نماید بدون کم و زیاد.

(مسأله ۱۸۷): اگر چنانچه از تعداد شوطهای طواف، شوطی را عمداً کم کند واجب است که آنرا انجام دهد البته در صورتی که فعل کثیری که موجب خلل در موالات باشد از او سرنزده باشد. و اگر فوت موالات بشود مثل صورتی است که عمداً قطع طواف نموده، که بیان آن ان شاء الله خواهد آمد، بلکه اگر از همان ابتدا عمداً قصد کم کردن را داشته باشد بنا بر احتیاط باید طواف خود را بعد از اتمام آن طواف اعاده نماید و اگر سهواً کم کرده مشهور تفصیل است بین آنکه اگر از نصف تجاوز کرده باشد باید طواف خود را تمام نماید و اگر از نصف تجاوز نکرده باشد باید از ابتدا شروع نماید.

(مسأله ۱۸۸): اگر متذکر کم و نقصان تعداد شوطهای طواف خود نشود مگر بعد از مراجعت به وطن خود، باید نائب بفرستد، و بعضی از فقهاء تفصیل داده اند بین فراموشی یک شوط و بیشتر، پس در صورت اول نائب باید طواف فراموش شده را بجا آورد، و در صورت دوم باید از ابتدا طواف را بجا آورد و این قول احوط است، و احوط از این اتمام و اعاده است مطلقاً.

(مسأله ۱۸۹): اگر

از تعداد هفت شوط مقداری را زیاد نماید در این حالت چند صورت تصور می شود:

۱ اگر به قصد جزئیت نباشد، طوافش صحیح است چه این قصد را در اول طواف نماید و چه در وسط و چه بعد از اتمام هفت شوط.

۲ اگر به قصد جزئیت طواف دیگر باشد طواف او باطل است چون قرآن بین طوافین است که در فریضه جایز نیست و در نافله مکروه است.

۳- اگر به قصد جزئیت این طواف را زیاد نماید، و در ابتداء طواف هم قصد زیاد نمودن به عنوان جزئیت را داشته باشد طوافش از همان ابتداء شروع، بلا اشکال باطل است.

۴- اگر به قصد جزئیت این طواف بوده و لکن بعد از تمام شدن هفت شوط متذکر این قصد شود، مشهور بطلان طواف است مثل آنکه رکعتی بر نماز اضافه نماید و احوط اعاده طواف است. و فرقی نیست در بطلان به سبب زیادی عمدی، بین عالم به حکم و جاهل به حکم.

(مسأله ۱۹۰): اگر سهواً بر تعداد هفت شوط، طوافی را زیاد نماید، پس اگر آن زیادی کمتر از یک شوط یا بیشتر از آن باشد مقدار واجب آن که هفت شوط است صحیح است، و احوط آن است صورتی که آن را تا هفت شوط دیگر به قصد قربت مطلقه تمام نماید، و سپس چهار رکعت نماز بخواند، دو رکعت برای طواف واجب، و دو رکعت هم برای طوافی که به قصد قربت مطلقه بجا آورده است.

(مسأله ۱۹۱): جایز است شوطی از طواف را به قصد یاد گرفتن طواف و نه به قصد واجب و مستحب، زیاد کند.

(مسأله ۱۹۲): اگر گمان کند همان طور که هفت

دور مستحب است یک دور طواف نیز مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بجا آورد و یک دور طواف مستحبی را هم در ادامه آن انجام دهد، طواف او صحیح است.

(مسأله ۱۹۳): جایز نیست بعد از طواف واجب بدون این که نماز طواف را بخواند، طواف مستحبی انجام دهد.

(مسأله ۱۹۴): اگر در حالی که مشغول طواف است وقت نماز واجب ضیق شود، واجب است طواف را رها کند و نماز را بخواند، پس اگر بعد از چهار دور، طواف را رها کرد باید از همانجا طواف را تمام نماید و الا باید آنرا از ابتدا اعاده کند.

شک در عدد اشواط طواف

(مسأله ۱۹۵): اگر شخص طواف کننده شک در عدد اشواط طواف نماید، پس اگر بعد از فراغ از طواف باشد، شکش اعتباری ندارد و طواف او محکوم به صحت است.

(مسأله ۱۹۶): اگر طواف کننده یقین به بجا آوردن هفت شوط داشته و شک در زیادتر بنماید مثل آنکه در آخر شوطی که تمام شده شک نماید که این شوط هفتم بود یا هشتم، این شک اعتباری ندارد و طواف او صحیح است.

(مسأله ۱۹۷): اگر در اثناء شوط شک کند که این شوط هفتم است یا هشتم، بنا بر اشهر طواف او باطل است و لکن احوط اتمام شوط و اعاده طواف است.

(مسأله ۱۹۸): اگر یقین نماید که بیشتر از هفت شوط انجام نداده ولی شک او مثلاً بین شش و هفت واقع شود اشهر آن است که طواف خود را اعاده کند و احوط آن است که بنا را بر اقل بگذارد و طواف خود را اتمام نماید و بعد از آن نیز طواف را اعاده

نماید.

(مسأله ۱۹۹): احوط قطع نکردن طواف واجب است یعنی در هر صورت بقیه طواف را ترک نکنند به طوری که عرفاً موالاتش بدون عذر فوت نشود.

(مسأله ۲۰۰): اگر بدون عذر طواف خود را قطع کرد باید بنا بر احتیاط آنرا اعاده کند هر چند چهار شوط را هم بجا آورده باشد.

(مسأله ۲۰۱): اگر عذری مانع از اتمام طواف مثل مرض و یا حیض و یا حدث بی اختیار، قبل از نصف هفت شوط اتفاق افتاد، لازم است طواف خود را اعاده نماید، و اگر باز قادر بر اتمام نباشد احوط آن است که صبر کند تا وقت آن طواف ضیق شود، و اگر توان انجام آنرا نداشت باید او را بر دوش بگیرند و طواف دهند، و اگر به این صورت هم ممکن نشد باید برای اتمام طواف نائب بگیرد.

(مسأله ۲۰۲): اگر در طواف مستحب شک در عدد دورها بکنند باید بنا بر اقل بگذارد و طوافش صحیح است.

(مسأله ۲۰۳): شخص کثیر الشک در عدد دورها، نباید به شکش اعتنا کند و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد شوطها را حفظ نماید.

(مسأله ۲۰۴): گمان در عدد دورها اگر گمان ضعیفی باشد حکم شک را دارد ولی اگر گمان قوی باشد احوط عمل کردن به آن و اعاده طواف است.

(مسأله ۲۰۵): اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طوافش را بجا نیاورده، باید آن را رها کند و طواف کند و بعد سعی را دوباره بجا آورد.

(مسأله ۲۰۶): شک در طهارت از حدث پیش از طواف یا بعد از آن یا در بین آن، حکم شک طهارت در نماز را دارد

یعنی اگر بعد از طواف شک کند، طوافش صحیح است و اگر پیش از طواف باشد باید وضو بگیرد و اگر در بین طواف باشد، طوافش باطل است.

(مسأله ۲۰۷): در طواف نساء داشتن طهارت شرط است مانند طواف حج و عمره که طهارت در آنها واجب است.

(مسأله ۲۰۸): اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

(مسأله ۲۰۹): سخن گفتن و خندیدن و شعر خواندن در حال طواف اگر خارج از حد و منافی با فعل عبادی طواف نباشد اشکالی ندارد ولی کراهت شدید دارد خصوصاً اگر خارج از حد باشد که در این صورت صحت طواف محل تأمل است. و لیکن مستحب است در حال طواف، مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

(مسأله ۲۱۰): واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده به طرف جلو باشد بلکه جایز است که به راست و چپ نگاه کند ولی گرداندن تمام صورت در صورتی که منافاتی با محاذات کعبه و طرف چپ نداشته باشد مانعی ندارد ولی صحت طواف در صورت روی برگرداندن به تمام صورت مشکل است. و لیکن می تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد و از همانجا طواف خود را تمام کند.

(مسأله ۲۱۱): جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند و یا دراز بکشد و بعد، از همانجا طواف را تمام کند ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به هم خورد و اگر به آن مقدار نشست، احتیاط آن است که طواف را تمام کند و دوباره

نیز آنرا اعاده نماید.

(مسأله ۲۱۲): اگر کسی غسل جنابت بر گردنش بوده و فراموش کرده و با همان حال به مکه رفته و برگشته ولی تمام اعمال را صحیحاً انجام داده است اعمال حج و عمره اش درست است. و اگر خودش نتواند باید فقط برای طواف عمره و طواف نساء، شخصی را نایب بگیرد که به جای او آنها را انجام دهد.

(مسأله ۲۱۳): اگر طواف را فراموش نمود و به وطن خود بازگشت و با همسرش نزدیکی کرد سپس یادش آمد، لازم است در صورتی که مورد فراموش شده، طواف حج باشد یک قربانی به منی، و اگر فراموش شده طواف عمره باشد یک قربانی به مکه بفرستد و در این قربانی، گوسفند کافی است.

(مسأله ۲۱۴): هرگاه طواف را فراموش نموده و زمانی یادش آمد که قضایش ممکن نیست، باید با همان احرام اول قضای آنرا بجا آورد و نیازی به تجدید احرام نیست، بلی در صورتی که از مکه خارج شده و یک ماه گذشته، لازم است برای داخل شدن به مکه، احرام تازه ای ببندد.

(مسأله ۲۱۵): آنچه بر طواف کننده حلال می شود بر فراموش کننده حلال نمی شود تا زمانی که آن را شخصاً یا نایبش قضاء نماید.

مستحبات طواف

مستحب است که در حال طواف با پای برهنه مشغول دعا و ذکر الهی باشد و این عمل دارای ثواب زیادی است و موجب قضاء حوائج دنیوی و اخروی می شود و مستحب است که در حال طواف این دعا را بخواند: **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اِلَیْكَ فَقیْرٌ وَّ اِنِّیْ خَائِفٌ مُّسْتَجِیْرٌ فَلَا تُعْیِرْ جِسْمِیْ وَ لَا تُبَدِّلْ اِسْمِیْ.**

و مستحب است در هر شوط که به در خانه کعبه برسد، صلوات بر محمد

و آل محمد عليهم السلام بفرستد و این دعا را بخواند: سَأَلَكَ فَاقِرٌكَ، مَسْكِينُكَ بِبَابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ أَلْبَيْتُ بَيْتِكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مُسْتَجِيرٌ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتَقْنِي وَ الْوَالِدِي وَ الْأَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمَ.

و نیز مستحب است که چون به حجر اسماعیل علیه السلام برسد به ناودان طلا نگاه کند و بگوید: اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ أَجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَادِهِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَادِهِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ.

و نیز چون از حجر اسماعیل (ع) بگذرد و پشت سر کعبه برسد، بگوید: يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكِرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ تَقَبَّلُهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

و در شوط هفتم وقتی که به مُسْتَجَار رسید (و آن پشت کعبه و نزدیک رکن یمانی و برابر درِ خانه کعبه است) مستحب است دست ها را بر دیوار خانه گذاشته و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید: أَلْبَيْتُ بَيْتِكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَ الْفَرْجُ وَ الْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ اغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

و باید کمال ملاحظه را بنماید که اعمالی را که در بین طواف انجام می دهد مثل بوسیدن حجرالاسود یا استلام ارکان، مکان آن را نشان کند و از همانجا طواف خود را ادامه دهد تا زیاد و کم

در طواف نشود.

مطلب سوّم: نماز طواف

واجب سوّم از واجبات عمره تمتع، نماز طواف است و آن دو رکعت است که بعد از طواف مانند نماز صبح خوانده می شود، و باید آن را نزد مقام حضرت ابراهیم(ع) بجا آورد، و احوط مبادرت به اتیان نماز بعد از طواف است، و احوط آن است که آنرا در پشت مقام و در یکی از دو جانب مقام بجا آورد، و اگر آن هم ممکن نباشد باید رعایت الأقرب فالأقرب را تا پشت مقام و دو طرف آن بنماید. و اگر متمکن شود از اتیان نماز در پشت مقام حتی تا آخرین وقت ممکن، باید نماز را بنا بر احتیاط اعاده نماید.

(مسأله ۲۱۶): نماز طواف مستحبی را می توان اختیاراً در هر گوشه از مسجد که ممکن باشد بجا آورد.

(مسأله ۲۱۷): اگر نماز طواف واجب را فراموش نماید هر وقت که متذکر شد باید آن را در مقام بجا آورد و اگر در مقام ممکن نشد در هر گوشه از مسجد الحرام با رعایت الأقرب فالأقرب به مقام، آنرا بجا آورد.

(مسأله ۲۱۸): ظاهر این است که بر فراموش کننده اعاده آنچه بجا آورده از سعی و غیره، لازم نیست اگرچه احوط اعاده آن است.

(مسأله ۲۱۹): اگر برای شخصی برگشتن به مسجد الحرام برای خواندن نماز طوافی را که فراموش نموده، مشکل باشد لازم است آنرا در هر مکانی که یادش آمد بجا آورد هر چند در شهر دیگری بوده باشد، اگرچه احوط آن است که در صورت امکان به حرم برگردد و آن را بجا آورد. و از آنجا که بعضی در صورت تعدّر برگشتن به مقام، نایب گرفتن را لازم دانسته اند بنا بر این احوط جمع است میان قضاء آن در هر جا که

متذکر شود، و گرفتن نائبی که آنرا در مقام بجا آورد.

(مسأله ۲۲۰): اگر شخصی که نماز طواف را فراموش نموده، بمیرد و نایب هم آنرا برای او بجانیاورده باشد بر ولی او واجب است که آن را قضاء نماید مثل نمازهایی که از میت فوت شده است.

(مسأله ۲۲۱): نظر به این که ترتیب بین نماز طواف و اعمال لاحق به آن از سعی و تقصیر معتبر است پس شخصی که واجبات نماز را نداند، و از حیث قرائت نیز قادر به اداء صحیح الفاظ نماز نباشد، باید آنرا قبل از سفر حج اگرچه با صرف مبلغی باشد تصحیح نماید تا حج و عمره او با مشکل روبرو نشود، لیکن اگر نتوانست باید آنرا به جماعت خوانده و نایب هم بگیرد.

(مسأله ۲۲۲): توجه به درک معانی الفاظ نماز برای نماز گزار خصوصاً در نماز طواف، تا حد امکان لازم است.

(مسأله ۲۲۳): اگر نداند که قرائتش درست نیست و در نادانی خود معذور باشد، نمازش صحیح است و نیازی به اعاده ندارد اگرچه بعد از نماز بفهمد. ولی اگر معذور نبوده، لازم است که پس از تصحیح، نماز را اعاده کند و حکم کسی که نماز را فراموش کرده، بر او جاری می شود.

(مسأله ۲۲۴): نماز طواف در همه اوقات خوانده می شود مگر آنکه مزاحمت با وقت نماز واجب داشته باشد بطوری که اگر نماز طواف را بخواند، موجب فوت نماز یومیه می شود که در این صورت باید ابتدا نماز یومیه را بخواند و بعد نماز طواف را.

(مسأله ۲۲۵): هنگام خواندن نماز طواف و سایر نمازهای واجب در مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص)، جلو ایستادن زن از مرد اشکالی ندارد و هر طور که

برای او ممکن باشد کافی است.

(مسأله ۲۲۶): کسانی که مبتلا به سِلَسِ البول می باشند و به مقدار انجام دادن طواف و نماز، بول آنها قطع نمی شود واجب است در طواف نائِب بگیرند و همچنین است حکم زن مستحاضه اگر وقت برای او تنگ باشد.

(مسأله ۲۲۷): مستحب است در نماز طواف آنکه در رکعت اول بعد از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره جحد (قل یا أيُّها الکافرون) را بخواند و بعد از فراغ از نماز نیز حمد الهی را بجا آورد و صلوات بفرستد و طلب قبول نماید و بگوید: اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي.

و سپس به سجده رفته و بگوید: سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعَبُّدًا وَ رِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، أَلَّوْلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقَرَّرٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَ لَا يُدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ.

مطلب چهارم: سعی بین صفا و مروه

اشاره

واجب چهارم از واجبات عمره تمتع سعی است که احکام آن در سه مقصد بیان می شود:

مقصد اول: مستحبات قبل از سعی و آداب سعی،

پس هرگاه شخص اراده سعی نماید مستحب است ابتدا کنار حجرالاسود آمده و آن را ببوسد و دست ها یا بدن را بر آن بمالد و در صورت عدم امکان به آن اشاره نماید و سپس کنار چاه زمزم رفته و به اندازه یک یا دو سطل آب به سر و پشت و شکم خود ریخته و مقداری از آن را هم بخورد و بگوید: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقْمٍ.

و سپس از دری که مقابل حجرالاسود است - و آن دری است که حضرت پیغمبر (ص) از آن خارج می شدند - با وقار و سکینه به طرف کوه صفا رفته و بالای کوه صفا بنشیند و از آنجا از رکنی که حجرالاسود در آن است که معروف به رکن عراقی است، به کعبه نگاه کند و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و نعمت های خداوند را در نظر بگیرد و هفت مرتبه بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ هَفْتُ مَرْتَبَةً: أَلْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ هَفْتُ مَرْتَبَةً: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ سَهْ مَرْتَبَةً: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و نیز سه مرتبه بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ صَدَّ مَرْتَبَةً بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ صَدَّ مَرْتَبَةً: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ صَدَّ مَرْتَبَةً: أَلْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ صَدَّ مَرْتَبَةً: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ سَبَّحَ

بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عِبْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.

و سپس بگوید: أَسْتَودِعُ اللَّهَ الرَّحْمَانَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تُضَيِّعُ دَائِعُهُ، دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي. اللَّهُمَّ اسْتَعْمَلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّتِهِ نَبِيِّكَ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ.

مقصد دوم: در بیان واجبات سعی و احکام آن.

از دیگر واجبات حج، سعی بین صفا و مروه که دو مکان معین و مشخصی در نزدیکی مسجد الحرام است می باشد که بعد از نماز طواف، ادا می شود.

(مسأله ۲۲۸): سعی نیز مانند طواف رکن است و حکم ترک نمودن آن عمداً یا سهواً، چنان است که در ترک طواف گذشت.

(مسأله ۲۲۹): طهارت از خبث و لباس در سعی معتبر نیست هر چند احوط مراعات آن است، اگر چه مراعات طهارت از حدث احوط است.

(مسأله ۲۳۰): واجب است سعی را بعد از نماز طواف بجا آورد به طوری که عرفاً نگویند فاصله ای واقع شده است.

(مسأله ۲۳۱): اگر به واسطه فراموشی یا جهل به وجوب ترتیب، سعی را مقدم بر طواف داشت، احوط اعاده سعی است.

(مسأله ۲۳۲): واجب است که در سعی ابتداء نماید از جزء اول صفا، و اولی و احوط آن است که چهار پله از صفا را بالا رود و چنین نیت نماید: سعی می نمایم میان صفا و مروه در فرض عمره تمتع به جهت اطاعت فرمان خداوند عالم، و یا بگوید: برای خدا. پس از آنجا به راه افتد و مسیر را چه پیاده باشد و

یا سوار بر حیوانی شده و یا بر دوش انسانی قرار بگیرد طی کند تا به کوه مروه برسد به طوری که انگشت پا را به پله ای که از آن به بالای مروه می روند بچسباند که باید این مسیر را یک شوط حساب کند، و احوط و اولی بالا رفتن از پله های مروه نیز می باشد. و سپس از آنجا برمی گردد همانطور که از صفا ابتدا نموده بود، تا به کوه صفا برسد. و با هر رفت و برگشت دو شوط محسوب می شود و شوط هفتم به مروه ختم می شود.

(مسأله ۲۳۳): واجب است که رفت و برگشت بین صفا و مروه از راه متعارف باشد پس اگر از میان مسجدالحرام یا از طرف سوق اللیل مثلاً به مروه برود و یا به صفا بیاید مجزی نخواهد بود.

(مسأله ۲۳۴): واجب است که در وقت رفتن به مروه صورتش به سمت کوه مروه باشد و در وقت برگشتن به صفا متوجه کوه صفا باشد، پس اگر به طور عقب گردد، طی مسافت نماید مجزی نخواهد بود، بلی التفات به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر هم در حد متعارف اشکالی ندارد.

(مسأله ۲۳۵): نشستن بر صفا یا مروه برای استراحت جایز است، لکن در میان مسیر صفا و مروه، احوط ترک نشستن بدون عذر است.

(مسأله ۲۳۶): تأخیر سعی از طواف به جهت رفع خستگی و یا کاهش حرارت هوا جایز است، و لکن تأخیر آن به روز دیگر جایز نیست، بلکه احوط تأخیر نینداختن آن تا شب است.

(مسأله ۲۳۷): حکم زیاد کردن عمدی بر هفت شوط سعی، همان حکم زیاد کردن بر هفت شوط طواف است و

گذشت که مبطل است مگر اینکه بعد از تمام شدن سعی باشد لکن جاهل در اینجا در حکم ساهی است نه عامد.

(مسأله ۲۳۸): اگر سهواً بر هفت شوط سعی، زیاد نماید اگر مقدار بیشتر کمتر از یک شوط باشد باید از آن صرف نظر نماید و سعی او صحیح است، و اگر مقدار زیادی یک شوط و یا بیشتر باشد باز سعی او صحیح است، ولی اگر مقدار زیادی را به نیت رجاء تا هفت شوط تمام نماید تا سعی دیگری محسوب شود احوط است.

(مسأله ۲۳۹): اگر سهواً از هفت شوط سعی کم نماید، اتمام آن هر زمانی که متذکر شد واجب است اگرچه به شهر خود رفته باشد، و اگر متمکن از مراجعت نباشد باید نایب بگیرد. و احوط در صورت عدم اكمال چهار شوط اعاده سعی است. و آنچه به سبب احرام بر او حرام شده بود، به او حلال نمی شود مگر بعد از اكمال سعی.

(مسأله ۲۴۰): اگر در عمره تمتع یک شوط را فراموش نماید و به گمان اتمام اعمال عمره و مُحَلِّ شدن با زن خود مقاربت نماید و بعد بیادش بیاید، بنابر احتیاط باید یک گاو را به جهت کفاره بکشد.

(مسأله ۲۴۱): اگر بعد از انصراف از سعی، شک در عدد اشواط سعی بنماید، شک او اعتباری ندارد، و در صورت احتمال نقصان، احوط اعاده است. و اگر شک او در شوط هفتم یا بیشتر باشد و حصول این شک در رسیدن به مروه باشد، مثل این که شک نماید که آن شوط هفتم بود یا نهم، شک او اعتباری ندارد.

و اگر شک شخص در وسط شوط باشد ظاهراً سعی

او باطل است و باید اعاده نماید بنا بر اشهر. و همچنین است اگر شك به کمتر از هفت شوط تعلق بگیرد مطلقاً، چه در وسط شوط باشد یا در آخر شوطی از اشواط، که در هر صورت باید بنا را بر اقل بگذارد و سعی را تمام نموده و بنا بر احتیاط مستحب نیز سعی را اعاده کند.

(مسأله ۲۴۲): هرگاه سعی را از مروه شروع کند، اگر یک شوط بجا آورده باشد، یعنی از مروه به صفا رفته باشد باید آن را لغو شمرده و از صفا شروع نماید.

(مسأله ۲۴۳): اگر به واسطه ندانستن مسأله، خیال کند که به چهارده مرتبه رفت و برگشت، هفت شوط سعی صورت می گیرد سعی او درست است و مقدار زیادی ساقط می شود.

(مسأله ۲۴۴): سعی بین صفا و مروه را جایز است در دو طبقه و یا در چند طبقه انجام دهند اگرچه احوط انجام سعی از همان راهی که متعارف بوده می باشد.

(مسأله ۲۴۵): اگر در زیر زمین طبقه ای مابین کوه صفا و مروه درست شد و این دو کوه هم ریشه دار بودند و سعی میان آنها واقع شد، این عمل صحیح است علی الظاهر و احوط بجا آوردن سعی از طبقه روی زمین است.

(مسأله ۲۴۶): اگر با مرکوب و لباس و نعلین غصبی سعی کند محل اشکال است بنابراین صحت سعی با کفش هایی که در مسجد ریخته و صاحب آنها معلوم نیست مشکل است.

مقصد سوّم: مستحبات سعی است.

مستحب است که در حال سعی پیاده باشد، و در وقت رسیدن به آن مکانی که علامت دارد هرّوْلَه نماید، که این هروله برای زنان نیست. و نیز چون به مروه رسید دعای اوّلی را که در صفا

خوانده بخواند و بگوید: اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطَى عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، أَلْعَفْوُ أَلْعَفْوُ أَلْعَفْوُ. و بهتر است این دعا را در حالت گریه و خشوع بخواند و در حال سعی بسیار دعاء کند. و اگر هروله را فراموش نمود مستحب است هر جا که به خاطرش آمد، عقب عقب برگردد تا به موضع تند رفتن برسد و سپس هروله کند.

مطلب پنجم: تقصیر

اشاره

عمل تقصیر بعد از فارغ شدن از سعی واجب می شود و معنای آن این است که شخص مقداری از ناخنها و یا مقداری از موی شارب و یا ریش و یا موی سر خود را کوتاه کند به قصد قربت و چنین نیت کند: تقصیر می کنم برای محل شدن از عمره تمتع در فرض حجها لاسلام به جهت اطاعت و فرمانبرداری از خداوند عالم، یا بگوید: برای خدا.

(مسأله ۲۴۷): تراشیدن موی سر کفایت از تقصیر نمی کند بلکه اگر کمتر از یک ماه به ایام حج مانده باشد، تراشیدن موی سر حرام است. و شخصی که تقصیر را فراموش نماید و بعد از احرام حج یادش بیاید، احرام حج او منعقد است و عمره او تمام است لیکن بنا بر احتیاط باید یک گوسفند به جهت کفاره ذبح کند.

(مسأله ۲۴۸): عده ای از فقها قائلند که شخصی که عمداً تقصیر را ترک نماید عمره اش باطل است و حج او به حج افراد تبدیل می شود، و بعد از آن باید عمره را بجا آورد، و لکن به نظر می رسد که کفایت آن از حج افراد محل اشکال است و احوط آن است که در آینده نیز باید

آنرا اعاده نماید.

(مسأله ۲۴۹): بعد از تقصیر، تمام چیزهایی که به واسطه احرام بر او حرام شده بود حتی تراشیدن سر و مقاربت با زن، بر او حلال می شود، چرا که بنا بر مشهور بین علما، عمره تمتع طواف نساء ندارد و لکن چون در بین علما قول به وجوب آن نقل شده و بعضی از اخبار هم دلالت بر آن دارد، احتیاط مستحب در بجا آوردن طواف نساء و دو رکعت نماز آن بعد از تقصیر، برای مُحل شدن است.

(مسأله ۲۵۰): کفّاره نزدیکی کردن پیش از تقصیر با همسر، یک گوسفند است.

(مسأله ۲۵۱): تقصیر پیش از تمام شدن سعی حرام است و اگر تقصیر کرد باید کفاره بدهد.

(مسأله ۲۵۲): لازم نیست تقصیر بلافاصله بعد از سعی انجام شود و شخص می تواند در هر کجا که بخواهد تقصیر نماید، خواه در مسعی و یا در منزل خود.

حکم معذور بودن از عمره تمتع

هرگاه زنی به واسطه عروض حیض نتواند وارد مکه معظمه شده و مناسک واجبه را ادا نماید، پس اگر برای عمره محرم شده بود باید عدول نموده و نیت خود را به احرام حج افراد تبدیل نماید، و اگر هنوز محرم نشده است باید از ادنی الحل که فاصله آن از طرف طائف تا مکه هفت میل است احرام ببندد و به عرفات و مشعر برود و سپس به مکه مراجعت نموده و طواف حج و سعی و طواف نساء را بجا آورده و بعد از آن عمره مفرده را نیز بجا آورد، و این اعمال کفایت از آنچه از حج تمتع بر او واجب بوده می کند.

(مسأله ۲۵۳): جلوگیری از خون حیض و نفاس بوسیله قرص و امثال آن

برای تمام کردن اعمال حج و عمره مانعی ندارد البته اگر ضرری نداشته باشد و حکم آنان حکم زنان پاک است.

افعال حج تمتع

مقصد دوم: افعال حج تمتع

اشاره

و آن سیزده فعل است: ۱ احرام، ۲ وقوف در عرفات به دستوری که بعداً گفته می شود. ۳ مَبِیت در مُزْدَلَفَه یعنی مَشْعَرِ الْحَرَام. ۴ رَمی جَمْرَه. ۵ قربانی نمودن در منی. ۶ تراشیدن موی سر و یا گرفتن کمی از ناخن یا موی سر در منی. ۷ طواف زیارت حج پس از مراجعت به مکه. ۸ دو رکعت نماز طواف حج. ۹ سعی بین صفا و مروه. ۱۰ طواف نساء. ۱۱ دو رکعت نماز طواف نساء. ۱۲ ماندن در منی در شب های یازدهم و دوازدهم، و روز سیزدهم برای افرادی که شب سیزدهم را هم در منی باقیمانده اند.

و تفصیل این مطالب در ضمن هفت مطلب بیان می گردد:

مطلب اول: احرام

اشاره

اولین واجب از واجبات حج تمتع احرام است و وقت آن موسع است اگرچه احوط خارج نشدن از مکه پس از اتمام عمره تمتع و قبل از روز ترویبه (یعنی روز هشتم) است. و نیز وقتی که تأخیر احرام حج از آن وقت، موجب فوت وقوف در عرفات در روز عرفه بشود و وقت احرام ضیق شد نباید از مکه خارج شد. و افضل اوقات احرام نسبت به غیر مضطر، روز ترویبه است.

و نیت احرام را آنچنان که در عمره تمتع بیان شد قصد می کند، و همانطور که ذکر شد نیت را باید به جهت اطاعت و فرمانبرداری از خداوند عالم قصد کند لیکن در اینجا باید به قصد حج تمتع نیت کند. و کیفیت آن و تروک واجبه در حال احرام چنان است که در احرام عمره تمتع ذکر شد.

محل احرام حج:

محل احرام حج مکه معظمه است در هر موضعی که باشد اگرچه مستحب است که در خود مسجد و در مقام ابراهیم و یا حجر اسماعیل باشد.

(مسأله ۲۵۴): اگر شخصی احرام حج را فراموش کرد تا از مکه خارج شد و به منی و عرفات رسید، باید هر وقت که یادش آمد مراجعت نماید، و اگر مراجعت ممکن نباشد به جهت ضیق وقت و یا عذری دیگر، باید از همان موضع تذکر احرام ببندد. ولی اگر تا بعد از افعال حج و انجام تمامی اعمال به یادش نیامد، حج او صحیح است.

(مسأله ۲۵۵): اگر شخصی با علم به حکم، احرام را عمداً ترک نماید تا زمان فوت و قوف در عرفات و مشعر، حج او باطل است و واجب است که حج خود را سال

آینده اعاده نماید.

(مسأله ۲۵۶): احوط آن است که احرام را بعد از فارغ شدن از عمره تمتع و در روز ترویبه ببندد و افضل آن است که بعد از نماز ظهر باشد و اگر نماز ظهر را خوانده، بود بعد از نماز عصر احرام ببندد و گرنه بعد از هر نماز واجب دیگری هر چند نماز قضا باشد می تواند احرام ببندد، و اگر نماز قضا هم نداشته باشد، بعد از نماز احرام که اقل آن دو رکعت است چنانچه گذشت، احرام ببندد.

افضل اماکن برای احرام، مسجد الحرام است و افضل از آن حجراسماعیل (ع) و یا مقام حضرت ابراهیم (ع) است، پس باید مقارن پوشیدن جامه احرام به صورتی که در عمره مفرده گذشت، نیت حج تمتع نموده و به این کیفیت تلبیه بگوید: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ.

و چون به ابطح رسد با صدای بلند بگوید: اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَ إِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَ أَصْلِحْ لِي عَمَلِي.

و مستحب است که با طمأنینه و آرام و با ذکر تسبیح حق تعالی راه برود و چون به منی رسید بگوید: أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَ بَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ.

و سپس بگوید: اللَّهُمَّ هِدْهُ مِنِّي وَ هِيَ مِنِّي مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَاءِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ.

و مستحب است شب عرفه را در منی اقامت نموده و به اطاعت الهی مشغول باشد و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف بجا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع

آفتاب تعقیب گفته و سپس به عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، بلکه احوط آن است که تا آفتاب طلوع نکرده، از وادی محسر رد نشود. و روانه شدن پیش از صبح مکروه و از بعضی از اعظم حرمت آن نقل شده است مگر برای ضرورتی مانند بیماری و یا برای کسی که از ازدحام مردم بترسد.

و مستحب است چون به سمت عرفات حرکت کرد این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ** ، **أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي**. و تا رسیدن به عرفات تلبیه بگویند.

مطلب دوم: وقوف در عرفات

واجب دوم از واجبات حج تمتع، وقوف در عرفات است، و آن موضعی است که محدود به حدود معینه و در چهار فرسخی مکه قرار دارد. وقوف در عرفات، مستحبات و واجباتی دارد که ذیلاً بیان می گردد:

مستحبات وقوف در عرفات: در وقوف در عرفات ده چیز مستحب است: ۱ با طهارت بودن در حال وقوف ۲ غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد ۳ قلب خود را متوجه ساحت اقدس الهی نماید و خود را از علاقه به دنیا و مادیات رها سازد. ۴ قافله ای که از مکه می آید در طرف چپ کوه وقوف نماید. ۵ وقوف در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن از کوه مکروه است ۶ در اوّل وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد. ۷ قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد و پس از آن صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه سوره توحید را بخواند و

هر چه بخوهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند: اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَادِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكُّرْ بِي وَ لَا تَخْدَعْ عَنِّي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ وَ يَا أَبْصِرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا. وَ حَاجَتِ خُودِ رَا نَامِ بِيرِد.

سپس دستهای خود را به سوی آسمان بردارد و بگوید: اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ أَسْمَى إِنْ أُعْطِيتْنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَيَا مَنَعْتَنِي وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَيَا أُعْطِيتْنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ مَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أُرَيْتَهَا خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ، وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ، وَ أَطَلْتَ عُمُرَهُ وَ أَحْبَبْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ.

۸ این دعا را بخواند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَ خَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صِدْقَاتِي وَ نُشُكِي وَ مَخَيَايَ وَ مَمَاتِي وَ لَكَ تَرَاثِي (بِرَاءَتِي) وَ بِكَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسْوَاسِ الصُّدُورِ، وَ مِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَ أَعُوذُ بِكَ

مِنْ شَرِّ مَا يُحْيِي بِهِ الرِّيحُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ، اَللّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي نُورًا وَ فِي لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرْوَقِي وَ مَقْعَدِي وَ مَقَامِي وَ مَيْدَحِي وَ مَخْرَجِي نُورًا وَ اَعْظَمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ اَلْقَاكَ، اِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و نیز مستحب است روی خود را به طرف قبله کند و صد بار سبحان الله و صد بار الله اكبر بگوید و سپس این دعا را بخواند: مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و نیز مستحب است که در این روز تا می تواند از انجام خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹ آنکه روی خود را به سمت کعبه کند و پس از گفتن صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الله اكبر، ده آیه از اول سوره بقره را بخواند: اَلَمْ * ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ * هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ * الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْغَيْبِ وَ يَقِيْمُوْنَ الصَّلٰةَ وَ مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ * وَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَا اُنزِلَ اِلَيْكَ وَ مَا اُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُوْنَ * اَلَا اِنَّكَ عَلَي هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَ اَلَا اِنَّكَ هُمْ الْمَفْلِحُوْنَ * اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ * خَتَمَ اللهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَ عَلٰى اَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ * وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُوْلُ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِيْنَ * يُخَادِعُوْنَ اللهَ وَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ مَا يَخْدَعُوْنَ

إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ * فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ *.

و سپس سوره توحید را سه مرتبه و آیه الکرسی را یکبار بخواند، و سپس آیات ۵۴ تا ۵۶ سوره اعراف را تلاوت کند: إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا، وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ، أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا، إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ *.

و سپس سوره قل أعوذ برب الفلق و سوره قل أعوذ برب الناس را بخواند.

و آنچه از نعمتهای الهی به یاد داشته باشد را یکایک ذکر نموده و خدا را بر آن نعمتها حمد و سپاس نماید. و همچنین بر أهل و مال و سائر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده حمد نموده و بگوید: اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعَمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بَعْدٌ، وَ لَا تُكَافَى بِعَمَلٍ.

و نیز با آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را حمد نماید و با آیاتی که در آنها ذکر تسبیح آمده است خدا را تسبیح نماید و با آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و با آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم السلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود

است خدا را بخواند. و هر حاجتی که دارد بخواند. و از حق سبحانه و تعالی طلب کند که توفیق حج بیابد در سال آینده و در هر سال، و سپس هفتاد مرتبه بگوید: أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ، و هفتاد مرتبه: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

۱۰ آنکه نزدیکی غروب آفتاب این دعا را بخواند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ تَشَدُّتِ الْأُمُورِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَخْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، أَمْسَى ظَلَمِي مُسِيئَةً تَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانَتِكَ وَ أَمْسَى ذُنُوبِي مُسِيئَةً تَجِيرُهُ بِمَغْفِرَتِكَ وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسِيئَةً تَجِيرًا بِعِزَّتِكَ وَ أَمْسَى الْفَانِي الْبَالِي مُسِيئَةً تَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَ أَلْبَسَنِي عَافِيَتَكَ وَ أَصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ.

و افضل و پرمعناتر از همه اذکار و ادعیه، دعای مخصوص حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در روز عرفه است که دارای مضامین بسیار عالی است و در کتب معتبر دعا ذکر شده است و خواندن آن در بعد از ظهر روز عرفه از مستحبات مؤکده است که در بخش ادعیه و زیارات خواهد آمد ان شاء الله.

و با نزدیک شدن غروب آفتاب باید با همان حال خشوع و خضوع به سوی مشعرالحرام روانه شود.

واجبات و قوف در عرفات

(مسأله ۲۵۸): مراد از قوف در عرفات همان بودن در آن مکان است، چه سواره باشد و چه پیاده، چه ساکن باشد و چه متحرک.

(مسأله ۲۵۹): اگر تمام وقتی که بیان خواهد شد را در عرفات خوابیده و یا بی هوش باشد و قوف او باطل است، چون این قوف مستند به اختیار نبوده است.

(مسأله ۲۶۰): بنا بر احتیاط آنچه بر شخص مختار غیر مضطر

واجب است، بودن در آن صحرا است از اوّل زوال تا غروب شرعی روز عرفه.

(مسأله ۲۶۱): باید مکلف در این وقوف دارای قصد قربت باشد یعنی عمل را جهت فرمانبرداری از خداوند متعال انجام دهد و چنین نیت کند: وقوف می کنم در عرفات از اوّل ظهر تا غروب شرعی جهت حج تمتع (حجّه الاسلام) به جهت اطاعت از خداوند عالم.

(مسأله ۲۶۲): بودن در عرفات از اوّل ظهر تا غروب شرعی اگرچه واجب است لکن مسّمای وقوف رکن است و بقیه واجب غیر رکن است.

(مسأله ۲۶۳): اگر در بعضی اجزاء وقت عمداً وقوف ننماید خواه از اوّل وقت باشد یا از آخر آن، حج او صحیح است اگرچه گناهکار است.

(مسأله ۲۶۴): اگر مسّمای وقوف را عمداً ترک نماید حج او باطل است، ولکن اگر سهواً باشد باطل نیست مگر آنکه وقوف در مشعر نیز، سهواً از او فوت شود.

(مسأله ۲۶۵): اگر شخصی پیش از غروب عمداً از عرفات کوچ نماید، و سپس نادم شده و به عرفات برگردد و تا غروب آنجا بماند، احوط دادن کفاره یک گوسفند است و اگر مراجعت ننماید باید روز عید یک شتر در منی نحر کند. و چنانچه قادر نباشد باید هیجده روز روزه بگیرد.

(مسأله ۲۶۶): اگر شخصی پیش از غروب سهواً از عرفات کوچ نماید، پس اگر متذکر شد، واجب است که برگردد و اگر مراجعت نکرد حکم او علی الظاهر در حکم عامد است، ولی اگر متذکر نشد چیزی بر او نیست.

(مسأله ۲۶۷): اگر شخصی به سبب عذری مثل نسیان و ضیق وقت، درک وقوف اختیاری عرفات را ننماید، بودن مقداری از شب عید در عرفات برای او کفایت

می کند هر چند مقدار آن اندک باشد، و این را وقوف اضطراری عرفه می گویند.

(مسأله ۲۶۸): اگر شخصی عمداً وقوف در عرفات را ترک کند حش باطل است هر چند وقوف مشعر را درک نماید.

مطلب سوم: وقوف در مشعر الحرام

واجب سوم از واجبات حج تمتع وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه) است، و مراد از وقوف در مزدلفه این است که حجاج بعد از آن که غروب روز نهم را از عرفات کوچ کردند متوجه مشعر الحرام می شوند و شب عید را تا طلوع آفتاب در آنجا می گذرانند، لکن وجوب بیتوته خالی از اشکال نیست اگرچه احوط است.

و لازم است که چنین نیت نماید: شب را به روز می آورم در مشعر الحرام جهت رضای الهی. و چون طلوع فجر شود باید مجدداً نیت وقوف واجب را به این کیفیت بنماید: نیت می کنم وقوف در مشعر الحرام را تا طلوع آفتاب در حج تمتع از حجه الاسلام به جهت اطاعت از خداوند عالم.

(مسأله ۲۶۹): اشهر و احوط وجوب ماندن در مشعر تا طلوع آفتاب است.

(مسأله ۲۷۰): اگر عمداً پیش از طلوع آفتاب از مزدلفه بیرون رود و از وادی محسر که حدود مزدلفه است تجاوز نماید گناهکار است و احوط ذبح یک گوسفند به عنوان کفاره است.

(مسأله ۲۷۱): مسمای وقوف در اثناء تمام شب در مشعر الحرام رکن است، و ترک تعمدی آن مفسد حج است، و اما خصوص بین الطلوعین اگرچه واجب است و لکن اگر مسمای وقوف را در اثناء شب درک کرده باشد ترک آن در بین الطلوعین اشکالی ندارد.

(مسأله ۲۷۲): اشخاصی که ماندن بعد از طلوع فجر برای آنها دشوار و سخت باشد مثل زن ها و مردان پیر و بیمارانی که

مشقت می بینند و یا افرادی که کار ضروری دارند در صورتی که شب را در آنجا به قصد وقوف در مشعر الحرام بیتوته نمایند، وجوب وقوف در بین الطلوعین نسبت به اینگونه افراد ساقط می شود و می توانند قبل از طلوع فجر از مزدلفه کوچ نموده و به سوی منی بروند.

(مسأله ۲۷۳): شخصی که به جهت فراموشی یا عذر دیگری متمکن از وقوف ما بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب نشد، برای او کافی است که مقداری بعد از طلوع آفتاب تا پیش از ظهر روز عید قربان را در آنجا وقوف نمایند، و این وقوف را وقوف اضطراری می نامند، پس اگر شخصی از وقوف اختیاری متمکن نشد و وقوف اضطراری را هم عمداً ترک نمود، حج او فاسد است.

(مسأله ۲۷۴): اگر وقوف اختیاری عرفات را درک کرده باشد ولی وقوف مشعر را نه اختیاری و نه اضطراری درک نکرده باشد، چنانچه از مشعر عبور نکرده باشد بعید نیست که حج او صحیح باشد خصوصاً برای کسی که در حال عبور ذکر خدا گفته باشد.

اختلاف حکم از جهت اختیار و اضطرار

هر کدام از وقوف در عرفات و مشعر، دارای یک وقت اختیاری و یک وقت اضطراری هستند، پس چنانچه مکلف هر دو موقف را ترک نماید حج او فاسد است و چنانچه یکی از دو موقف را درک نماید حکم او در هشت صورتی است که بیان می شود:

اول: اگر شخصی در اثر فراموشی یا عذر دیگری، وقوف در عرفات و وقوف در مزدلفه را ترک نماید به این معنی که هیچیک از وقوفین را چه اختیاری و چه اضطراری درک نماید حج او فاسد خواهد بود، و بر

چنین شخصی لازم است با همان احرامی که برای حج بسته بود، عمره مفرده را بجا آورد، و بعد از آن از احرام خارج شود، و واجب است سال آینده نیز حج را بجا آورد.

دوم و سوم: آنکه وقوف اختیاری عرفه و وقوف اضطراری مزدلفه را درک نماید. و یا اینکه وقوف اضطراری عرفه و وقوف اختیاری مزدلفه را درک نماید که در این دو صورت حج او صحیح می باشد.

چهارم: آنکه وقوف اضطراری هر دو را درک نماید، که در این صورت نیز اظهر صحت حج است نزد بعضی از فقهاء اگرچه احوط این است که سال آینده نیز حج خود را اعاده نماید.

پنجم: آنکه هر یک از دو موقف اختیاری و اضطراری عرفات از او فوت شود، ولی موقف اختیاری مزدلفه را درک نماید که در این صورت نیز حج او صحیح است.

ششم: آنکه هیچیک از دو موقف اختیاری و اضطراری عرفات و موقف اختیاری مزدلفه را درک ننماید و فقط موقف اضطراری مزدلفه را درک کند که در این صورت عدم صحت حج اشهر است.

هفتم: آنکه هیچ یک از دو موقف اختیاری و اضطراری مزدلفه را درک ننماید و فقط موقف اختیاری عرفات را درک نماید که در این صورت حج او صحیح است.

هشتم: آنکه هر یک از دو موقف اختیاری و اضطراری مزدلفه و اختیاری عرفه از او فوت گردد و فقط وقوف اضطراری عرفات را درک کند، که در این صورت حج او باطل است و باید حج خود را به عمره مفرده تبدیل نماید.

وقوف در مزدلفه و مستحبات آن

مستحب است که با حالت خشوع و خضوع از صحرای عرفات به سوی مُزْدَلَفَه حرکت

کرده و در مسیر راه نیز استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوْقُفِي وَ زِدْهُ فِي عَمَلِي وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَ تَقَبَّلْ مِنَّا سِئَاتِي.**

و مستحب است نماز مغرب و عشا را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد، و میان هر دو نماز را با یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را نیز بعد از نماز عشا بجا آورد، و در صورتی که برای رسیدن پیش از نصف شب به مزدلفه مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نینداخته و در میان راه بخواند و به هر مقدار که میسر باشد شب را به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ هِدْهُ جَمْعُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِّنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَ أَنْ تُسَلِّبَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ.**

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت، حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و به هر مقداری که برای او ممکن باشد نَعَمْ و تفضلات الهی را به یاد آورد و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد و دعاء نماید. و بعضی قائل به وجوب آن شده اند، لیکن مستحب است این دعا را نیز بخواند: **اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكَّرْتُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقِهِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ وَ خَيْرُ مَدْعُوٍّ وَ خَيْرُ**

مَسْؤُولٍ وَ لِكَلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تُقَبِّلَ مَعِيدَتِي وَ أَنْ تُجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا مُرَادِي.

و مستحب است سنگ ریزه هایی را که در منی رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد، و نیز وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی محسر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند راه برود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید: اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ لِيْ عَهْدِيْ وَ اَقْبَلْ تَوْبَتِيْ وَ اَجِبْ دَعْوَتِيْ وَ اَخْلُفْنِيْ فَيَمْنُ تَرَكَتُ بَعْدِي.

مطلب چهارم: واجبات منی

اشاره

بعد از آنکه مکلف از مزدلفه کوچ کرد واجب است به سوی منی برگشته و واجبات آنجا را چنان که تفصیلاً بیان می شود انجام دهد:

ا رمی جمره عقبه: مکلف باید به محلی که نام آن جمره عقبه است رفته و به ستونی که در آنجا است سنگ ریزه بزند که در آن چند چیز معتبر است:

الف تعداد ریگ ها هفت عدد باشد و کمتر از آن مجزی نیست.

ب نیت قربت داشته باشد و نیت آن چنین است: هفت سنگ به جمره عقبی می اندازم در حج تمتع قربۀ الی الله تعالی.

ج سنگ ریزه ها را به ترتیب یعنی یکی یکی پرتاب نماید.

د سنگ ریزه ها به وسیله پرتاب کردن به جمره بخورد پس اگر آن ها را روی جمره بگذارد به طوری که پرتاب کردن صدق ننماید کافی نیست، و در صورتی هم که سنگ ریزه را پرتاب نموده و بجای دیگری خورد و از آنجا به جمره برخورد کرد، أظهر عدم کفایت آن است.

ه عمل رمی در روز عید قربان و پس از طلوع آفتاب تا غروب آن باشد و تأخیر از آن جائز نیست.

(مسأله ۲۷۵): در سنگ ریزه معتبر است که صدق اسم سنگ نموده و از حرم باشد و مواضع مختلف حرم فرقی ندارد اگرچه برداشتن آنها از مشعر مستحب است. و نیز معتبر است که سنگ ریزه ها بگر باشد به این معنی که شخصی قبلاً آنها را نینداخته باشد و مستحب است که آن سنگ ها رنگین و نقطه دار و به قدر سر انگشت باشند و آنها را یک یک برداشته و در وقت انداختن پیاده و با طهارت باشد.

(مسأله ۲۷۶): اگر شخصی از روی فراموشی یا جهل به حکم، رمی را در روز عید ترک نمود لازم است تا روز سیزدهم هر وقت یادش آمد در طول روز آن را بجا آورد، پس اگر شب یازدهم

یا دوازدهم یا سیزدهم یادش بیاید لازم است روز بعد آن را بجا آورد، و در صورتی که علم به حکم و یا تذکر او بعد از روز سیزدهم باشد، احوط آن است که به منی برگشته و رمی را بجا آورد و در سال آینده نیز، یا خود او و یا نائیش رمی را تکرار نمایند.

(مسأله ۲۷۷): شرط است که سنگ های رمی مباح باشد پس رمی با سنگ غضبی و یا آنچه که دیگری برای او برداشته، کافی نیست.

(مسأله ۲۷۸): زدن جسم دیگری به جز سنگ ریزه کافی نیست.

(مسأله ۲۷۹): زنان و پیران اگر به واسطه ازدحام جمعیت، رمی جمره عقبه را در روز عید قربان، و رمی همه جمرات سه گانه را در روز یازدهم و دوازدهم نتوانستند شخصاً انجام دهند می توانند رمی جمره را شبانه انجام دهند و در نیت خود، قصد ما فی الذمه داشته باشند.

(مسأله ۲۸۰): هنگام رفتن و برگشتن برای رمی جمره، اگر برای جلوگیری از آفتاب چتر به سر بگیرند، خلاف احتیاط است چه راه دور باشد و چه نزدیک.

(مسأله ۲۸۱): رمی جمره در شب جایز نیست مگر برای مریض و شخص خائف و کسانی که از رمی کردن در روز عذر داشته باشند. و تا وقتی که خودشان بتوانند در شب رمی کنند نباید در روز نائب بگیرند.

و در جواز رمی در شب برای صاحبان عذر، فرقی نیست که شب قبل رمی کنند و یا شب بعد و اگر متمکن نباشند که رمی هر روز را در شب آن روز انجام دهند، می توانند رمی سه روز را در یک شب بجا آورند.

۲ قربانی

اشاره

بر هر کس که حج تمتع انجام می دهد واجب است یک

قربانی در منی بکشد و مقصود از قربانی، ریختن خون است و آن از عباداتی است که اسرارش نزد شارع مقدس است و به همین منظور حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام مأمور به ذبح فرزند خود گردید پس این که می گویند قربانی در وقتی واجب است که گوشت آن مورد استفاده قرار گیرد و گرنه جواز قربانی محل اشکال است حرف بی اساسی است و اصلی ندارد.

(مسأله ۲۸۲): قربانی کردن بر هر شخص به طور مستقل واجب است، پس یک قربانی از سوی چند نفر کفایت نمی کند. و نیز مستحب است که شخص حاجی در صورت امکان خودش مباشر در کشتن حیوان باشد. و علاوه بر آن قصد قربت در قربانی نیز معتبر است، و احوط آن است که قربانی را بعد از رمی بجا آورد، و در صورتی که از روی فراموشی یا جهل به حکم، قربانی را بر رمی مقدم داشت اعاده آن لازم نیست.

(مسأله ۲۸۳): لازم است قربانی، شتر یا گاو و یا گوسفند باشد، و در شتر معتبر است که داخل در سال ششم باشد، و در گاو بنا بر احتیاط داخل در سال سوم شده باشد، و اما در میش احوط آن است که یک سال را تمام کرده و داخل در سال دوم شده باشد، و اگر بز باشد باید دو سال را تمام کرده و در سال سوم داخل باشد، و چنانچه بعد از قربانی معلوم شود که سن آن کمتر از مقداری بوده که در قربانی معتبر است، باید دوباره قربانی کند.

(مسأله ۲۸۴): اگر قربانی پیدا نشد باید معادل مبلغ آن را نزد شخصی امین بگذارد تا در بقیه ذیحجه

قربانی را خریداری کرده و در منی ذبح کند و اگر در این سال ممکن نشد سال بعد این کار را انجام دهد.

(مسأله ۲۸۵): در تعیین عمری که جهت گوسفند و سایر قربانی ها معین شده، اکتفا نمودن به قول فروشنده و یا اهل خبره چنانچه موجب اطمینان شود جایز است.

(مسأله ۲۸۶): در قربانی چند چیز معتبر است:

الف بنا بر احتیاط سالم باشد پس قربانی مریض کفایت نمی کند.

ب تمام الاجزاء باشد، پس نباید کور، لنگ و گوش بریده بوده، و نیز حیوانی که چیزی از شاخش ناقص است نباشد، که در این صورت کفایت از قربانی حج نمی کند، و اظهر این است که حیوانِ خُصی یعنی اخته شده نیز کفایت نمی کند. و نیز احوط آن است که قربانی موجوء یعنی حیوانی که رگهای آنرا را مالیده باشند و مرضوض الخصیتین یعنی حیوانی که تخم های آنرا را مالیده باشند هم نباشد.

ج بنا بر احتیاط بسیار پیر نباشد به حدی که مغز استخوانش آب شده باشد.

د بنا بر احتیاط لاغر نباشد پس حیوانی که عرفاً آن را لاغر بگویند کفایت نمی کند اگرچه در گرده های او پیه هم باشد.

(مسأله ۲۸۷): در صورتی که مکلف به چاق بودن قربانی یقین نداشته باشد، اگر احتمال چاقی در آن داد و به جهت موافقت امر الهی به امید چاق بودن، آن را ذبح کرد و پس از ذبح معلوم شد که حیوان مزبور چاق بوده است، آن قربانی کفایت می کند. و اما اگر احتمال فربهی در حیوان می داد یا آنکه احتمال آن را داده ولی به امید چاقی ذبح نکرد، بلکه ذبح را از روی بی مبالاتی انجام داد، بنا بر احتیاط این

قربانی کفایت نمی کند، اگرچه پس از ذبح، فربه بودن آن معلوم گردد.

(مسأله ۲۸۸): احوط آن است که مقداری از ذبیحه را بخورند، و قدری را هدیه بدهند، و قدری را صدقه بدهند، و احوط آن است که مقدار هر یک از هدیه و صدقه ثلث قربانی باشد، و نیز آنکه هدیه و صدقه به مؤمنین باشد، بنابراین قربانی هایی که در این ایام در منی کشته می شود و غالباً بلکه عموماً طایفه سودانی ها آنها را می برند جایز نیست چرا که ایمان آنها معلوم نیست البته در صورتی که نیاز به زیر خاک کردن آنها نباشد. ولی اگر اتفاقاً پیش از رعایت این احتیاطات، آن طایفه و امثال اینها، قربانی را دزدیده و یا غارت کردند، موجب بطلان ذبح هدیه و وجوب اعاده آن نمی شود.

(مسأله ۲۸۹): چون پیدا نمودن فقیر مؤمن در سرزمین منی و در روز مخصوص مشکل است پس در قسمت فقراء ممکن است هر شخصی قبل از حرکت به سفر حج و یا قبل از قربانی کردن، از شخص فقیری برای قبض نمودن آن قسمت و کالت بگیرد و آنرا استفاده نموده و بعداً وجه آن قسمت را به آن شخص بدهد.

(مسأله ۲۹۰): هرگاه شخصی قادر بر قربانی تمام نباشد و متمکن از قربانی ناقص باشد، احوط جمع مابین آن و ده روز روزه گرفتن است، خصوصاً در مثل قربانی خصی. و با عدم تمکن از آن نیز، باید ده روز روزه بگیرد که سه روز آن به طور متوالی در حج از روز هفتم تا نهم است.

(مسأله ۲۹۰): هرگاه روز هفتم شروع به روزه نکرد باید بنا بر احتیاط تا بعد از مراجعت از منی

صبر کند، و احوط مبادرت به روزه است. و اما هفت روز دیگر را باید پس از رسیدن به خانه خود بگیرد و احوط توالی در آنها است. ولی اگر بعد از سه روز روزه، متمکن از قربانی شد احوط ذبح آن است.

و اما مستحبات هدی (قربانی)

مستحب است که قربانی شتر باشد و بعد از آن گاو و بعد از آن گوسفند. و نیز اگر گوسفند و یا بز باشد، نر باشد. و مستحب است در وقت ذبح یا نحر این دعاء را بخواند: وَجْهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صِيْلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِعَدَالِكَ أَمُوتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ، بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.

۳ حلق یا تقصیر

اشاره

واجب سوم از اعمال منی و ششم از واجبات حج تمتع، حلق یا تقصیر است یعنی تراشیدن موی سر و یا گرفتن مقداری از شارب و ناخن.

(مسأله ۲۹۲): تراشیدن ریش که مسلماً حرام است کفایت از تقصیر نمی کند.

(مسأله ۲۹۳): در حج تمتع واجب است طواف حج بعد از تقصیر باشد و چنانچه با علم و عمدتاً پیش از حلق یا تقصیر طواف نمود، واجب است طواف را بعد از حلق یا تقصیر اعاده نموده و یک گوسفند کفاره بدهد.

(مسأله ۲۹۴): برای شخصی که حج اوّلش باشد احوط سر تراشیدن است و نسبت به زنان، سر تراشیدن جایز نیست، و احوط عدم جواز سر تراشیدن خنثی است. و برای شخصی که حج دوّم یا بیشتر باشد، تقصیر کفایت می نماید.

(مسأله ۲۹۵): کسی که موی سر ندارد چه ذاتی و چه عارضی اگر از کسانی است که مخیر است میان حلق و تقصیر، فقط تقصیر بر او واجب می شود و اگر از کسانی است که مخیر نیست و بر او حلق واجب است احوط جمع بین کشیدن تیغ بر سر،

تقصیر است.

(مسأله ۲۹۶): عمل حلق یا تقصیر باید با نیت قصد قربت باشد و چنین نیت نماید: سر خود را می تراشم و یا مو و ناخن خود را می گیرم در فرض حج تمتع حَجَّهَ لاسلام به جهت فرمانبرداری و اطاعت از خداوند عالم. و بهتر آن است که دلاک نیز این نیت را بنماید.

(مسأله ۲۹۷): واجب است که رمی جمره و کشتن قربانی و حلق را به ترتیب مذکور بجا آورد و اگر به این ترتیب بجانیاورد، اگر به دلیل فراموشی بوده اشکالی ندارد، و اگر عمداً باشد مشهور عدم وجوب اعاده است و لکن احتیاط در به دست آوردن ترتیب مذکور است و اگر ممکن باشد نباید آنرا ترک نماید.

(مسأله ۲۹۸): اگر حلق یا تقصیر را در روز عید، فراموش نمود تا وقتی که از منی بیرون رفت، باید برای حلق کردن به منی برگردد، و اگر مراجعت ممکن نباشد باید در همان محل خود حلق بنماید و در صورت امکان موی سر خود را به منی بفرستد، و اگر بعد از طواف متذکر شد باید به منی برگردد، و اعاده طواف بعد از حلق بر او واجب است.

(مسأله ۲۹۹): شخصی که حلق یا تقصیر نمود تمام چیزهایی که به واسطه احرام بر او حرام شده بود بر او حلال می شود مگر سه چیز: صید، زن و استعمال بوی خوش، که این ها نیز بعد از انجام طواف حج و سعی و طواف نساء حلال خواهد شد.

مستحبات حلق

۱ از طرف راست سر شروع کند و این دعا را بخواند: **اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِيْ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.**

۲ موی سر خود را در خیمه خود در همان منی دفن

کند، و احوط آن است که بعد از تراشیدن سر مقداری از اطراف ریش و شارب خود را نیز کوتاه کند و ناخن های خود را هم بگیرد.

مطلب پنجم: طواف حج و نماز آن و سعی

اشاره

واجب هفتم و هشتم و نهم از واجبات حج تمتع، آن است که بعد از انجام واجبات منی که سه چیز بود (رمی جمره) و (قربانی) و (حلق و یا تقصیر) به مکه برگردد و به مسجدالحرام رفته و هفت دور اطراف کعبه طواف حج بنماید و سپس بقیه اعمال واجبی را که بیان می نمایم انجام دهد.

(مسأله ۳۰۰): کیفیت طواف حج به نحوی است که در باب عمره تمتع بیان نمودیم.

(مسأله ۳۰۱): تأخیر از منی برای حج تمتع و آمدن از منی به مکه و تأخیر طواف حج جایز است و بقیه اعمال حج را می تواند تا روز یازدهم انجام دهد، ولی در جواز تأخیر از روز یازدهم خلاف است و احوط عدم جواز تأخیر است.

(مسأله ۳۰۲): تقدیم طواف حج و سعی آن پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی جایز نیست، مگر برای افرادی که امکان بجا آوردن آنها بعد از مراجعت از منی به مکه برای آنها میسر نباشد مثل آنکه زنی گمان حیض و یا نفاس را در آن وقت برای خود داشته باشد و یا پیرمرد و عاجزی که نتوانند بعد از مراجعت از منی به سبب ازدحام مردم طواف نمایند، و اگر چنانچه بعد از مراجعت از منی متمکن از انجام طواف در ایام عید شد باید آنرا اعاده نماید، و الا احوط انجام آن در باقی ایام ذیحجه است.

(مسأله ۳۰۳): کسی که تقدیم طواف و سعی، بر وقوفین برایش جایز باشد هرگاه

طواف و سعی نمود، تا زمانی که مناسک منی را از رمی و ذبح و حلق و تقصیر بجانیاورد، استعمال بوی خوش بر او حلال نمی شود.

(مسأله ۳۰۴): در جمیع صور تقدیم طواف بر رفتن به عرفات، اگر بعداً متمکن نشود احوط گرفتن نایب است و اگر از اول احتمال مانع نداشته و بعداً مانعی حادث شود و علم به بقاء آن تا آخر ماه داشته باشد و یا آنکه پیش از برطرف شدن مانع، رفقای او بروند و او نتواند از آنها تخلف نماید، نایب گرفتن برای او متعین است.

(مسأله ۳۰۵): کسی که عارضه ای برایش رخ داد و نتواند طواف نماید مانند زنی که حیض بیند یا نفاس شود و نتواند تا پاک شدنش در مکه بماند تا طواف کند لازم است که برای طواف و نماز نایب بگیرد ولی سعی را باید خودش انجام دهد.

(مسأله ۳۰۶): بعد از بجا آوردن طواف زیارت، باید دو رکعت نماز طواف در پشت مقام حضرت ابراهیم بجا آورد، و نیت آن را چنین نماید: دو رکعت نماز طواف زیارت حج تمتع در فرض حجها لاسلام بجامی آورم به جهت اطاعت خداوند عالم. و این عمل هشتمین واجب از واجبات حج تمتع است.

(مسأله ۳۰۷): بعد از بجا آوردن دو رکعت نماز طواف باید به طرف صفا و مروه رفته، و هفت مرتبه بین صفا و مروه به ترتیبی که در عمره تمتع بیان نمودیم سعی نماید.

(مسأله ۳۰۸): پس از بجا آوردن طواف و نماز و سعی، استعمال طیب (بوی خوش) حلال می شود، ولی دو چیز باقی می ماند یکی (صید) و دیگری (زنان) که بعد از انجام طواف نساء و نماز آن، بر حاجی حلال می شود

و احوط اجتناب از بوی خوش قبل از طواف نساء است.

(مسأله ۳۰۹): آنچه از مستحبات که در طواف عمره و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج در روز عید قربان به مسجد الحرام می آید بر در مسجد بایستد و این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ اعِنِّي عَلَى تَشْكِكَ وَ سَيِّئِي لَهُ وَ سَلِّمْهُ لِي، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ أَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَ الْبَيْتُ بِبَيْتِكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أُوْمُّ طَاعَتِكَ مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ مِنْ عُقُوبَتِكَ، أَنْ تَبْلُغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.**

طواف نساء و نماز آن

واجب دهم و یازدهم از واجبات حج تمتع طواف نساء و نماز آن است، و این طواف اگرچه از واجبات است ولی از ارکان حج نیست و ترک عمدی آن نیز موجب فساد حج یا عمره نخواهد شد.

(مسأله ۳۱۰): طواف نساء به مردان اختصاص ندارد و بر زنان نیز واجب است، پس اگر مرد آن را ترک نمود هیچ زنی بر او حلال نمی شود و اگر زن نیز آن را ترک کرد بر هیچ مردی حلال نمی شود. و چنانچه حاجی از طرف دیگری نایب باشد، بر او واجب است که طواف نساء را به نیابت آن شخص دیگر بجا آورد.

(مسأله ۳۱۱): کیفیت و شرایط طواف نساء و نماز آن مانند طواف حج و عمره و نماز آن است.

(مسأله ۳۱۲): شخصی که در اثر مرض و امثال آن متمکن از طواف نساء نشد باید در صورت امکان حتی بر دوش دیگری

سوار شده و طواف نماید، و در صورت عدم تمکن نایب بگیرد، و همچنین نماز طواف را در صورت تمکن، خود مکلف بجای آورد، و گرنه برای آن هم باید نایب بگیرد.

(مسأله ۳۱۳): شخصی که طواف نساء را ترک نموده، در صورت تمکن باید برگشته و آن را بجا آورد و در صورت عدم تمکن از برگشتن و یا مشقت، باید نایب بگیرد و پس از طواف خود و یا نایبش، زن بر او حلال می شود، و حتی تا قبل از طواف، بنا بر احتیاط باید عقد نمودن و شهادت دادن بر عقد را هم ترک نماید.

مطلب ششم: بیتوته در منی

واجب دوازدهم از واجبات حج تمتع بیتوته یعنی بسر بردن شب یازدهم و شب دوازدهم در منی است و ترک این بیتوته جائز نیست.

(مسأله ۳۱۴): اگر شخص متمتع در روز عید برای اعمال حج مثل طواف و سعی به مکه رفته باشد، بر او واجب است که به سوی منی برگشته و شب را در آنجا بماند.

(مسأله ۳۱۵): سه دسته از اشخاص از وجوب ماندن شب در منی مستثنی شده اند:

دسته اول: اشخاصی که به جهت بیماری و یا پرستاری از بیمار از بیتوته در منی معذورند و همچنین اشخاصی که از بودن در آنجا بر جان و مال خود ترس دارند.

دسته دوم: چوپان گوسفندان، و اشخاصی که سقایت حاج نموده یعنی به حاجیان آب می دهند.

دسته سوم: اشخاصی که تمام شب را در مکه به عبادت به سر می برند، و جز برای تجدید وضو یا کار ضروری دیگری مثل مختصری خوردن و آشامیدن به کار دیگری جز عبادت مشغول نشده اند.

(مسأله ۳۱۶): احوط وجوب ذبح یک گوسفند است نسبت به دسته اول و

دوم، و اما دسته سوم كفاره بر آنها واجب نیست.

(مسأله ۳۱۷): نیت بیتوته باید مقارن غروب باشد و چنین نیت نماید: شب را تا صبح در منی می مانم به جهت حج تمتع حَجَّهَ لاسلام قَرَبَةً اِلی الله.

(مسأله ۳۱۸): مکلف مخیر است که از اول شب تا بعد از نصف شب در آنجا بماند، و یا این که قبل از نصف شب به منی رفته و تا صبح در آنجا بماند. و در صورت اول جائز است بعد از نصف شب از آنجا خارج شود ولی احتیاط آن است که پیش از طلوع صبح داخل مکه نشود.

(مسأله ۳۱۹): بر شخصی که در حال احرام از صید و زن اجتناب ننموده است واجب است شب سیزدهم را هم در منی بماند.

(مسأله ۳۲۰): برای ترک ماندن هر شبی را که باید در منی بماند، باید یک گوسفند كفاره بدهد.

(مسأله ۳۲۱): هرگاه آماده حرکت از منی شده و از جای خود حرکت نمود و به جهت ازدحام و مانند آن نتوانست پیش از غروب از منی بیرون رود، چنانچه بودن در منی برایش ممکن باشد واجب است بماند و اگر ممکن نباشد جایز است از منی خارج شود و بنا بر احتیاط یک گوسفند بکشد.

(مسأله ۳۲۲): کسی که عصر دوازدهم از منی کوچ کرده و بعد از این که شب شد جهت کاری به منی برگشت، واجب نیست در منی بیتوته کند.

مطلب هفتم: رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم

اشاره

واجب سیزدهم از واجبات حج تمتع آن است که در روز یازدهم و دوازدهم رمی هر سه جمره را بنماید، و این سه جمرات را جمره اولی و جمره وسطی و جمره عقبی می نامند. و در این رمی

هم قصد قربت لازم است مثل رمی جمره عقبه در روز عید. و واجبات رمی همان است که در رمی روز عید بیان نمودیم.

(مسأله ۳۲۴): با ترک نمودن این رمی اگرچه عمداً باشد حج باطل نمی شود و واجب است در سال بعد قضاء آن را یا شخصاً و یا به وسیله گرفتن نائب بجا آورد.

(مسأله ۳۲۵): بر شخصی که شب سیزدهم را در منی مانده است واجب است رمی جمرات را در روز سیزدهم انجام دهد.

(مسأله ۳۲۶): رعایت ترتیب در رمی جمرات یعنی شروع از جمره اولی و سپس وسطی و در نهایت جمره عقبی، واجب است.

(مسأله ۳۲۷): اگر چنانچه مخالف ترتیب عمل نمود باید با رعایت ترتیب، آنها را اعاده نماید.

(مسأله ۳۲۸): اگر شخصی رمی جمرات را فراموش نمود باید از مکه به منی مراجعت نموده و آن را بجا آورد.

(مسأله ۳۲۹): اگر شخصی که رمی را فراموش نموده متذکر نشود مگر بعد از بیرون رفتن از مکه، مراجعت به مکه بر او واجب نیست، ولی در سال آینده باید یا خودش و یا نائبی معین نموده و آن را قضاء نماید.

(مسأله ۳۳۰): اگر بعد از گذشتن هر سه روز یقین کند که یک روز را رمی نکرده و نداند کدام روز است و امر دائر بین جمرات ثلاث باشد، باید هر سه روز را قضاء کند با مراعات ترتیب.

(مسأله ۳۳۱): شخص مریضی که از رمی جمرات عاجز است باید نائبی برای خود معین نماید که رمی جمرات نماید، و اگر مریض بتواند باید سنگ ها را به دست بگیرد و دیگری رمی نماید.

مستحبات رمی جمرات

۱ با طهارت بودن در حال رمی.

۲ هنگامی که سنگ ها را در

دست گرفته این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ هَذِهِ حُصَيَاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي.**

۳ تکبیر گفتن و خواندن این دعا با هر سنگی که می اندازد: **اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعْيًا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا.**

۴ سنگ ریزه را بر انگشت ابهام گذارده و آنرا با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۵ در جمره اولی و وسطی رو به قبله نماید و در جمره عقبه پشت به قبله باشد.

طواف وداع

بعد از آنکه حاجی در غروب روز دوازدهم از منی به مکه آمد و خواست که از مکه خارج شود مستحب است که طواف وداع بنماید، و مستحبات طواف را عموماً و مستحباتی که برای رسیدن به مستحار در اثناء طواف حج و عمره تمتع ذکر شد بجا آورد و آنچه بخواهد دعا نماید، و حجرالاسود را نیز استلام نماید، و حمد و ثنای الهی را بجا آورده و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَ جَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ وَ صَدَّعَ بِأَمْرِكَ وَ أَوْذَى فِي جَنْبِكَ وَ عَيَّدَكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمُغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَهِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ.**

احکام مصدود

(مسأله ۳۳۲): مصدود کسی است که پس از بستن احرام برای عمره یا حج، از انجام اعمال آن جلوگیری و منع شود.

(مسأله ۳۳۳): مصدود از عمره در همان محل خود قربانی کرده و از احرام خارج می شود و احتیاط این است که حلق یا تقصیر را نیز به آن ضمیمه نماید.

(مسأله ۳۳۴): مصدود از حج چنانچه از موقف عرفات و مشعر، و یا خصوص موقف مشعر مصدود باشد وظیفه اش قربانی در محل صد (جلوگیری) و بیرون آمدن از احرام است و احتیاط این است که علاوه بر قربانی، حلق و یا تقصیر نیز بنماید.

و چنانچه مصدود از طواف و سعی بعد از موقوفین و اعمال منی باشد در این صورت اگر نتواند که این اعمال

را انجام دهد باید نائب بگیرد و وظیفه اش قربانی کردن در محل صدّ و جلوگیری است، و اگر بتواند برای طواف و سعی نائب بگیرد، احوط این است که هر دو وظیفه را انجام دهد یعنی هم قربانی کند و هم نائب بگیرد.

و چنانچه فقط از اعمال منی جلوگیری شده باشد و نه از رفتن به مکه، در این صورت چنانچه بتواند برای رمی و قربانی نائب بگیرد اشکالی ندارد و می تواند خودش حلق و یا تقصیر انجام داده و از احرام خارج شده و سپس بقیه مناسک و اعمال را بجا آورد، و چنانچه نتواند باید نائب بگیرد و در این صورت ظاهراً وظیفه اش این است که پول قربانی را نزد کسی بگذارد که به جای او قربانی کند و در همان مکان خود، حلق و یا تقصیر نموده و برای بجا آوردن اعمال مکه به مکه رفته و پس از انجام اعمال آنجا از سعی و طواف، تمام چیزهایی که با احرام بر او حرام شده بود حلال خواهد شد حتی زن، و نیاز به عمل دیگری ندارد و حجّش صحیح است ولی باید در سال بعد بنا بر احتیاط رمی را اعاده نماید.

(مسأله ۳۳۵): در صورتی که شخص مصدود، از سال های پیش مستطیع بوده و یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند، حجّش با قربانی که ذکر شد از او ساقط نمی شود بلکه واجب است در سال بعد نیز حج نماید.

(مسأله ۳۳۶): کسی که تمام اعمال حج را بجا آورده و در مکه است و جهت بیتوته در منی و رمی جمرات می خواهد به منی برود و از رفتن به آنها منع شود، حجّش تمام

است و برای رمی در صورت امکان همان سال نایب می گیرد و در صورت عدم امکان باید بنا بر احتیاط برای سال بعد نایب بگیرد، و حکم مصدود بر چنین شخصی جاری نیست.

(مسأله ۳۳۷): کسی که به جهت پیش آمدن مانعی غیر از صدّ و حصر، نتواند حج خود را ادامه دهد احتیاط آن است که در همان مکان خود قربانی نموده و از احرام خارج شود.

(مسأله ۳۳۸): قربانی که در این موارد گفته شد چه شتر باشد و چه گاو و یا گوسفند فرقی ندارد و چنانچه نتواند قربانی کند بنا بر احتیاط باید بدل آن را که روزه است به ترتیبی که گفته شد انجام دهد.

(مسأله ۳۳۹): کسی که حج خود را خراب کرده و بعداً مصدود شود آیا حکم صدّ بر او جاری می شود یا نه؟ دو وجه دارد اگرچه محتمل است که حکم مصدود نسبت به او جاری شود ولی بایستی علاوه بر قربانی، کفاره افساد حج را نیز بدهد و در هر صورت احتیاط ترک نشود.

(مسأله ۳۴۰): کسی که قربانی را همراه خود برده و مصدود شود، کشتن همان قربانی کافی است و قربانی دیگری بر او واجب نمی شود.

احکام محصور

(مسأله ۳۴۱): محصور کسی است که در اثر بیماری و مانند آن پس از پوشیدن احرام نتواند اعمال عمره یا حج را انجام دهد.

(مسأله ۳۴۲): وظیفه کسی که در عمره مفرده محصور شده این است که یک قربانی بفرستد و با دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین آنرا قربانی نمایند و خودش نیز در آن وقت معین از احرام خارج می شود. و در صورت عدم امکان، خود شخص می تواند

در همان مکان خود قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید، و بر چنین شخصی بعد از این عمل، تمام محرّمات احرام حلال می شود بجز زن، و زن برای او حلال نمی شود مگر بعد از آنکه خوب شود و عمره مفرده را بجا آورد.

و کسی که در عمره تمتع محصور شده حکمش همان حکم قبلی است با این فرق که زن هم برای این شخص حلال می شود. و کسی که محصور در حج شده باز هم حکمش حکم سابق است و احتیاط این است که با زن نزدیکی نکند تا آنکه طواف حج و سعی و طواف نساء در حج یا عمره مفرده را بجا آورد، آن وقت زن بر او حلال می شود. بلی اگر زمانی محصور بوده که دو موقف عرفات و مشعر از او فوت شده و خودش نیز در مکه و یا در مسیر دو موقف بوده، ظاهر این است که حجش بدل به عمره مفرده شده و در این حالت باید طواف و سعی نموده و یا طواف داده شود، و یا کسی بجای او طواف نماید و همچنین سعی و طواف نساء را نیز شخصاً و یا با کمک دیگری و یا نائِبش بجا آورد، و به تقصیر از احرام بیرون آید و تمام محرّمات احرام حتی زن نیز بر او حلال می شود.

(مسأله ۳۴۳): هرگاه محصور شد و قربانی خود را فرستاد، و بعد از آن مرضش سبک تر شده چنانچه گمان کند و یا احتمال دهد که حج را درک خواهد نمود، واجب است خودش را به آنجا برساند، و چنانچه هردو موقف یا فقط مشعر را درک نمود، حج را درک کرده

است. و در غیر این صورت، اگر قربانیش ذبح نشده، حج او بدل به عمره مفرده می شود، و اگر ذبح شده باشد، از احرام بیرون آمده است و تمام محرّمات بر او حلال شده مگر زن، و بر او واجب است که طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نمازش را بجا آورد تا زن نیز بر او حلال شود بنا بر احتیاط.

(مسأله ۳۴۴): هرگاه حصرش فقط از مناسک و واجبات منی باشد، حکم محصور بر او جاری نمی شود بلکه باید برای رمی و قربانی نایب گرفته و حلق و یا تقصیر را خودش انجام دهد و به مکه رفته و مناسکش را بجا آورد. و چنانچه نایب پیدا نکند پول قربانی را نزد شخصی ودیعه بگذارد که به جای او قربانی کند و خودش حلق و یا تقصیر نموده و به مکه رفته و اعمال مکه را بجا آورد، و احتیاط این است که رمی را در سال بعد شخصاً و یا نایبش بجا آورد.

و چنانچه بعد از درک وقوفین و اعمال منی، فقط از رفتن به مکه و اداء مناسک مکه محصور شد بنا بر اظهر، واجب است برای اداء مناسک مکه نایب بگیرد و تنها پس از عمل نایب، تمام چیزها حتی زن بر او حلال می شود.

(مسأله ۳۴۵): هرگاه شخصی محصور شد و قربانی خود را فرستاد، و قبل از آنکه قربانی بجای خود برسد، آسیبی به خود رساند، جایز است خودش گوسفند را کشته و یا سه روز روزه گرفته و یا شش مسکین را اطعام نماید که به هر کدام دو مد طعام بدهد و سپس حلق و یا تقصیر نماید.

(مسأله)

۳۴۶): در صورتی که استطاعت محصور تا سال بعد باقی بماند و یا از سال های پیش حجی بر او واجب شده باشد تنها با فرستادن قربانی و بیرون آمدن از احرام، حج از او ساقط نمی شود و باید سال بعد نیز اعمال حج را بجا آورد.

(مسأله ۳۴۷): هر گاه شخص محصور، نه قربانی داشته باشد و نه قیمت آن را، باید به ترتیبی که گذشت ده روز روزه بگیرد (یعنی سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت به وطن).

(مسأله ۳۴۸): مستحب است مُحرم هنگامی که می خواهد احرام ببندد با پروردگار خود شرط کند که هر جا نتواند اعمال را ادامه دهد از احرام بیرونش بیاورد هر چند بیرون آمدن از احرام متوقف بر آن نیست، زیرا هر جا که نتوانست و عذر و یا مانعی پیدا کرد خودبخود از احرام بیرون خواهد آمد، چه شرط کرده باشد و چه شرط نکرده باشد.

استفتائات

بخش دوم: استفتائات [حج]

س ۱ اگر کسی حقوق واجبه از قبیل خمس و سهم امام و زکات بر ذمه اش باشد، آیا می تواند فقط به اندازه مخارج مکه، خمس را پرداخت نموده و آنرا حلال نماید و به مکه برود یا خیر؟

ج جایز نیست مگر این که حج را به قصد رجحان و محبوبیت بجا آورد نه به قصد امر واجب.

س ۲ کسی که وظیفه او حج تمتع است اگر قبل از هلال ماه شوال به میقات برسد و با احرام عمره مفرده که وظیفه فعلی او است به مکه معظمه مشرف شود و اعمال عمره مفرده را بجا آورد، چنین شخصی برای عمره تمتع باید از کجا مُحرم شود؟

ج باید به یکی از مواقیت برگردد

و از آنجا محرم شود.

س ۳ آیا بین عمره تمتع و حج تمتع می تواند یک عمره مفرده یا چند عمره مفرده اصالتاً و یا نیابتاً بجا آورد یا خیر؟
ج خلاف احتیاط است.

س ۴ در بجا آوردن عمره مفرده نیابتاً و یا اصالتاً بعد از اتمام اعمال حج، آیا فاصله ای لازم است یا خیر؟
ج احتیاطاً فاصله ترک نشود.

س ۵ آیا بعد از عمره تمتع و قبل از اعمال حج می تواند برای دیگری نیابتاً طواف نساء بجا آورد یا خیر؟
ج اگر محرم به حج برای خودش نشده، مانعی ندارد.

س ۶ کسی که از طرف شخص زنده ای که نمی تواند مشرف شود به مکه می رود و نائب در تشرّف قبلی به فتوای مجتهد میت عمل کرده و در بعضی موارد هم که عمل نکرده، یاد گرفته ولی منوب عنه نه یاد گرفته و نه عمل کرده آیا نائب می تواند طبق وظیفه خودش رفتار کند و یا باید مراعات وظیفه منوب عنه را بنماید؟

ج در فرض مذکور باید نائب به رأی مجتهدی که تقلید از او بر منوب عنه واجب بوده عمل نماید. و در صورت فوت مقلد منوب عنه، احوط جمع بین فتاوی مجتهد میت و مجتهد اعلم زنده است.

س ۷ آیا دادن حج میقاتی برای منوب عنه زنده جایز است با این که بعضی از مراجع تقلید آنرا جایز می دانند؟
ج در حج واجب جایز نیست.

س ۸ کسی که استطاعت مالی داشته و موفق به رفتن به حج نشده آیا پس از فوتش ورثه موظف به گرفتن نائب برای او هستند یا خیر؟ و آیا نائب از محل فوت باید راه بیفتد و یا می توان برای میت حج میقاتی خرید؟

ج

گرفتن نایب بر ورثه واجب است و در صورتی که به حج بلدی وصیت نکرده باشد حج میقاتی کافی است.

س ۹ آیا کسی که قرائت و تلبیه اش صحیح نیست و تسامح در یاد گرفتن می کند، می تواند نایب از کسی در حج بشود یا خیر؟ و بر فرض عدم جواز، آیا این شخص می تواند اجیر شود و شرط کند که برای نماز و تلبیه کسی را اجیر کند و یا تحت نظر معلمی تلبیه را بگوید یا خیر؟

ج در مفروض سؤال در هر دو صورت نمی تواند اجیر شود بلی اگر تحت نظر معلّم، تلبیه را صحیح بگوید مانعی ندارد البته در صورتی که نماز طواف را خودش صحیحاً و یا با جماعت بخواند.

س ۱۰ نایب در حج، موقع طواف نساء باید قصد نیابت کند و یا باید برای خود قصد کند و یا قصد ما فی الذمه بکند؟
ج باید قصد از منوب عنه بکند.

س ۱۱ در تنگی وقت، حکم احرام از جدّه چه صورتی دارد؟

ج اشکالی ندارد ولی باید با نذر قبلی احرام از جدّه باشد.

س ۱۲ کسی که خیال کرده تلبیه مخصوص به عمره است و برای احرام حج تلبیه نگفته و محرم شده و به عرفات رفته و اعمال را تا آخر انجام داده و بعداً فهمید که باید در هنگام احرام تلبیه بگوید تکلیفش چیست؟
ج اعمالش صحیح است.

س ۱۳ پسر بچه ختنه نشده ای را که ولی محرم می نماید تکلیف او برای طواف نساء چیست؟ آیا باید بعد از ختان او را به عمره مفرده محرم نماید و یا اگر او را یک طواف نساء به نیت عمره مفرده بدهد کافی

است؟ و آیا بعداً می تواند برای آن نائِب بگیرد و یا باید خودش بعد از بلوغ نائِب بگیرد؟

ج اگر ممکن است باید او را ختنه کنند تا هر سه طواف را انجام دهد و بقیه اعمال را احتیاطاً نیز خودش انجام دهد و اگر ممکن نشد باید بعد از بلوغ به حج برود و اعمال آن را بجا آورد.

س ۱۴ آیا محرم می تواند از شب تا صبح و یا چند ساعت بدون لباس احرام باشد؟

ج به مقدار مختصر اشکالی ندارد.

س ۱۵ آیا اگر زن در وقت احرام جوراب بپوشد كفاره دارد و آیا لازم است پشت پای زن برهنه باشد و یا بقدر مسمی کافی است؟

ج به قدر مسمی کافی است و پوشیدن جوراب هم كفاره ندارد.

س ۱۶ استظلال محرم که در منزل جایز است آیا شهر مکه برای او حکم منزل را دارد و یا مراد منزلی است که در شهر مکه است؟

ج مراد منزلی است که در شهر مکه در آن سُکنی دارد.

س ۱۷ در موقع توقف اتومبیل جهت گرفتن بنزین و غیره در زیر سقف بودن چه حکمی دارد؟ و بعضی از ماشین های سرباز که قسمتی از بالای رکاب آنها مسقف است، عبور مُحرم در هنگام سوار شدن از زیر این مختصر سرپوش چه حکمی دارد؟

ج در فرض اوّل بلامانع است و در فرض دوّم هم صدق عبور معلوم نیست لذا اشکالی ندارد.

س ۱۸ فرموده اید شخص مُحرم می تواند در موقع خواب از روانداز دوخته جهت سرما استفاده کند آیا در وقت حرکت در ماشین هم می تواند آنرا بر شانه خود بیندازد یا خیر؟

ج اگر هنگام خواب هم

روانداز را به خود نیچد و فقط آنرا روی خود بیندازد اشکالی ندارد، ولی در ماشین نمی تواند آنرا بر شانه اش بیندازد.

س ۱۹ زنی که یقین به طهارت نموده و غسل حیض کرد و اعمال عمره تمتع را بجا آورد و بعداً اثری دید و شک کرد که آیا در موقع اعمال عمره حائض بوده یا نه؟ و بعد از اعمال حج هم اگر چنین شکی بر او عارض شد تکلیف او چیست؟

ج در هر دو صورت اگر یقین به حیض ندارد و احتمال دارد که به وظیفه خود عمل نموده است عمل او صحیح است و الله العالم.

س ۲۰ اگر زن قبل از وقوف، طواف زیارت و ما بعد آن را انجام نداد و بعد از منی هم همراهان او صبر نمی کنند و او تنها می ماند، آیا می تواند برای طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء نائب بگیرد یا خیر؟ و در صورتی که اجازه نفرماید آیا می تواند در این مسئله به مجتهد دیگری رجوع کند؟

ج اقوی گرفتن نائب برای طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء خصوصاً در فرض مذکور است و بر همراهان نیز واجب است که در خصوص زنان در مثل چنین مواردی، صبر کنند.

س ۲۱ اگر زنی قبل یا بعد از احرام به عمره تمتع، شک کند که آیا حیض است یا نه و اعتناء نکند و بعد از اعمال عمره تمتع، معلوم شود که حیض بوده، و یا بلافاصله بعد از اعمال حیض شود و شک کند که در موقع اعمال حیض بوده یا نه، تکلیفش چیست؟

ج در فرض اول طواف او باطل

است، پس اگر تا موقع حج فرصتی باشد که پاک شود، باید با طهارت اعمال عمره را بجا آورد، و اگر فرصت نیست باید به حج برود و بعد از اتمام اعمال حج، عمره مفرده را بجا آورد و در فرض دوم اشکالی ندارد.

س ۲۲ زنی که می داند ایام عادت او نزدیک شده و باید قبل از رفتن به عرفات، طواف زیارت و سعی و طواف نساء را بجا آورد، آیا در این صورت باید مُحرم بشود و تلبیه را بگوید یا خیر؟

ج باید مُحرم بشود و تلبیه را بگوید.

س ۲۳ اگر شخصی بعد از طواف واجب و قبل از سعی بخواهد احتیاطاً طواف را اعاده نماید می تواند یا خیر؟

ج در صورتی که بعد از نماز طواف باشد اشکالی ندارد.

س ۲۴ دقتی را که بعضی از اشخاص هنگام طواف در حفظ محاذات و منحرف نشدن شانه چپ از کعبه می نمایند خصوصاً در موقع رسیدن به ارکان، آیا لازم است یا خیر؟

ج صدق عرفی کافی است.

س ۲۵ آیا تجاوز از حدود مذکور در مطاف با در نظر گرفتن کثرت جمعیت جایز است؟

ج در صورت کثرت جمعیت جایز است.

س ۲۶ احتیاط وجوبی فرموده اید در عدم تأخیر نماز طواف از طواف، آیا نماز نیابتی طواف نساء که غالباً اهل علم به خواهش حاجی می خوانند، باید بلافاصله بعد از طواف متقاضی باشد؟ و اگر این اتصال معتبر باشد اگر نائب وجهی گرفته باشد و با فاصله خوانده شود چه حکمی دارد؟ و با قرارداد فرق می کند یا خیر؟

ج چنانچه قراردادی در بین نبوده باید متصل بخواند عرفاً مثل نماز طواف خودش، ولی اصل نیابت در نماز طواف

بدون طواف، خیلی مشکل است بلکه در صورتی که شخص حاجی نمی تواند نماز طواف را صحیح بخواند، باید آنرا با جماعت بخواند والله العالم.

س ۲۷ شخصی که نمازهای طواف های واجب را خواند و نائبی را هم برای نماز طواف می گیرد آیا نایب هم بلافاصله باید آنرا بخواند و یا می تواند آنرا برای ساعت بعد و یا روز بعد به تأخیر بیندازد؟

ج اگر نمازهای طواف واجب خود را بعد از طواف ها انجام داده است محتاج به نیابت نیست بلکه گفته شد که نیابت در نماز طواف فقط، که معمول بین افراد است در نهایت اشکال است. والله العالم.

س ۲۸ اگر شخصی در بین اعمال حج متوجه شود نماز طواف عمره تمتع را در غیر مقام خوانده، تکلیفش چیست؟
ج اگر ممکن است اعاده کند. والله العالم.

س ۲۹ مراد از خلف مقام آیا خلف حقیقی است یا عرفی و آیا اگر مقداری در طرف راست و یا چپ مقام نماز بخواند اشکالی دارد؟

ج مراد خلف عرفی است و نماز اشکالی ندارد.

س ۳۰ اگر مقام ابراهیم را چند متر به عقب بیاورند تکلیف چیست؟

ج نماز در خلف همان مقام درست است ولی در طواف نباید از حد معین تجاوز کند. والله العالم.

س ۳۱ در طواف نساء مردم احتیاط کرده نمازشان را علاوه بر این که خود می خوانند نایب هم می گیرند آیا لازم است نایب بلافاصله بعد از انجام طواف نساء منوب عنه، نماز را بخواند و یا هر وقت که خواست می تواند بخواند؟

ج اصل نیابت برای نماز طواف محل اشکال است.

س ۳۲ در نمازهای طواف چه در عمره و چه در حج، اگر تقارن زن

و مرد و یا تقدم زن بر مرد محل اشکال باشد در این نماز هم اشکال می فرمایید یا خیر؟ و حکم تقدم زن مخالف هم مثل زن مؤمنه است یا خیر؟

ج مطلقاً اشکال ندارد در غیر جماعت ولی در نماز جماعت زن بر مرد مقدم نشود.

س ۳۳ آیا دندان عاریه ای ساخت کافر و یا یهودی و نصرانی جزء محمول متنجس در نماز و طواف است یا خیر (به جهت باطن آن)؟

ج گذاشتن در دهان با رعایت طهارت ظاهری کفایت می کند.

س ۳۴ آیا جایز است انسان علاوه بر سعی واجب به نیت استحباب هم سعی انجام دهد یا خیر؟

ج مانعی ندارد.

س ۳۵ آیا در حال اختیار می توان سعی را با چرخ ها و گاریهایی که معمول است انجام داد و یا سعی با چرخ ها و گاریها مخصوص به حال ضرورت است؟

ج اگرچه با سوار شدن بر حیوانات اشکال ندارد، ولیکن در حال اختیار سعی با این وسایل خالی از احتیاط نیست.

س ۳۶ آیا جایز است بعد از قربانی و قبل از سر تراشیدن، تقصیر کند و بعداً سر خود را بتراشد؟ و بر فرض وقوع این امر، آیا کفاره دارد یا خیر؟

ج این مطلب در صورتی جایز نیست که تقصیر کافی نباشد.

س ۳۷ آیا با کندن مو از بدن مثل زیر بغل، تقصیر مصداق پیدا می کند یا خیر؟ و یا حتماً باید از سر و یا از صورت باشد؟

ج احتیاط واجب آن است که به آن اکتفا نکند و ناخن و یا شارب را بچیند. والله العالم.

س ۳۸ کسانی که اولین مرتبه است که حج بجامی آورند آیا جایز است روز عید

قربان به گرفتن مقداری از ناخن و یا مو تقصیر کنند؟ و یا تراشیدن سر برای آنها لازم است؟

ج احتیاط لازم سر تراشیدن است.

س ۳۹ چنانچه اجرتی را که نائِب گرفته، برای قربانی کفایت نکند و خود نائِب هم متمکن از قربانی باشد، آیا نائِب باید از خودش قربانی کند یا می تواند عوض قربانی روزه بگیرد؟

ج می تواند عوض قربانی روزه بگیرد البته اقوی قربانی کردن است خصوصاً اگر امید آن باشد که منوب عنه بهای قربانی را جبران کند.

س ۴۰ آیا خوردن گوشت قربانی برای حاجیان واجب است یا خیر؟

ج احتیاط واجب در خوردن گوشت قربانی مکه است.

س ۴۱ آیا اگر شخصی بدون نیت در شب یازدهم و دوازدهم در منی بماند کافی است؟

ج چنانچه می داند، باید نیت کند، ولی اگر فراموش کرده صرف بودن در منی کافی است و چنانچه به کلی غافل بوده، وقوف او کافی نیست.

س ۴۲ اگر در اثر اجتماع سنگ های که حاجی ها رمی کرده اند شخص حاجی نتواند بر خود آن ستون رمی کند تکلیف او چیست؟

ج باید صبر کند برای وقت دیگری که ممکن شود.

س ۴۳ اگر شخصی برای حفظ تقیه در بعضی از موارد مانند اهل سنت وضو بگیرد نماز با آن وضو درست است یا نه؟ و اگر برای سجده نماز مهر گذاشت در صحت نمازش محل اشکال است یا خیر؟

ج نمازش درست است اما اگر برای مهر گذاشتن خوف تقیه داشته باشد جایز نیست.

س ۴۴ در رساله های حج نوشته شده که کفاراتی که در عمره و حج واجب می شود را باید به فقیر مؤمن داده شود آیا و در صورتی که در

مکه و منی و در موقع حج، فقیر مؤمن یافت نشود مطلق فقیر کافی است یا نه؟ و اگر فقیر مؤمن یافت نشد می تواند کفاره را در بلد خود بدهند یا نه؟

ج اگر در مکه یافت نشود، در شهر خود به فقیر مؤمن غیر سید بدهد مگر اینکه خود او هم سید باشد که در این صورت جایز است که آنرا به سید هم بدهد ولی ممکن است که از فقیری در گرفتن قسمت فقیر و کالت گرفته باشد، و بعد از گرفتن، آنرا به دیگری ببخشد و یا بفروشد.

س ۴۵ مراد از حرمین شریفین که مسافر مختیر بین قصر و اتمام در آنجا است کجا است؟

ج خود حرم مکه معظمه و حرم مدینه منوره که قبر مقدس پیغمبر(ص) در آنجا است و نه هتلهای اطراف حرم.

س ۴۶ آیا جایز است بعد از تمام شدن عمره تمتع و پیش از محرم شدن به احرام حج تمتع، از حرم خارج شد؟

ج بیرون رفتن از حرم در صورت ضرورت جایز است.

آداب زیارات و ادعیه

بخش سوم: آداب زیارات پیغمبر اکرم(ص) و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و اذن دخول حرم مطهر پیغمبر اکرم(ص)

[زیارت اول]

مستحب است که هنگام داخل شدن به حرم مطهر نبوی این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ وَقَفْتُ عَلٰی بَابٍ مِنْ اَبْوَابِ بُیُوتِ نَبِیِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ وَ قَدِّمْتَ النَّاسَ اَنْ یَدْخُلُوْا اِلَّا بِاِذْنِهِ فَقُلْتُ یَا اٰیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا لَا تَدْخُ

سپس بگوید: وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُوَكَّلِیْنَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا اَدْخُلُ یَا رَسُوْلَ اللهِ اَدْخُلُ یَا حُجَّهَ اللهِ اَدْخُلُ یَا مَلَائِكَةَ اللهِ الْمُقَرَّبِیْنَ الْمُتَقِیْمِیْنَ فِیْ هَذَا الْمَشْهَدِ فَاذْنُ لِیْ یَا مَوْلَایْ فِی الدُّخُوْلِ اَفْضَلَ مَا اَذْنَتْ لِاَحَدٍ مِنْ اَوْلِیَائِكَ فَاِنْ لَمْ اَكُنْ اَهْلًا لِتَدَالِكَ فَانْتَ اَهْلٌ لِذَالِكَ.

پس چهارچوب درب مبارک را

بوسیده و داخل حرم شو و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبِّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

و مستحب است که از درِ جبرئیل وارد شده و صد مرتبه الله اکبر بگویی و بعد دو رکعت نماز تحیت مسجد بخوانی و نزد قبر مطهر حضرت رسول (ص) رفته و این دعا را بخوانی: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَهَ وَ أَقَمْتَ الصَّلَاهَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَصَلِّوْا تُ اللَّهِ عَلَیْكَ وَ رَحْمَتُهُ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

سپس کنار ستون و در طرف راست قبر ایستاده بطوری که طرف چپ به سمت قبر باشد و طرف راست به سمت منبر که آن موضع سر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و رو به قبله نموده و می گویی: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَيْتَ لَأُمَّتِكَ وَ جَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحُكْمِهِ وَ الْمُؤَعِظَةَ الْحَسَنَةَ وَ أَدَيْتَ الْأَدَى عَلَیْكَ مِنَ الْحَقِّ وَ أَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلِّغْ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَيِّدَنَا بِكَ مِنَ الشُّرُوكِ وَ الضَّلَالَةِ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ

الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَ الْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَافِيكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَ آتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيظُهُ الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ((وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ، لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً)) وَ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.

و سپس در صلوات بر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین میخوانی: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَحْيَكَ وَ بَلَغْتَ رِسَالَتَكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حَلَالَكَ وَ حَرَّمَ حَرَامَكَ وَ عَلَّمَ كِتَابَكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ دَعَا إِلَى دِينِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَ أَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَ سَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَ فَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَ كَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَ أَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَ نَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَ قَصَيْمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَ أَهْلَكْتَ بِهِ الْفِرَاعِنَةَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَضَعَفْتَ بِهِ الْأَمْوَالَ وَ أَحَزَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَ كَسَّرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَ رَحِمْتَ بِهِ الْأَنْامَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَذْيَانِ وَ أَعَزَزْتَ بِهِ الْإِيمَانَ وَ تَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ

وَعَظَمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا.

و اگر حاجتی داشته باشی به طوری بایست که قبر مطهر را در پشت کتف خود قرار داده و رو به قبله باشی سپس دست ها را برداشته و حاجت خود را طلب کن و بدرستی که سزاوار است که برآورده شود انشاءالله تعالی.

زیارت دوم

و نیز آمده است که چون قصد زیارت آن حضرت کردی خطاب به ایشان می گویی: أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا نَجِيبَ اللَّهِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا قَائِمًا بِالْقِسْطِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ الْخَيْرِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَ التَّنْزِيلِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُبَلِّغًا عَنِ اللَّهِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبْهًا السَّرَاجِ الْمُنِيرِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُبَشِّرُ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا نَذِيرُ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُنْذِرُ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ الْهَادِينَ الْمُهْدِينَ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ وَ عَلَى جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ عَلَى أَبِيكَ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى أُمِّكَ آمَنَةَ بِنْتِ وَهَبِ أَلْسَلَامٌ عَلَى حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ أَلْسَلَامٌ عَلَى عَمِّكَ وَ كَفِيلِكَ أَبِي طَالِبِ أَلْسَلَامٌ عَلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَانِ الْخُلْدِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدُ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ السَّابِقِ فِي طَاعَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ

صَدَعْتَ بِأَمْرِهِ وَ احْتَمَلْتَ الْأَذَى فِي جَنْبِهِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ الْجَمِيلَةِ وَ أَدَيْتَ الْحَقَّ الَّذِي كَانَ عَلَيْكَ وَ إِنِّيكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غُلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ وَ عَيَّدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي، أَنَا أَصَلَّى عَلَيْكَ كَمَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ صَلَّى عَلَيْكَ مَلَائِكَتُهُ وَ أَنْبِيَائُهُ وَ رُسُلُهُ صَلَّى لَكَ وَ أَتْبَاعَهُ وَ أَفْرَهُ مُتَوَاصِلَةً لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَ لَا أَمَدَ وَ لَا أَجَلَ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ كَمَا أَنْتُمْ أَهْلُهُ.

و بعد دست های خود را بلند کرده و با خضوع و خشوع میگویی: اللَّهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِيَ بَرَكَاتِكَ وَ فَوَاضِلَ خَيْرَاتِكَ وَ شَرَائِفَ تَحِيَّاتِكَ وَ تَسْلِيمَاتِكَ وَ كَرَامَاتِكَ وَ رَحْمَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ أُمَّتِكَ الْمُسَيَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَ الْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ شَاهِدِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ نَذِيرِكَ وَ أَمِينِكَ وَ مَكِينِكَ وَ نَجِيكَ وَ حَبِيبِكَ وَ خَلِيلِكَ وَ صَيفِيكَ وَ صَيفُوتِكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ خَيْرِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ خَازِنِ الْمَغْفِرَةِ وَ قَائِدِ الْخَيْرِ الْبَرَكَهِ وَ مُنْقِذِ الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَكَةِ بِإِذْنِكَ وَ دَاعِيهِمْ إِلَى دِينِكَ الْقَيِّمِ بِأَمْرِكَ، أَوَّلِ النَّبِيِّينَ مِيثَاقاً وَ آخِرِهِمْ مَبْعَثاً، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَصْحابِهِ وَ أَتْبَاعِهِ، صَلَّى لَكَ وَ أَتْبَاعِهِمْ لَكُمْ وَ بَلَّغُهُمْ مَنَّا تَحِيَّهَ كَثِيرَةً وَ سِلَاماً وَ آتِنَا مِنْ لَمَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِمْ فَضْلاً وَ إِحْسَاناً وَ رَحْمَةً وَ غُفْراناً إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

زیارت سوم

و سپس در کنار ستون امامیه و

به طرف قبر مطهر و بالاى سر مبارك ايستاده و مى گويى: **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْأَوْلِيْنَ وَ الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْقِيَامَةِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ وَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَ نَصَحْتَ أُمَّتَكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ، طِبْتَ حَيًّا وَ طِبْتَ مَيِّتًا. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أُخِيكَ وَ وَصِيَّتِكَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَلَى ابْنَتِكَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ عَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَ السَّلَامِ وَ أَطْيَبُ وَ أَطْهَرُ الصَّلَاةِ، وَ عَلَيْنَا مِنْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.**

و مستحب است كه دست خود را به ديوار حجره مطهره بچسبانى و بگويى: **أَتَيْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُهَاجِرًا إِلَيْكَ قَاضِيًا مَا أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ، مَنْ قَصَدَكَ وَ أَذْلَمَ، أَلْحَقَّكَ حَيًّا فَقَدْ قَصَدْتُكَ بَعْدَ مَوْتِكَ، عَالِمًا أَنَّ حُرْمَتَكَ مَيِّتًا كَحُرْمَتِكَ حَيًّا فَكُنْ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ شَاهِدًا.**

و نيز مستحب است كه دست خود را بر صورت كشيده و بگويى: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ ذَلِكَ بَيْنَهُ مَرْضِيَّةً لَدَيْكَ وَ عَهْدًا مُؤَكَّدًا عِنْدَكَ، تُخَيِّنِي مَا أُخَيِّتَنِي عَلَيْهِ وَ عَلَى الْوَفَاءِ بِشَرَائِطِهِ وَ حُدُودِهِ وَ حُقُوقِهِ وَ أَحْكَامِهِ وَ تُمِيتْنِي إِذَا أَمَّتَنِي عَلَيْهِ وَ تَبْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ.**

زيارت چهارم آن حضرت

رو به قبر مطهر و پشت به قبله مى ايستى و مى گويى: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ رَسُولَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ وَ خَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَ حُجَّتَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ**

أَيُّهَا الْبَشِيرُ التَّذِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَالسِّرَاجُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ
الرُّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً. أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَيْتَ بِالْحَقِّ وَقُلْتَ بِالصِّدْقِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي لِلْإِيمَانِ وَالتَّصَدِيقِ وَمَنْ
عَلَى بِطَاعَتِكَ وَاتِّبَاعِ سَبِيلِكَ وَجَعَلَنِي مِنْ أُمَّتِكَ وَالمُجِيبِينَ لِدَعْوَتِكَ وَهَدَانِي إِلَى مَعْرِفَتِكَ وَمَعْرِفَةِ الْأُمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ. أَتَقَرَّبُ
إِلَى اللَّهِ بِمَا يُرْضِيكَ وَابْتِرَاءً إِلَى اللَّهِ بِمَا يُسْخِطُكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ. جِئْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَائِرًا وَقَصَدْتُكَ رَاغِبًا
مُتَوَسِّلاً إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَأَنْتَ صَاحِبُ الْوَسِيلَةِ وَالمَنْزَلَةِ الْجَلِيلَةِ وَالتَّفَاعَةِ المَقْبُولَةِ وَالدَّعْوَةِ المَسْمُوعَةِ فَاشْفَعْ لِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
بِالْغُفْرَانِ وَالرَّحْمَةِ وَالتَّوْفِيقِ وَالعِصْمَةِ، فَقَدْ غَمَرَتِ الذُّنُوبُ وَشَمَلَتِ العُيُوبُ وَاثْقَلَتِ الظُّهُرُ وَتَضَاعَفَ الوِزْرُ وَقَدْ أَخْبَرْتَنَا وَ
خَبَّرَكَ الصِّدْقُ أَنَّهُ تَعَالَى قَالَ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ: ((وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ
تَوَّابًا رَحِيمًا))، وَقَدْ جِئْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُسْتَغْفِرًا مِنْ ذُنُوبِي تَائِبًا مِنْ مَعْصِيَةٍ وَسَيِّئَاتِي وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُغْفَرَ لِي
ذُنُوبِي فَاشْفَعْ لِي يَا شَفِيعَ الْأُمَّةِ وَاجْزِنِي يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِكَ الطَّاهِرِينَ.

و بعد از زیارت در صورت امکان به ضریح مبارک تکیه داده و دعایی را که امام زین العابدین علیه السلام بعد از زیارت می
خواندند می خوانی: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ أَمْرِي وَ إِلَى قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ أَسْتَنْدْتُ ظَهْرِي وَ
لِقَبْلِهِ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِسْتَقْبَلْتُ. اللَّهُمَّ

إِنِّي أَصِيبُحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرًا مَا أَرْجُو لَهَا وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرًّا مَا أَخْذَرُ عَلَيْهَا فَأَصْبَحْتُ الْأُمُورَ بِيَدِكَ وَلَا فَاقِرَ أَفْقَرُ مِنِّي، إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ وَلَا رَادَّ لِفَضْلِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ إِسْمِي وَتَغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَجَمِّلْنِي بِالنِّعَمِ وَاعْمُرْنِي بِالعَافِيَةِ وَارْزُقْنِي شُكْرَ العَافِيَةِ.

و نیز خواندن یازده مرتبه سوره قدر و درخواست حاجات خود و خواندن دو رکعت نماز زیارت و هدیه نمودن ثواب آن به روح مطهر آن حضرت از مستحبات زیارت بوده که پس از آنها و بعد از فارغ شدن از نماز این دعا را می خوانی: اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هِدْيَةٌ مِنِّي إِلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ وَاجْزِنِي عَلَى ذَالِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

و پس از زیارت و نماز این دعا را می خوانی: اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ((وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)). اللَّهُمَّ وَ لَمْ أَحْضَرْ زَمَانَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَ قَدْ زُرْتُهُ رَاغِبًا تَائِبًا مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي وَ مُسْتِغْفِرًا لَكَ مِنْ ذُنُوبِي وَ مُقِرًّا لَكَ بِهَا، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي وَ مُتَوَجِّهًا إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَاجْعَلْنِي

اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ
أُمِّي يَا نَبِيَّ اللَّهِ يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللَّهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِحَمِّكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي لِیَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَيَتَقَبَّلَ مِنِّي عَمَلِي وَيَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي،
فَكُنْ لِي شَفِيعًا عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي فَنِعْمَ الْمَسْئُولُ الْمَوْلَى رَبِّي، وَ نِعْمَ الشَّفِيعُ أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ! عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ
وَ أَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالرِّزْقَ الْوَاسِعَ الطَّيِّبَ النَّافِعَ، كَمَا أَوْجِبْتَ لِمَنْ أَتَى نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَهُوَ حَيٌّ، فَأَقْرَ
لَكَ بِذُنُوبِهِ وَاسْتَغْفَرَ لَهُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَغَفَرْتَ لَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّاهِرِينَ.

فصل پنجم: در فضیلت زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

اشاره

علامه مجلسی از مصباح الانوار نقل فرموده است که از حضرت فاطمه سلام الله علیها روایت شده که فرمود: پدرم به من فرمود
که هر کس بر تو صلوات بفرستد حق تعالی گناهان او را آمرزیده و او را در هر جایگاهی از بهشت که باشم به من ملحق
سازد.

و در موضع مرقد منور آن مظلومه اختلاف شده، عدّه ای گفته اند که در همان روضه مبارکه که ما بین مرقد مطهر پیامبر
اکرم(ص) و منبر می باشد مدفون است و بعضی گفته اند که در خانه خود که مقابل درب جبرئیل (همان دربی که هنگام وارد
شدن به رواق از آن داخل می شوند) مدفون گردیده اند و در حال حاضر هم ضریحی در آنجا قرار دارد. و گروهی هم گفته
اند که در قبرستان بقیع مدفون گردیده اند، ولیکن اکثر اصحاب قائل شده اند که آن

مظلومه در روضه مبارکه ما بین مرقد مطهر و منبر مدفون شده اند.

و لیکن مناسب است که آن حضرت را در هر سه موضع زیارت کنی و بگویی: یا مُمْتَحَنَةَ الَّتِي امْتَحَنَكَ اللهُ الَّتِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَحَّدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَتَى بِهِ، فَإِنَّا نَسْتُلُكَ إِنْ كُنَّا صَدِّقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّينَا بَتَّصَدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ.

و نیز مستحب است که بگویند: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ اَمِينِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ اَفْضَلِ اَنْبِيَاءِ اللهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللهِ وَ خَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَتِي شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْفَاضِلُ الزَّكِيُّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْحَوْرَاءُ الْاِنْسِيَّةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُحَدِّثَةُ الْعَلِيْمَةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَعْصُوبَةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللهِ وَ رَحْمَةَ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ. صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوْحِكَ وَ بَدَنِكَ اَشْهَدُ اَنَّكَ مَضِيَّتْ عَلَى بَيْنِهِ مِنْ رَبِّكَ وَ اَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ

مَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ أَشْهَدُ اللَّهَ وَرُسُلَهُ وَمَلَائِكَتَهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنِ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَثُمَّلاً.

و سپس بر حضرت رسول و ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين صلوات می فرستی.

زیارت دوم

و آن زیارتی است که سید بن طاووس علیه الرحمه نقل نموده که خطاب به آن حضرت نموده و می گوئی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ الْحَجَجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقِّهَا.

و سپس میگوئی: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَابْنِهِ نَبِيِّكَ وَزَوْجِهِ وَصَتِيِّ نَبِيِّكَ صَلَاةً تُزَلِّفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمَكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِينَ.

و روایت شده که هر کس آن حضرت را به این زیارت کند و از خداوند طلب آمرزش کند، حق تعالی گناهایش را بیامرزد و او را داخل بهشت نماید. و بعضی از علماء این زیارت را به روز وفات آن مظلومه که سوّم جمادی الثانی است اختصاص داده اند.

و نیز پس از آن، بر آن مظلومه چنین صلوات می فرستی: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّيْدِ دَيْقِهِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أُمَّ أَحِبَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ الَّتِي أَنْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا

وَ كُنِ الثَّائِرَ اللَّهُمَّ بِعَدَمِ أَوْلَادِهَا. اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَيْمَةِ الْهُدَى وَ حَلِيلَةَ صَاحِبِ اللَّوَاءِ وَ الْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى، فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمِّهَا صِلَوْهُ تَكْرِمًا بِهَا وَجْهَ (أَبِيهَا) مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَقَرُّ بِهَا أَعْيُنُ ذُرِّيَّتِهَا وَ أُبْلِغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ.

فضیلت زیارت قبور ائمه بقیع علیهم السلام

علامه مجلسی علیه الرحمه در حدیث معتبری فرموده است که از عبدالله بن عباس نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده اند: هر کس امام حسن علیه السلام را در بقیع زیارت کند قدمش بر صراط ثابت باشد روزی که قدم ها لغزان است.

و در مُقْنِعَه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: هر که مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده شود و فقیر و پریشان نمیرد.

و ابن قولویه در کتاب کامل از هشام بن سالم از حضرت صادق (ع) نقل نموده که مردی خدمت آن حضرت شرفیاب شد و عرض کرد آیا باید پدر شما را زیارت کرد؟ فرمود: بلی، عرض کرد: چه پاداشی برای آن زیارت است؟ فرمود: اگر اعتقاد به امامت او داشته باشد و او را متابعت نماید پاداش او بهشت است. عرض کرد: کسی که از زیارت آن حضرت روگردان باشد جزایش چیست؟ فرمود: در روز قیامت حسرت خواهد داشت.

و شیخ طوسی رحمه الله علیه در کتاب تهذیب از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت نمود که هر که امام جعفر صادق و پدرش حضرت امام محمدباقر علیهما السلام را زیارت کند درد چشم نکشد و دردی هم به او نرسد و مبتلا نمیرد.

اماکن مقدسه بقیع

اماکن مقدسه بقیع عبارتند از: قبور مقدسه ائمه بقیع صلوات الله علیهم اجمعین که عبارتند از: ۱ قبر مطهر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام. ۲ قبر مطهر حضرت امام زین العابدین علیه السلام. ۳ قبر مطهر حضرت امام محمد باقر علیه السلام.

۴ قبر مطهر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام. که این چهار مرقد منور در کنار یکدیگر قرار دارند.

و قبور دیگری نیز به این ترتیب در بقیع واقع شده اند: ۱

قبر عباس بن عبدالمطلب عموی پیغمبر اکرم (ص) ۲ قبر فاطمه بنت اسد مادر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که این دو قبر در کنار قبور ائمه بقیع است و محتمل است که قبر مطهر صدیقه طاهره نیز آنجا باشد. ۳ قبور دختران حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که عبارتند از: زینت و کلثوم و رقیه که این سه قبر با فاصله مختصری نزدیک قبور ائمه بقیع قرار دارند. ۴ سه قبری است نزدیک درب خروجی که دوتای آن متعلق به عمه های پیغمبر اکرم (ص) است و یکی متعلق به حضرت ام البنین مادر مظلومه حضرت ابوالفضل العباس (ع) است. ۵ قبر حضرت عبدالله ابن جعفر طیار است که با قبر عمویش عقیل بن ابی طالب و سفیان بن الحرث در یک نقطه واقع است. ۶ قبر حضرت ابراهیم فرزند پیغمبر است که نزدیک درب ورودی است. ۷ قبر زوجات پیغمبر است که بعضی از آنها صالحه بودند. ۸ قبر حضرت اسماعیل فرزند امام صادق (ع) است که بیرون بقیع واقع شده است ۹ قبر حلیمه سعدیه است که در انتهای بقیع است و او زنی است که مادر رضاعی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و آن حضرت را شیر داده است. ۱۰ قبور شهدای واقعه حرّه و شهدای زخمی احد که در بقیع واقع شده است.

و زیارت هایی که برای این اماکن متبرکه وارد است عبارتند از:

۱ اذن دخول که بر در ورودی بقیع ایستاده و می خوانی: اللَّهُمَّ إِنِّي وَفَّقْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ قَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذِهِ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ فِي غَيْبَتِهِمْ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِمْ وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خَلْفَائِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي وَ أَنْتَ حَاجِبٌ عَنِّي سَمِعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَدِيدِ مُنَاجَاتِهِمْ وَ إِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثَانِيًا وَ أَسْتَأْذِنُ خَلْفَائِكَ الْأَيْمَةَ الْمَفْرُوضِينَ عَلَيَّ طَاعَتَهُمُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ الْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْقُبُورِ ثَالِثًا ءَأَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ءَأَدْخُلُ يَا حُجَّجَ اللَّهِ ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ عِنْدَ هَذِهِ الْقُبُورِ فَادْنُوا لِي يَا مَوَالِيَّ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أُذِنْتُمْ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكُمْ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَانْتُمْ أَهْلٌ لَذَلِكَ .

سپس وارد بقیع شده و می گویی: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَيَّ مِلَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبِّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ ، عَبْدُكُمْ وَ ابْنُ أُمَّتِكُمْ الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ الْمَضْعَفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَأَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ، ءَأَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ.

و بعد با خشوع و خضوع و رقت قلب در حالی که پای راست را مقدم می داری داخل بقیع شده و می گویی: اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً

أَصِيلاً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ الَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ وَ سَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ
وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعاً بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ.

سپس تا حد امکان نزدیک قبور مقدسه ایشان شده و پشت به قبله و رو به قبر ایشان کرده و می گوئی: أَلْسَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَيْمَّةَ
الْهُدَى أَلْسَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى أَلْسَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحَجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا. أَلْسَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَّامُ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ. أَلْسَلَامٌ
عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ أَلْسَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ
اللَّهِ وَ كَذَّبْتُمْ وَ أَسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ وَ أَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَ أَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ وَ أَنَّكُمْ
دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَ أَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ. لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَ
يَنْفُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنِسِكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَ لَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ. طِبْتُمْ وَ طَابَ مَبْتَبُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا
دِيَانَ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صِلَاؤَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا؛ إِذْ اخْتَارَكُمْ
اللَّهُ لَنَا وَ طَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَ كُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ وَ هَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَ أَخْطَأَ
وَ اسْتَيْتَكَانَ وَ أَقْرَبَ بِمَا جَنَى وَ رَجَى بِمَقَامِهِ الْخِلَاصَ وَ أَنْ يَسْتَنْفِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْفِذَ الْهَلَكَى مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ
إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤاً وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا.

و در اینجا سر را رو به آسمان کرده و بگو: يَا مَنْ هُوَ

قَائِمٌ لَا يَسِيهُو، وَ دَائِمٌ لَا يَلِيهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَمَكَ الْمَنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادَكَ وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْإِمْنَةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ، بِحُزْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

پس برای هر چه که بخواهی دعا کن و از آنجا که نماز خواندن در قبرستان بقیع میسر نیست، نماز زیارت آن چهار امام مظلوم علیهم السلام را که هر کدام دو رکعت است، در منزل خود و یا در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله می خوانی.

و شیخ طوسی و سید بن طاووس گفته اند: چون بخواهی با ایشان وداع کنی بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّمَّةَ الْهُدَى وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ. اَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ وَ اَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ. اَمْنَا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَ دَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ. اَللَّهُمَّ فَارْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.

پس بسیار دعا کن و از خدا بخواه که بار دیگر نیز تو را به زیارت ایشان موفق گرداند و این زیارت، آخرین زیارت تو نباشد.

زیارت دوم:

زیارت جامعه اول است که هر کدام از امامان را می توان با آن زیارت نمود، و آن زیارتی است که شیخ صدوق رحمه الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه نقل نموده است، که چون از حضرت امام رضا علیه السلام در آداب تشریف نزد قبر پدر بزرگوارشان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کردند فرمودند: ابتدا دو رکعت نماز در مسجدهای اطراف قبر می خوانی و در هر

حال برای زیارت هر یک از امامان و مراقد پیغمبران و اوصیاء آنها، می توانی این دعا را بخوانی: اَللّٰهُمَّ عَلٰى اَوْلِيَاءِ اللّٰهِ وَ اَصْبِيَاءِهِ السَّلَامُ عَلٰى اَمْنَاءِ اللّٰهِ وَ اَحْبَائِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰى اَنْصَارِ اللّٰهِ وَ خُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلٰى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى مَسَاكِنِ ذِكْرِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى مُظْهِرِيْ اَمْرِ اللّٰهِ وَ نَهْيِهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى الدُّعَاةِ اِلَى اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى الْمُسْتَقْرِرِيْنَ فِيْ مَرْضَاتِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى الْمُخْلِصِيْنَ فِيْ طَاعَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى الْاِدْلَاءِ عَلٰى اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى التّٰذِيْنَ مَنِ الْاِهْمُ فَقَدْ وَالَى اللّٰهِ وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللّٰهِ وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللّٰهِ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللّٰهِ وَ مَنْ اَعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اَعْتَصَمَ بِاللّٰهِ وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اَشْهَدُ اللّٰهُ اَنْى سَلَّمَ لِمَنْ سَالَمْتُمْ وَ حَزَبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ مَفْوُضٌ فِيْ ذَلِكُمْ كَلِيهِ اِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللّٰهُ عِدْوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ اُبْرءُ اِلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

و نیز به این کیفیت صلوات بر امام حسن و امام حسین علیهما السّلام می فرستی: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِيْ رَسُوْلِكَ وَ سِبْطِيْ الرَّحْمَةِ وَ سَيِّدِيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْلَادِ النَّبِيِّنَّ وَ الْمُرْسَلِيْنَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى الْحَسَنِ ابْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّنَّ وَ وَصِيِّ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّيْنَ اَشْهَدُ اَنَّكَ يَا بَنَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَمِيْنُ اللّٰهِ وَ ابْنُ اَمِيْنِهِ عِشْتُمْ مَظْلُوْمًا وَ مَضَيْتُمْ شَهِيدًا وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ الزَّكِيُّ، الْهَادِي الْمَهْدِيُّ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ بَلِّغْ رُوْحَهُ وَ جَسَدَهُ عَنِّيْ فِيْ هَذِهِ السَّاعَةِ اَفْضَلَ

التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، قَتِيلِ الْكُفْرَةِ وَطَرِيحِ الْفَجْرِه، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ مُوقِنًا أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَ مَصَّيْتَ شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الطَّالِبُ بِثَارِكَ، مُنَجِّرٌ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَ التَّيِيدِ فِي هَلَاكِكَ عَدُوِّكَ وَ إِظْهَارِ دَعْوَتِكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيَتْ بَعْهَدِ اللَّهِ وَ جَاهِدَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَبَدَتْ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتِكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ خَذَلْتِكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ أَلْبَيْتَ عَلَيْكَ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّنْ أَكْذَبَكَ وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّكَ وَ اسْتَحَلَّ دَمِيكَ، يَا بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ، لَعَنَ اللَّهُ خَاذِلَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَاعْتَمَكَ فَلَمْ يُجِبِكَ وَ لَمْ يَنْصُرِكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَى نِسَاءَكَ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ وَ مِمَّنْ وَ الْإِهْمُ وَ أَعَانُهُمْ. وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ الْأِيْمَةُ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعٌ بِذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَايِعَ دِينِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي وَ مُنْقَلَبِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي.

و سپس به این کیفیت صلوات بر امام زین العابدین علیه السلام می فرستی: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ بِنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ الَّذِي اسْتَخْلَصَتْهُ لِنَفْسِكَ وَ جَعَلَتْ مِنْهُ أَيْمَةَ الْهُدَى الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ إِخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ اصْطَفَيْتَهُ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا مَهْدِيًّا. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ حَتَّى تَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا

وَ الْآخِرَهُ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

و بعد صلوات بر امام محمد باقر علیه السلام می فرستی و می گویی: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ وَ إِمَامِ الْهُدَى وَ قَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَى وَ الْمُتَتَجِبِ مِنْ عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ وَ مَنَارًا لِبِلَادِكَ وَ مُسْتَوْدَعًا لِحُكْمَتِكَ وَ مُتَرَجِمًا لَوْحِيكَ وَ أَمْرًا بِطَاعَتِهِ وَ حَادِرًا مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَمَنَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

و بر امام جعفر صادق علیه السلام نیز این چنین صلوات می فرستی: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ خَازِنِ الْعِلْمِ، الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ، النُّورِ الْمُبِينِ. اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ مَعِيدِنَ كَلَامِكَ وَ وَحِيَّكَ وَ خَازِنَ عِلْمِكَ وَ لِسَانَ تَوْحِيدِكَ وَ وَلِيَّ أَمْرِكَ وَ مُسْتَحْفِظَ دِينِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَ حُجَجِكَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

زیارت سؤم

و در زیارت امام حسن علیه السلام و سایر امامان، پشت به قبله و رو به قبر می ایستی و می گویی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنَ أَوَّلِ الْمُسْلِمِينَ وَ كَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَ أَنْتَ سَبِيلُ الْهُدَى وَ حَلِيفُ التَّقَى وَ خَامِسُ أَهْلِ الْكِسَاءِ، غَدَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ وَ رُبِيَتْ فِي حَجْرِ الْإِسْلَامِ وَ رَضِعَتْ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ فَطَبَتْ حَيًّا وَ طَبَتْ مَيِّتًا، غَيْرَ أَنَّ النَّفْسَ غَيْرَ رَاضِيَةٍ بِهِ بِفِرَاقِكَ وَ لَا شَاكِيَةٍ فِي حَيَاتِكَ، يَرْحَمُكَ اللَّهُ. السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ سَيِّدِ السَّاجِدِينَ وَ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.

زیارت چهارم:

و در زیارت ائمه طاهرين نیز می گویی: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خُزَّانَ عِلْمِ اللَّهِ وَ حَفَظَةَ سِرِّهِ وَ تَرَاجِمَهُ وَحِيهِ، أَتَيْتُكُمْ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفًا بِحَقِّكُمْ مُسْتَبْصِرًا بِشَانِكُمْ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمْ مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكُمْ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي صِلَى اللَّهِ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَالِي آخِرَهُمْ كَمَا تَوَلَّيْتُ أَوْلَهُمْ وَ أَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَ لِيَجِهَ دُونَهُمْ. آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ كُلِّ نِدٍّ يَدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.

زیارت پنجم:

و در زیارت امام حسن علیه السلام مستحب است که زیارت کنی آن حضرت را به این زیارت: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ حِكْمِهِ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الرَّكِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبُرِّ التَّقِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْأَمِينُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالْتَنْزِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّوَالِي السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِي الْمَهْدِي السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَاهِرُ الْخَفِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الرَّكِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ السَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.

و در زیارت حضرت امام زین العابدین علیه السلام می گوئی: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَیْنَ الْعَابِدِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَیْنَ الْمُجْتَهِدِیْنَ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِمَامَ الْمُتَّقِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قُرَّةَ عَیْنِ النَّاطِرِیْنَ اَلْعَارِفِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلْفَ السَّابِقِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَصِیَّ
الْوَصِیِّیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَازِنَ

وَصَايَا الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضَوْءَ الْمُسْتَوْحِشِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْمُجْتَهِدِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَاجَ الْمُتَازِصِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَخْرَ الْمُتَعَبِّدِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ الْقِصَاصِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْخَلَاصِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ النَّبَدِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَدَرَ الدُّجَى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَوَاهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّابِرُ الْحَكِيمُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَيْسَ الْبَكَّائِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّجِهِ وَابْنَ أَمِينِهِ وَابْنَ الْأَمَانَةِ وَأَنَّكَ نَاصِحٌ فِي عِبَادَةِ رَبِّكَ وَ سَارِعٌ فِي مَرْضَاتِهِ وَ خَيِّبٌ أَعْدَائِهِ وَ سِرْرٌ أَوْلِيَائِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ عَبَدْتَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ وَ اتَّقَيْتَهُ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ أَطَعْتَهُ حَقَّ طَاعَتِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَعَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.

زيارت حضرت امام محمد باقر عليه السلام

و در زیارت حضرت امام محمد باقر علیه السلام مستحب است که بگویی: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَعْلَمُ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاحِصُ عَنْ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُبِينُ لِحُكْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ بِقِسْطِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِحُ لِعِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّلِيلُ عَلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَبْلُ الْمَتِينُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَضْلُ الْمُبِينُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الثُّورُ السَّاطِعُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ اللَّامِعُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْأَبْلَجُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْأَشْرِجُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّجْمُ الْأَزْهَرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَوْكَبُ الْأَبْهَرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْرَةُ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَعْصُومُ مِنَ الزَّلَّاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّكِيُّ فِي

الْحَسْبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّفِيعُ فِي النَّسَبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَصِيرُ الْمَشِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحُجَّه عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ
أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ قَدْ صَدَعْتَ بِالْحَقِّ صِدْعًا وَبَقَرْتَ الْعِلْمَ بَقْرًا وَنَشَرْتَهُ نَشْرًا لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَكُنْتَ لِدِينِ اللَّهِ
مُكَاتِمًا وَقَضَيْتَ مَا كَانَ عَلَيْكَ وَأَخْرَجْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ وِلَايَةِ غَيْرِ اللَّهِ إِلَى وِلَايَةِ اللَّهِ وَآمَرْتَ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَنَهَيْتَ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ
حَتَّى قَبَضَكَ اللَّهُ إِلَى رِضْوَانِهِ وَذَهَبَ بِكَ إِلَى دَارِ كَرَامَتِهِ وَ إِلَى مَسَاكِينِ أَصِغِيَاءِهِ وَ مُجَاوِرِهِ أَوْلِيَاءِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتُهُ.

زيارت امام جعفر صادق عليه السلام

و مستحب است زيارت امام جعفر صادق عليه السلام به اين زيارت: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّادِقُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْوَصِيُّ النَّاطِقُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاتِقُ الزَّاتِقُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّنَامُ الْأَعْظَمُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا مَضِيْبَاحَ الظُّلُمَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَافِعَ الْمُعْضَلَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِفْتَاحَ الْخَيْرَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْبَرَكَاتِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْحُجَّجِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْبُرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاصِلَ الْخَطَايَا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمِيدَ الصَّادِقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ النَّاطِقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْفَ الْخَائِفِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا زَعِيمَ الصَّادِقِينَ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَهْفَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَكَنَ الطَّائِعِينَ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ عِلْمُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ شَمْسُ الضُّحَى وَ بَحْرُ النَّدى وَ كَهْفُ الْوَرَى
وَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْعَبَّاسِ عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

عموی پیامبر اکرم (ص)

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا عَبَّاسُ يَا عَمَّ رَسُوْلِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّ نَبِيِّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّ حَبِیْبِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّ الْمُضَيِّطِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَنَا الْمُضَيِّطِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَنَا الْاِمَامَ الْحَسَنَ الْمُجْتَبَى اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَنَا الْاِمَامَ زَيْنَ الْعَابِدِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَنَا الْاِمَامَ مُحَمَّدَ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَنَا الْاِمَامَ جَعْفَرَ الصَّادِقِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ الرِّسَالَةِ رَضِيَ اللهُ عَنْكُمْ وَ اَرْضَاكُمْ اَحْسَنَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَثْوَاكُمْ وَ مَسْكَنَكُمْ وَ مَحَلُّكُمْ وَ مَاوَاكُمْ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

زیارت فاطمه بنت اسد علیهما السلام والده حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

و چون قصد زیارت آن بانو کردی نزد قبر آن مخدّره که کنار قبور ائمه بقیع است و بعضی آنرا نزدیک قبر حلیمه سعدیه خارج قبرستان بقیع دانسته اند (پس مناسب است در هردو مکان ایشان را زیارت کنی) می ایستی و می گویی: اَلسَّلَامُ عَلَی نَبِيِّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَی رَسُوْلِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْاَوَّلِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْاٰخَرِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَی مَنْ بَعَثَهُ اللهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَی فَاطِمَةَ بِنْتِ اَسِيْدِ الْهَاشِمِيَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الْمَرْضِيُّ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ النَّقِيُّ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْكَرِيْمُ الْمَرْضِيُّ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَی رَسُوْلِ اللهِ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ تَرَبَّيْتُهَا لَوْلِيَّ اللهُ الْاَمِيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلَی رُوْحِكَ وَ بَدَنِكَ الطَّاهِرِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلَی وَلَدِكَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَحْسَنْتَ الْكِفَالَهَ وَ اَدَّيْتَ الْاَمَانَةَ وَ اجْتَهَدْتَ

فِي مَرَضَاتِ اللَّهِ وَبِالْغَتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَهُ بِحَقِّهِ، مُؤْمِنَهُ، بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَهُ بِبُتُوْتِهِ، مُسْتَبْصِرَهُ بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَهُ بِتَرْبِيَّتِهِ، مُشْفِقَهُ عَلَى نَفْسِهِ، وَاقِفَهُ عَلَى خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَهُ رَأَاهُ. وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتِ عَلَى الْإِيمَانِ وَ التَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ رَاضِيَهُ مَرْضِيَهُ طَاهِرَهُ زَكِيَهُ تَقِيَهُ، فَرَضَى عَلَى اللَّهِ عَنكَ وَ أَرْضَاكَ وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَ مَاوَكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا وَ ثَبِّتْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَ لَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَ شَفَاعَةَ الْمَائِمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا وَ ارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَ اخْشُرْنِي مَعَهَا وَ مَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا وَ ارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، فَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاخْشُرْنِي فِي زَمْرَتِهَا وَ ادْخُلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَ مَنْزِلَتِهَا لَمَدِيكَ إِعْفُ لِي وَ لِوَالِدِي وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

و پس از آن نماز زیارت آن مخدّره را هم در جای مناسب رجاء می خوانی.

زیارت ابراهیم بن رسول الله (ص)

سپس نزدیک قبر شده و می گویی: اللَّهُمَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى صِدِّيقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَيْرِهِ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَيِّمَانِهِ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَ السُّعْدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

السِّرَاجِ الْمُنِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَانِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي صَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدِ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِنْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ فَتَقَلِّكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًّا مَرْضِيًّا، طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ، وَبُؤْتَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً تَقَرُّ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ وَتُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صِلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا وَأَنْمَى بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَخَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عَتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَعَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً وَشُؤُنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ وَنَفْسَ عَنِّي كُلَّ هَيْمٍ وَضَيْقٍ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ وَامْنَحْنِي ثَوَابَكَ وَأَسْكِنْنِي جَنَّاتَكَ وَأَرْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَاشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالْإِتْدَى وَوُلْدِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

و حاجات خود را از خداوند می خواهی و نماز زیارت آن حضرت را نیز در مکانی مناسب بجای می آوری.

زیارت دختران پیغمبر اکرم (ص) در قبرستان بقیع

و چون قصد زیارت آن بانوان مکرمه را بنمایی کنار

قبر ایشان بایست و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ جَمِیعِ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ وَ رَحْمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ. اَلسَّلَامُ عَلَیْ بَنَاتِ سَیِّدِ الْمُصْطَفَى اَلسَّلَامُ عَلَیْ بَنَاتِ النَّبِیِّ الْمُجْتَبِیِّ اَلسَّلَامُ عَلَیْ بَنَاتِ مَنْ اصْطَفَاهُ اللَّهُ فِي السَّمَاءِ وَ فَضَّلَهُ عَلَى جَمِیعِ الْبَرِیِّهِ وَ الْوَرَى اَلسَّلَامُ عَلَیْ ذُرِّیَةِ السَّیِّدِ الْجَلِیلِ مِنْ نَسْلِ إِسْمَاعِیلَ وَ سِیْلِهِ إِبْرَاهِیمَ الْخَلِیلِ اَلسَّلَامُ عَلَیْ بَنَاتِ النَّبِیِّ الرَّسُولِ اَلسَّلَامُ عَلَیْ أَخَوَاتِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ الْبُتُولِ اَلسَّلَامُ عَلَیْ ذُرِّیَةِ الطَّیِّبَةِ الطَّاهِرَةِ وَ الْعِزَّةِ الزَّاکِیَةِ الزَّاهِرَةِ بَنَاتِ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ سَیِّدِ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ خَیْرِهِ رَسُولِ اللَّهِ أَجْمَعِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْ الذَّرِیَّةِ الطَّاهِرَةِ الزَّاکِیَةِ وَ الْعِزَّةِ الْمُصْطَفَوِیَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَیْ زَیْنَبَ وَ أُمَّ كَلْثُومَ وَ رُقِیَّةَ اَلسَّلَامُ عَلَیْ الشَّرِیْفَاتِ الْأَحْسَابِ وَ الطَّاهِرَاتِ الْأَنْسَابِ اَلسَّلَامُ عَلَیْ بَنَاتِ الْأَبَاءِ وَ الْأَعَاظِمِ وَ سِیْلِهِ الْأَجْدَادِ الْأَكْرَامِ الْأَفَاخِمِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ عَبْدِ مَنْفٍ وَ هَاشِمٍ وَ رَحْمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ.

زیارت دو عمه پیغمبر اکرم (ص) (صفيه و عاتکه)

مستحب است در زیارت آنها بخوانی: اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا عَمَّتِي رَسُولِ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا عَمَّتِي نَبِيِّ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا عَمَّتِي حَبِيبِ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا عَمَّتِي الْمُصْطَفَى رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمْ وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنزِلِكُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ.

زیارت فاطمه أم البنین مادر حضرت ابوالفضل العباس علیهما السلام

و در زیارت أم البنین سلام الله علیها می گویی: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْبَنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْعَبَّاسِ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكَ وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنزِلِكَ وَ مَاوَاكِ وَ رَحْمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ.

زیارت جناب عقیل و عبدالله بن جعفر الطیار

و در زیارت آن دو بزرگوار می خوانی: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا عَقِيلَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ عَمِّ نَبِيِّ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ عَمِّ حَبِيبِ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ عَمِّ الْمُصْطَفَى اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَخَا عَلِيِّ الْمُرْتَضَى. اَلسَّلَامُ عَلَیْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَانِ وَ عَلَى مَنْ حَوْلَكُمْ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمْ وَ أَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنزِلَكُمْ وَ مَسْكَنَكُمْ وَ مَحَلَّكُمْ وَ مَاوَاكُمْ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ.

زیارت شهدای واقعه حرّه و زخمی های شهدای اُحد

و در زیارت ایشان نیز می خوانی: اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا شُهَدَاءَ يَا سَيِّدَاءَ يَا نُجَبَاءَ يَا نُقَبَاءَ يَا أَهْلَ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا مُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ. اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ الدَّارِ. اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا شُهَدَاءَ كَافَّةً عَامَّةً وَ رَحْمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ

زیارت حلیمه سعدیه

و در زیارت یگانه بانویی که پیغمبر اکرم (ص) را شیر داده می گویی: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ رَسُولِ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ صَفِيِّ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ حَبِيبِ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْمُصْطَفَى اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُرْضِعَةَ رَسُولِ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَلِيمَةَ السَّعْدِيَّةِ فَرَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكَ وَ أَرْضَاكَ وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنزِلِكَ وَ مَاوَاكِ وَ رَحْمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ.

و از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که هر کس این دعا را در زیارت عموم کسانی که به طریق حق از دنیا رفته اند و در آنجا مدفونند بخواند، ثواب پنجاه سال عبادت را برای او بنویسند و گناه پنجاه ساله او و پدر و مادرش محو گردد و آن دعا این است: اَللّٰهُمَّ عَلٰى اَهْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَللّٰهُ مِنْ اَهْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَللّٰهُ يَا اَهْلَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَللّٰهُ بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَللّٰهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَللّٰهُ مِنْ لَا- اِلٰهَ اِلَّا- اَللّٰهُ يَا لَا- اِلٰهَ اِلَّا اَللّٰهُ بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَللّٰهُ اَعْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَللّٰهُ وَ اَحْسِرْنَا فِى زُمْرِهِ مَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اَللّٰهِ عَلَیْ وَاٰلِیْهِ وَسَلَّمَ

اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام

و در زیارت ایشان می گوئی: اَللّٰهُمَّ عَلٰى جَدِّكَ الْمُصِیْطَفٰى اَلسَّلَامُ عَلٰى اَبِیْكَ الْمُرْتَضٰى الرِّضَا اَلسَّلَامُ عَلٰى السَّیِّدِیْنِ اَلْحَسَنِ وَ اَلْحُسَیْنِ اَلسَّلَامُ عَلٰى نَحْدِیْجَهٗ اُمِّ الْمُؤْمِنِیْنَ اُمِّ سَیِّدَهٗ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ. اَلسَّلَامُ عَلٰى فَاطِمَهٗ اُمِّ الْاِئِمَّهٖ الطَّاهِرِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰى النَّفُوْسِ الْفَاخِرَهٗ، بِحُورِ الْعُلُوْمِ الرَّاٰخِرَهٗ، شَفَعَائِیْ فِی الْاٰخِرَهٗ وَ اَوْلِیَائِیْ عِنْدَ عَوْدِ الرُّوْحِ اِلَی الْعِظَامِ النَّخِرَهٗ اَئِمَّهٖ الْخَلْقِ وَ وِلَاةِ الْحَقِّ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِیْفِ اِسْمَاعِیْلُ بِنِ مَوْلَانَا جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الطَّاهِرِ الْكَرِیْمِ

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ مُصْطَفَاهُ وَ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَ مُجْتَبَاهُ وَ أَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ نَعْلَمُ ذَلِكَ عِلْمَ
الْيَقِينِ وَ نَحْنُ لِدَالِكَ مُعْتَقِدُونَ وَ فِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ.

وداع با پیامبر (ص)

و هر گاه خواستی که از مدینه منوره بیرون روی و با مرقد مطهر پیغمبر اکرم (ص) وداع کنی، ابتدا غسل کن و لباس پاکیزه
پوش و سپس به منظور زیارت آن مرقد مطهر، روانه آن مضجع نبوی شده و چون از زیارت فارغ شدی، در وداع با آن
حضرت این کلمات را زمزمه کن: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ
تُنْجِسْ بِكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْ بِكَ مِنْ مِيدٍ لَهْمِيَّاتٍ ثِيَابِهَا وَ أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَ بِالْأُمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ،
أَعْلَامِ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا. اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي فَإِنِّي
أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ حِدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ
رَسُولُكَ وَ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، أَوْلِيَاءَكَ وَ أَنْصَارَكَ وَ مُحِبِّكَ عَلَى خَلْقِكَ، خُلَفَائِكَ فِي عِبَادِكَ وَ أَعْلَامَكَ فِي بِلَادِكَ
وَ خُزَانَ عِلْمِكَ وَ حَفَظَةَ سِرِّكَ وَ تَرَاجِمَهُ وَ حِكْمَكَ. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِي سَاعَتِي
هَذِهِ تَحِيَّةً مِنِّي وَ سَلَامًا. اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةً

اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ.

و سپس با حال تواضع می گویی: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَأِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّكَ قَدِ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ ثُمَّ اخْتَرْتَنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، فَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ وَفِي زَمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لَوَائِهِمْ وَلَا تَفْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.

زیارت وداع دیگر

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعَاكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتُ بِهِ وَدَلَّلْتُ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَأِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

زیارت حضرت خدیجه

در زیارت آن حضرت نیز می گویی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدَةِ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ نَبِيِّ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَتِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْأَتْمَةِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ الْمُخْلِصَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ الْحَرَمِ وَمَلَائِكَةَ الْبُطْحَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ مَنْ صَدَّقَتْ بِرَسُولِ اللَّهِ مِنَ النِّسَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وَفَتْ بِالْعُبُودِيَّةِ حَقَّ الْوَفَاءِ وَأَسَلِمْتَ نَفْسَهَا وَأَنْفَقَتْ مَالَهَا لِسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَرِينَةَ حَبِيبِ إِلِهِ السَّمَاءِ الْمُرَوَّجَةِ بِخُلَاصَةِ الْأَصْفِيَاءِ يَابْنَةَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَةَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَةَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَوَلَّى دَفْنَهَا رَسُولُ اللَّهِ وَاسْتَوْدَعَهَا إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ حَبِيبُهُ اللَّهُ وَخَيْرُهُ اللَّهُ وَأَنَّ اللَّهَ جَعَلَكَ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ فِي قَصْرِ مِنَ الْيَاقُوتِ فِي أَعْلَى مَنَازِلِ الْجَنَانِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ.

زیارت مادر گرامی حضرت پیغمبر اکرم (ص) جناب آمنه سلام الله عليها

و مرقد آن جناب محتمل است که در مکه باشد و محتمل است که در ابواء بین مکه و مدینه باشد و در هر حال آن بانوی گرانقدر را با این کلمات زیارت می نمایم: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الزَّائِكَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شَرَّفَهَا اللَّهُ بِأَعْلَى الشَّرَفِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْفٍ بَعْدَ أَكْرَمِ سَلَفِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَطَعَ مِنْ جَبِينِهَا نُورُ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ فَأَضَاءَتْ بِضُوئِهِ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ لَهَا الْمَلَائِكَةُ الْأَصْفِيَاءُ وَضَرَبَ لَهَا حُجْبُ الْجَنَّةِ كَمَا ضَرَبَ لِمَرْيَمَ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ لِحَدْسَتِهَا الْحُورُ وَ أَشْرَبَتْهَا مِنْ أَشْرَبِهِ الْجَنَّةُ فِي كَأْسٍ مِنَ الْبُلُورِ وَ بَشَّرَتْهَا بِوِلَادِهِ مُحَمَّدٍ خَيْرٍ مَنْ مَضَى وَ خَيْرٍ مَنْ يَأْتِي فِي الدُّهُورِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ الْمُفْتَخِرَاتِ أَيْنَ وَ أَنَّى مِثْلِكَ فِي الْوَالِدَاتِ وَ قَدْ حَمَلْتِ بِسَيِّدِهِ الْمُفْتَخِرَاتِ أَيْنَ وَ أَنَّى مِثْلِكَ فِي الْوَالِدَاتِ وَ قَدْ حَمَلْتِ بِسَيِّدِ الْكَاثِنَاتِ وَ جِئْتِ بِأَشْرَفِ الْمُؤْجِدَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْأَنْوَارِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْأَخْيَارِ وَ عَلَى الْخَلْفِ الْأَطْهَارِ مِنْ بَعْدِكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

زيارت پسر پیامبر اکرم (ص) حضرت قاسم در قبرستان مکه

و مستحب است که چون به قبرستان مکه رسیدی قصد زیارت آن حضرت نمودی و بگویی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا قَاسِمَ بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ بْنَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُضَيَّفِي السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى مَنْ حَوْلِكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمْ وَ أَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْرَلَكُمْ وَ مَسِيكَنَكُمْ وَ مَاوَاكُمْ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

زيارت پدر حضرت امير المؤمنين حضرت ابوطالب عليها السلام در قبرستان حجون

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْبَطْحَائِي وَ ابْنَ رَئِيسِهَا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْكَعْبَةِ بَعْدَ تَأْسِيسِهَا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ الْمُضَيَّفِي السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَنْمَةِ الْهُدَى كِفَاكَ بِمَا أَوْلَاكَ اللَّهُ شَرَفًا وَ حَسَبًا وَ نَسَبًا وَ سَبَبًا وَ حَسْبُكَ بِمَا أَعْطَاكَ اللَّهُ عِزًّا وَ حَسَبًا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرَفَ الْوُجُودِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْمُعْبُودِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَارِسَ النَّبِيِّ الْمُؤْعُودِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رَزَقَ وَ لَحْدًا هُوَ خَيْرٌ مَوْلُودِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خُصِّصَ بِالْوَلَدِ الزَّكِيِّ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْعَلِيِّ، عَلَى اسْتِثْقَ مِنْ الْعَلِيِّ هَنِئًا لَكَ ثُمَّ هَنِئًا مِنْ وَلَدِهِ هُوَ الْمُتَرْضَى مِنْ رَسُولٍ وَ أَخِ الرَّسُولِ وَ زَوْجِ النَّبِيِّ وَ سَيِّفِ اللَّهِ الْمَسْلُومِ هَنِئًا لَكَ مِنْ وَلَدِهِ هُوَ شَرِيكَ النَّبِيِّ وَ الْمَخْصُوصِ بِالْأَخْوَةِ وَ كَاشِفِ الْعَمَةِ وَ إِمَامِ الْأَمَّةِ وَ أَبَا الْأَنْمَةِ هَنِئًا لَكَ مِنْ وَلَدِهِ هُوَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَى الْأَبْرَارِ وَ نِقْمَةُ اللَّهِ عَلَى الْفَجَّارِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

زيارت جد پیامبر اکرم (ص) حضرت عبد مناف

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّمِيدُ النَّبِيلُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِالتَّجْوِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقُضْنُ الْمُؤْتَمَنُ الْمُشْمَرُ مِنْ شَجَرِهِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ سَيْلَالِهِ وَ سَيْلِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَعْرَاقِ الثَّرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَيْدَ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَنْبِيَاءِ الْأَضْيَافِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَوْلِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْحَرَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ صَفَا وَ مَرْوَةَ وَ زَمْرَمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ بَيْتِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَمَ الْأَشْرَافِ يَا عَالِيًا بِكَمَالِ الْأَوْصَافِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ قُرَيْشِ الْمَعْرُوفِ بِعَبْدِ مَنْافِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آبَائِكَ الْقَادِمِينَ اللَّاحِقِينَ أَمْنَاءِ اللَّهِ فِي الْعَالَمِينَ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

زيارت جد بزرگوار پیامبر اکرم (ص) حضرت عبدالمطلب عليه السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْكَعْبَةِ وَالبَطْحَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَهَابَةِ وَالبُهَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْكُرْمِ وَ أَصْلَ السَّيِّخَاءِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ مَنْ قَالَ بِالبِدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ يُحْشَرُ فِي سَمَاءِ الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْرُوفًا فِي الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ناداهُ هَاتِفُ الْعَيْبِ بِأَكْرَمِ نِدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ إِبراهيمَ الْخَلِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الذَّبِيحِ إِسْمَاعِيلَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَهْلَكَ اللَّهُ بِدُعَائِهِ أَصْحَابَ الْفِيلِ وَ جَعَلَ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
تَضَرَّعَ فِي حَاجَاتِهِ إِلَى اللَّهِ وَ تَوَسَّلَ فِي دُعَائِهِ بِنُورِ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَجَابَهُ اللَّهُ وَ سَمِعَ نِدَائَهُ فِي كُلِّ بَابٍ وَ نُودِيَ فِي
الْكَعْبَةِ وَ بُشِّرَ بِدُعَاءٍ وَ سَمِعَ نِدَائَهُ فِي كُلِّ بَابٍ وَ نُودِيَ فِي الْكَعْبَةِ وَ بُشِّرَ بِدُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ الْجَلِيلُ وَ
سَجَدَ لِإِكْرَامِهِ الْفِيلُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَى كُلِّ عَلِيلٍ وَ عِزَّةَ كُلِّ ذَلِيلٍ وَ هُدًى مَنْ لَيْسَ لَهُ دَلِيلُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَاقِيَ الْعَيْثِ وَ
غَيْثِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا السَّادَةِ الْعَشْرَةَ وَ ابْنَ أَغْرَاقِ الثَّرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الذَّبِيحِ وَ أبا الذَّبِيحِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ذَا
السَّتْرِفِ الصَّرِيحِ وَ الْفُخْرِ الصَّحِيحِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْكَعْبَةِ وَ الْحَرَمِ وَ سَاقِيَ الْحَجِيجِ وَ حَافِزَ زَمْرَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ جَعَلَ
اللَّهُ مِنْ نَسِيلِهِ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ وَ خَيْرَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ طَافَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ وَ جَعَلَهُ سَبْعَةَ أَشْوَاطِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ مُعْجَزَاتِ الْأُمُورِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ سِلْسِلَةَ النُّورِ وَ شَرِبَ فِي الْيَقْظَةِ أَلْمَاءَ الطُّهُورِ وَ عَلِمَ أَنَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ ذَاتِ الشَّرُورِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مَكَّةَ وَ مِنَى وَ زَمْرَمَ وَ صَيْفَا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَيْبَةَ الْحَمِيدِ وَ أَمِيرَ الْبَطْحَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْحَرَمِ وَ ابْنَ هَاشِمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمَشْهُورِ بِالْعِظَائِمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ وَ أَسْدَادِكَ وَ أَبْنَائِكَ وَ أَوْلَادِكَ جَمِيعاً وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

فصل [ششم]: زیارت اماکن مقدسه مکه معظمه

اول: زیارت شهداء فَخ

و در زیارت اماکن مقدسه مذکور مستحب است که ابتدا به زیارت شهداء فَخ که نام محلی است که میقاتگاه بچه هاست و در آن مکان حدود یکصد تن از سادات و فرزندان حضرت زهرا علیها السلام را هنگام آمدن از مدینه منوره به دست عمل موسی هادی به شهادت رساندند رفته و آنها را زیارت کنند به همان زیارتی که در زیارت حضرت اسماعیل فرزند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بیان شد.

دوم: رفتن به غار جِراء

و آن غاری است که پیامبر اسلام(ص) قبل از بعثت در آنجا عبادت می نموده است و اولین وحی بر آن حضرت در آنجا نازل شد.

سوم: رفتن به کوه نُور است

و آن کوهی است که پیامبر اکرم(ص) هنگامی که می خواستند از مکه معظمه به مدینه منوره هجرت نمایند از ترس مشرکین در آن کوه پنهان شدند. پس چون به آن غار رسیدی دعایی را که در مناسک شیخ انصاری(ره) مذکور است می خوانی:

اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ

چهارم: خواندن این دعا ...

خواندن این دعا در محل ولادت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که در داخل کعبه بوده است و روبروی شکاف کعبه ایستاده و می خوانی: اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِالْعِلْمِ قَلْبِي وَ اسْتَعْمِلْ بِطَاعَتِكَ بَدَنِي وَ خَلِّصْنِي مِنَ الْفِتَنِ وَ اشْغِلْ بِالْإِيمَانِ

پنجم: رفتن به کوه ابوقیس

که داخل مکه است و خواندن این دعا در آن مکان: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسئَلُكَ إِيمَانًا كَامِلًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ يَقِينًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي أَنْتَ وَ لِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ

ششم:

بعد از خواندن دو رکعت نماز در مسجد بلال حبشی، این دعا را می خوانی: اللَّهُمَّ اجْرِنِي حَتَّى لَا يَكُونُ لِي عَلَى سُلْطَانِ اللَّهِمَّ إِنِّي أودَعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ خَالِصًا مُخْلِصًا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

هفتم: این دعا را در محل ولادت پیغمبر اکرم(ص) که در میدانی نزدیک سوق اللیل واقع شده و فعلاً آن محل شریف کتابخانه است، می خوانی: **اللَّهُمَّ بِجَاهِ نَبِيِّكَ الْمُصْطَفَى وَ رَسُولِكَ الْمُتَرْضَى طَهِّرْ قُلُوبَنَا مِنْ كُلِّ وَصْفٍ يُبَاعِدُنَا عَنْ مُشَاهَدَتِكَ وَ مَحَبَّتِكَ وَ أَمِنَّا اللَّهُمَّ عَلَي السَّنَةِ وَ الْجَمَاعَةِ عَلَي مَوَالِهِ أَوْلِيَانِكَ وَ مُعَادَاهِ أَعْدَائِكَ وَ الشُّوقِ إِلَى لِقَائِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوَدِّعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ خَالِصاً مُخْلِصاً وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.**

و نیز در محل ولادت حضرت زهرا علیها السلام این دعا را می خوانی: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتِئْذِنُكَ بِالْبُضْعَةِ الرَّهْرَاءِ وَ أَوْلَادِهَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَسِيرُ أُمُورَنَا وَ أَشْرَحُ صُدُورَنَا وَ اخْتِمِ بِالصَّالِحَاتِ أَعْمَالَنَا اللَّهُمَّ إِنِّي أُوَدِّعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.**

و نیز در محل شق القمر که نزدیک کوه ابوقبیس است و در آن واقعه ماه به دو نیم شد این دعا را می خوانی: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي نَبِيِّ هَلَّلَ وَ كَبَّرَ وَ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ وَ انشَقَّ لَهُ الْقَمَرُ وَ بَدِينَ اللَّهُ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُوَدِّعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ خَالِصاً مُخْلِصاً أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.**

[فصل هفتم: ادعیه]

دعای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در روز عرفه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَ لَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَ لَا كَصَيْعِنِهِ صَيْعُ صَانِعٍ، وَ هُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ. فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبِدَايِعِ، وَ أَتَقَنَّ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَ لَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوُدَائِعُ. جَازَى كُلَّ صَانِعٍ، وَ رَافِئِ كُلِّ قَانِعٍ، وَ رَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَ هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَ لِلكُزُبَاتِ دَافِعٌ وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَ لِلجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَ لَا شَيْءٌ يَعِيدُهُ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَ هُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَ أَشْهَدُ بِالرَّبُّوبِيَّةِ لَكَ، مُقَرَّراً بِأَنَّكَ رَبِّي، وَ أَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي، إِبْتِدَاءتِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً، وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِناً لِرَيْبِ الْمُنُونِ

وَ اِخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ السِّنِينَ، فَلَعَمَّ اَزَلٌ ظَاعِنًا مِنْ صُيُوبِ اِلَى رَجْمٍ فِي تَقَادُمِ مِنَ الْاَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَافَتِكَ بِي وَ لُطْفِكَ لِي، وَ اِحْسَانِكَ اِلَيَّ فِي دَوْلِهِ ائِمَّةِ الْكُفْرِ، الَّذِيْنَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ اَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَ فِيهِ اُنْشَأْتَنِي، وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوُّفَتَ بِي، بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِّي يُمْنِي، وَ اَسِيَكْتَنِي فِي ظُلُمَاتِ ثَلَاثِ بَيِّنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ تُسْهِدْنِي خَلْقِي، وَ لَمْ تَجْعَلْ اِلَيَّ شَيْئًا مِنْ اَمْرِي، ثُمَّ اَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى اِلَى الدُّنْيَا تَامًا سَوِيًّا، وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْغَدَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَ كَفَلْتَنِي الْاَمَهَاتِ الرَّوَاحِمَ وَ كَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْعِجَابِ، وَ سَيَّلْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى اِذَا اسْتَهَلَّتْ نَاطِقًا بِالْاِكْلَامِ، اَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغِ الْاِنْعَامِ، وَ رَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى اِذَا اِكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلْتُ مَرَّتِي، اَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتِكَ بِأَنْ اَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ، وَ اَيَّقَنْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ اَرْضِكَ مِنْ يَدَايِعِ خَلْقِكَ، وَ نَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ، وَ اَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ، وَ فَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَ يَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِمَتِكَ بِعَوْنِكَ وَ لُطْفِكَ، ثُمَّ اِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الشَّرِّ لَمْ تَرْضَ لِي يَا اِلَهِي نِعْمَهُ دُونَ اُخْرَى وَ رَزَقْتَنِي مِنْ اَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَ صُنُوفِ الرِّيَاشِ، بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْمَاعُظَمِ عَلَيَّ، وَ اِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ اِلَيَّ، حَتَّى اِذَا اَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَ صَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ لَمْ يَمْنَنَّكَ جَهْلِي وَ جُرَّأَتِي عَلَيْكَ

أَنْ دَلَّلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِيلُنِي لِمَدِيكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَ إِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ
لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مُجِيدٍ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَ عَظُمَتْ آلَاؤُكَ، فَأَيُّ
نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا وَ ذِكْرًا، أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْرًا، وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا
الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَ دَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَ الضَّرِّاءِ، أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرِّاءِ، وَ أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِّيقِهِ
إِيمَانِي، وَ عَقْدِ عَزَمَاتِي يَقِينِي، وَ خَالِصِ صِرِيحِ تَوْحِيدِي، وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَ عَلَاقِقِ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي، وَ أَسَارِيرِ صَفْحِهِ
جَبِينِي، وَ حُزُقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَ خَذَارِيفِ مَارِنِ عَزِينِي وَ مَسَارِبِ سِتْمَاحِ سَمْعِي، وَ مَا ضَمَمْتُ وَ أَطْبَقْتُ عَلَيْهِ شَفَتَايَ، وَ حَرَكَاتِ
لَفْظِ لِسَانِي، وَ مَغْرَزِ حَنَكِكَ فَمِي وَ فَكِّي، وَ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي، وَ حِمَالِهِ أُمَّ رَأْسِي، وَ بُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ
عُنُقِي، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي، وَ حَمَائِلِ حَبْلِ وَ تِينِي وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَ أَفْلَازِ حَوَاشِي كِبْدِي، وَ مَا حَوَتْهُ شِرَاسِيفِ
أَضْلَاعِي، وَ حِقَاقِ مَفَاصِلِي، وَ قَبْضِ عَوَامِلِي وَ أَطْرَافِ أَنَامِلِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ عَصْبِي وَ قَصْبِي وَ عِظَامِي وَ
مُخِي وَ عُرُوقِي، وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي، وَ مَا انْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي وَ سُبُكُونِي، وَ
حَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ سُجُودِي أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ، لَوْ عَمِرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدِهِ مِنْ أَنْعَمِكَ، مَا
اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا

بِمَنِّكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَ ثَنَاءً اطَّارِفًا عَتِيدًا، أَجَلْ، وَ لَوْ حَرَضْتُ أَنَا وَ الْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ، أَنْ نُحْصِيَ مَدَى
إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَ آتِفِهِ، مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا وَ لَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا، هَيْهَاتَ أَنِّي ذَالِكَ وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَ النَّبِيُّ الصَّادِقِ وَ
إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَ إِنْبَاؤُكَ، وَ بَلَّغْتَ أَنْبِيَائَكَ وَ رُسُلَكَ، مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَ شَرَعْتَ
لَهُمْ وَ بِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَ جِدِّي، وَ مَنبَغِ طَاعَتِي وَ وَسْطِي، وَ أَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ
يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونُ مَوْرُوثًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَ لَا وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ فَيُزِفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ
فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ
حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَ سَلَّمَ.

سپس آن حضرت اصرار بیشتری در درخواست از ذات احدیت و دعا به سوی خداوند متعال نموده و در حالی که چشمهای
مبارک آن حضرت غرق در اشک بود این فراز را زمزمه می نمود: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَ أَسْرِعْ دُنِي بِتَقْوَاكَ، وَ
لَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ خِرْ لِي فِي قَضَائِكَ وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اللَّهُمَّ
اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَ الْإِحْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَ النُّورَ فِي بَصِيرِي، وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَ
اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي،

وَ انصُرْنِي عَلَى مَن ظَلَمَنِي، وَ ارْنِي فِيهِ شَارِي وَ مَيَّارِي، وَ اَقْرِبْ بَدَلِكَ عَيْنِي. اَللّٰهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي وَ اسْرِتْ عِيُورَتِي، وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَ اخْسِ اَشَيْطَانِي، وَ فُكِّ رِهَانِي، وَ اجْعَلْ لِي يَا اِلٰهِي الدَّرَجَةَ العُلْيَا فِي الآخِرَةِ وَ الْاُولَى، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا، وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي، وَ قَدْ كُنْتُ عَن خَلْقِي غِيْبًا، رَبِّ بِمَا بَرَّاتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا اَحْسَيْتَ اِلَيَّ وَ فِي نَفْسِي عَافِيَّتِي، رَبِّ بِمَا كَلَّاتَنِي وَ وَقَفَّتَنِي، رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَوْلَيْتَنِي وَ مَن كُتِبَ خَيْرٌ اَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اطْعَمْتَنِي وَ سَمَّيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَغْنَيْتَنِي وَ اَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَعَنْتَنِي وَ اَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَلْبَسَيْتَنِي مَن سَتَرَكَ الصِّافِي، وَ يَسَّرْتَ لِي مَن صُنِعَكَ الْكَافِي، صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ اعْنِي عَلَيَّ بَوَاقِي الدُّهُورِ وَ صُرُوفِ اللَّيَالِي وَ الْاَيَّامِ، وَ نَجِّنِي مَن اُهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الآخِرَةِ وَ اَكْفِنِي، وَ مَا اُحْدِرُ فِقْنِي، وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَاحْرُسْنِي، وَ فِي سِرِّي فَاحْفَظْنِي، وَ فِي اَهْلِي وَ مَالِي فَاخْلُفْنِي، وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَبارِكْ لِي، وَ فِي نَفْسِي فَهَدِّ لِي، وَ فِي اَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَ مَن شَرَّ الْجِنَّ وَ الْاِنْسِ فَسَلِّمْ لِي، وَ بِعَدُوِّي فَلا تَفْضَحْنِي، وَ بِسِرِّي فَلا تُخْرِجْنِي، وَ بِعَمَلِي فَلا تَبْتَلْنِي، وَ نِعْمَكَ فَلا تَسْلُبْنِي، وَ اِلَى غَيْرِكَ فَلا تَكِلْنِي، اِلٰهِي اِلَى مَن تَكِلْنِي، اِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، اَم اِلَى بَعِيدٍ فَيَبْجَهْمُنِي، اَم اِلَى الْمُسْتَضْعَفِيْنَ لِي، وَ اَنْتَ رَبِّي وَ مَلِيكُ اَمْرِي، اَشْكُو اِلَيْكَ غُرْبَتِي وَ بُعْدَ دَارِي، وَ هَوَانِي عَلَيَّ مَن مَلَكَتْهُ اَمْرِي. اِلٰهِي فَلا تُحِلِّ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَاِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلا اُبَالِي سِوَاكَ، سُبْحَانَكَ غَيْرَ اَنْ عَافَيْتَكَ اَوْسَعُ لِي، فَاسْئَلُكَ يَا

رَبِّ نُورٍ وَجْهَكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ بِهِ أُمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ تُمَيِّنَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا- تُنَزِّلْ بِي سَيْخَطَكَ، لِمَكَ الْعُتْبَى لِمَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبِيلَ ذَالِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي أَخْلَلْتَهُ الْبَرَكَهَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا. يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْعَغَ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ. يَا عِمْدَتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُتَتَجِبِينَ، وَ مُنَزَّلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَ مُنَزَّلَ كَهيعص وَ طه وَ يس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَ تَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا، وَ لَوْلَا- رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي وَ لَوْلَا- سِتْرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنُّصْرِ عَلَى أَعْيَادِي، وَ لَوْلَا- نَصْرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ. يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسَّمُومِ وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْرَهُ يَعْتَرُونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ الْمَيْدَلِّهِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَيِّطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمَنَةُ وَ الدُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا،

يا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَ جَاعِلَهُ بَعِيدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يا رَادَّهُ عَلَيَّ يَعْقُوبَ بَعِيدًا أَنْ ابْيَضَّتْ
عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْبَلْوَى عَنْ أَيُّوبَ، وَ يا مُمَسِّكَ يَدَيَّ إِبرْهِيمَ عَنْ ذَنْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَ فَنَاءِ عُمُرِهِ،
يا مِنْ اسْتِجَابِ لِرُكْرِيَا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَ لَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ
فَأَنجَاهُمْ، وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ، يا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيَّ رَحْمَتِهِ، يا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَيَّ مِنْ عَصَاهُ مِنْ
خَلْقِهِ، يا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَ قَدْ غَدَّوْا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَ قَدْ حَادَّوْهُ وَ نَادَّوْهُ وَ كَذَّبُوا
رُسُلَهُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا يَدَيَّ، يا بَدِيعًا لا نَدَّ لَكَ، يا دَائِمًا لا نَفَادَ لَكَ، يا حَيًّا حِينَ لا حَيَّ، يا مُحْيِي الْمَوْتَى، يا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَيَّ كُلِّ
نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَ عَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَ رَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَشْهَرْنِي يا مَنْ
حَفِظْنِي فِي صِعْرِى، يا مَنْ رَزَقْنِي فِي كِبَرِي، يا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لا تُحْصَى وَ نِعْمُهُ لا تُجَازَى، يا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَ الْإِحْسَانِ وَ
عَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَ الْعِصْيَانِ، يا مَنْ هَيَّدَانِي بِالْإِيْمَانِ مِنْ قَبِيلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيْمَتَانِ، يا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَ عَزِيانًا
فَكَسَانِي، وَ جَائِعًا فَأَشْبَعَنِي، وَ عَطْشَانًا فَأَرْوَانِي، وَ ذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَ جَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَ غَائِبًا فَوَدَّنِي، وَ مُقِلًّا فَأَغْنَانِي
وَ مُتَّصِرًا فَانْصَرَّنِي، وَ غَيْبًا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَ أَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَالِكَ فَابْتَدَأَنِي

فَلَمَكَ الْحَمِيدُ وَالشُّكْرُ. يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَنَفَسَ كُرْبَتِي وَ أَجَابَ دَعْوَتِي وَ سَتَرَ عَوْرَتِي وَ غَفَرَ ذُنُوبِي وَ بَلَغَنِي طَلِبَتِي وَ نَصَرَ رَنِي
عَلَى عَيْدُؤِي، وَ إِنِّ أَعْمَدُ نِعَمَكَ وَ مَنَّكَ وَ كَرَائِمَ مَنَحِكَ لَا أَحْصِيهَا. يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي
أَحْسَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ،
أَنْتَ الَّذِي أَعْزَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي
سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ، أَنْتَ
الَّذِي أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا،
وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفُزْهَا لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا
الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَيَّهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَ أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا
الَّذِي نَكَّثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَزْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ عِنْدِي، وَ أَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفُزْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تُضَرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ،
وَ هُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَ الْمُؤَفَّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي. إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَ
نَهَيْتَنِي فَأَرْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَاصْبِرْ بِيحْتِ لَا ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَاعْتَدِرْ وَ لَا ذَا قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ، أَسْمَعِي أُمِّ بَيْصَرِي أُمِّ
بِلْسَانِي أُمِّ بِيَدِي أُمِّ بَرَجَلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعَمَكَ عِنْدِي، وَ بِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ

وَ السَّبِيلَ عَلَيَّ، يَا مَرِيئُ سَيِّئَتِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَرْجُرُونِي، وَمَنْ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمَنْ السَّعْلَاطِينَ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَ لَوِ اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَ لَرَفَضُونِي وَ قَطَعُونِي، فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَاصِرٌ حَقِيرٌ لَا ذُوبَرَاءَهُ فَاعْتَدِرْ، وَ لَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، وَ لَا حُجَّةٍ فَاحْتِجِّ بِهَا، وَ لَا قَائِلٍ لَمْ أُجْتَرِحْ وَ لَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَ مَا عَسَى الْجُحُودُ وَ لَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي، كَيْفَ وَ أَنِّي ذَلِكَ، وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدَعِمْتُ، وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكِّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَ أَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَ عَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَ مِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَيَذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَ إِنْ تَعْفَ عَنِّي فَيَحْلِمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُتَسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَبِحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْأَوْلِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَ إِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوجِدًا، وَ إِقْرَارِي بِآلَائِكَ

مُعِدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أُحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوحِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشْفِ الضَّرِّ وَتَسْيِيبِ الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْيَدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصِي آوَاكَ وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآتَمَمَ عَلَيْنَا نِعَمَكَ، وَاسْتَعْدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُسْتَظِرَّ وَتَكْشِفُ الشُّوْءَ، وَتُغَيِّثُ الْمَكْرُوهَ وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ، وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ. يَا مُطْلَقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عَضِيْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطَنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْلَتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُوَلِّيَهَا، وَآلَاءٍ تُجَدِّدُهَا وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَتَّعَمِدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعْوَتُكَ فَأَجِبْنِي، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطِينِي، وَرَغِبْتُ

إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي، وَوَثَقْتَ بِكَ فَجَجَّيْتَنِي، وَفَرَعْتَ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَ عَلَى آلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَ تَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ، وَ هِنَانَا عَطَائِكَ، وَ اكْتِبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَ لِآلَائِكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ
العَالَمِينَ. اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ، وَ قَدَرَ فَقَهَرَ، وَ عَصَى فَسْتَرَ، وَ اسْتُغْفَرَ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ وَ مُتْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا
مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَ وَسَّعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَافَهُ وَ رَحِمَهُ وَ حَلَمًا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا
بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السِّرَاجِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى
الْمُسْلِمِينَ، وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِتَذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمٌ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ
عَلَى آلِهِ الْمُتَتَجِبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَ تَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي
هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ نُورٍ تَهْدِي بِهِ وَ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَ بَرَكَهٍ تُنْزِلُهَا وَ عَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ،
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَ لَا تُخَلِّنَا مِنْ رَحْمَتِكَ،
وَ لَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَ لَا لِفَضْلِ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ، وَ لَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَ
لَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَأَعِنَا عَلَى
مَنَاسِكِنَا، وَ أَكْمِلْ لَنَا حَاجَتَنَا وَ اعْفُ عَنَّا وَ عَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا فَهِيَ بِذَلِكَ الْإِعْتِرَافِ

مَوْسُومَهُ. اللَّهُمَّ فَأَعْظِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيِّهِ مَا سَيَلْنَاكَ، وَاكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذٌ فِينَا حُكْمِيكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمِيكَ، عَيْدٌ فِينَا قَضَائِيكَ، إِفْضِلْ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ وَ كَرِيمَ الدُّخْرِ وَ دَوَامَ الْيُسْرِ، وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَ لَا تُصِرِّفْ عَنَّا رَأْفَتِيكَ وَ رَحْمَتِيكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَيَلَّكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَ شَكَرَكَ فَرِذَّتَهُ، وَ ثَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ وَ نَقْنَا وَ سَدِّدْنَا وَ أَعْصَمْنَا، وَ اقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِعْمَاضُ الْجُفُونِ، وَ لَا لِحِظُ الْعُيُونِ، وَ لَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَ لَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضَمَّرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلَّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَ وَسَّعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ وَ مَنْ فِيهِنَّ، وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْحَيْدِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ، وَ الْأَيْدِي الْجِسَامِ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ عَافِنِي فِي بَدَنِي وَ دِينِي، وَ آمِنْ خَوْفِي وَ أَعِيقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَ اذْرُءْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ.

سپس آن حضرت دستهای مبارک خود را در حالی که اشک از دیدگان مبارکشان مانند چشمه جاری بود این چنین با خدای خود راز و نیاز می کردند:

يَا سَمِعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ، وَ
أَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيتَنيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، أَسْئَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ
النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ياربِّ.....

راوی می گوید که آن حضرت عبارت ((یا رَبِّ)) را مکرراً زمزمه می فرمودند تا اینکه جمع زیادی گرداگرد آن حضرت
اجتماع نموده و با صدای بلند و اشک ریزان همراه با آن حضرت به درگاه خداوند متعال تضرع و زاری می کردند تا آفتاب
غروب کرد و مردم همراه با آن حضرت پراکنده شدند.

و این فرازهای دعای پرمعنای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در روز عرفه بر طبق آن چیزی است که مرحوم کفعمی و
مرحوم علامه مجلسی در کتاب زاد المعاد بیان فرمودند لیکن مرحوم سیدبن طاووس بعد از عبارت ((یاربِّ)) فرازهای ذیل را
هم بر این دعا افزوده اند: إلهي أنا الفقيرُ في غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي إلهي أنا الجاهلُ في عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ
جَهُولًا فِي جَهْلِي، إلهي إِنْ اِخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَ شِرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ الشُّكُوفِ إِلَى عَطَاءٍ وَ الْيَأْسِ
مِنْكَ فِي بَلَاءٍ، إلهي مَنِي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَ مِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ، إلهي وَصَيْفَتْ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَ الرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي،
أَفْتَمَنَعْنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي، إلهي إِنْ ظَهَرَتِ الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ وَ لِمَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَ إِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنِّي
فَبِعَدْلِكَ وَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ، إلهي كَيْفَ تَكَلَّنِي وَ

قَدْ تَكَفَّلْتَ لِي، وَ كَيْفَ أَضَامُ وَ أَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أُخَيِّبُ وَ أَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَ كَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَ هُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أُتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَ هُوَ مِنْكَ بَرَزُ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ آمَالِي وَ هِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحَسِّنُ أَحْوَالِي وَ بِكَ قَامَتْ، إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَ مَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي، إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَ أَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَ مَا أَرْأَفَكَ بِي، فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ. إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْآثَارِ وَ تَنَقُّلِ الْأَطْوَارِ، أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ. إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَفَنِي كَرْمُكَ، وَ كُلَّمَا آيَسَّنِي أَوْصَافِي أَطْمَعُنِي مِنْكَ، إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي، وَ مَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمَكَ النَّافِذُ وَ مَشِيئَتَكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكَا لِتَذِي مَقَالٍ مَقَالًا وَ لَا لِتَذِي حَالٍ حَالًا، إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا، وَ حَالَةٍ شَيَّدْتُهَا، هَيَّدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَيْدُكَ، بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ، إِلَهِي إِنِّي تَعَلَّمْتُ أَنِّي وَ إِنْ لَمْ تَدْمِ الطَّاعَةُ مِنِّي فِعْلًا جُزْمًا، فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَ عَزْمًا. إِلَهِي كَيْفَ أُعْزِمُ وَ أَنْتَ الْقَاهِرُ، وَ كَيْفَ لَا أُعْزِمُ وَ أَنْتَ الْأَمْرُ، إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْآثَارِ يُوجِبُ بُعِيدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَتِهِ تَوْصِيئِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسَدِّدُ عَلَيَّكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَ مَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْآثَارُ هِيَ

الَّتِي تُوَصِّلُ إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا، وَ خَسِرَتْ صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا، إلهي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى
الْأَثَارِ فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكَسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَ هِدَايَةِ الْإِسْتِیْبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُونٌ السِّرِّ عَنِ النَّظْرِ
إِلَيْهَا، وَ مَرْفُوعٌ الْهَمِّ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّمَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إلهي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ هَذَا حَالِي لَا يَخْفَى
عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَ بِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَ أَقْمِنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ. إلهي
عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ وَ صُرِّئْتُ بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ. إلهي حَقَّقَنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَ اسْمَلِكْ بِي مَسَلِكَ أَهْلِ الْجَذْبِ. إلهي
أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَمَّنْ تَدْبِيرِي، وَ بِاخْتِيَارِكَ عَمَّنْ اخْتِيَارِي، وَ أَوْقِنِي عَلَى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي. إلهي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَ
طَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَ شَرِّكَ قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَانْصُرْنِي، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي، وَ إِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَ فِي
فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي وَ بِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَ بِبَابِكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِي. إلهي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عَلَيْهِ
مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عَلَيْهِ مِنِّي، إلهي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِجَدَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النِّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي. إلهي إِنَّ الْقَضَاءَ
وَ الْقَدَرَ يَمْنِنِي، وَ إِنَّ الْهَوَى بَوَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَ تُبَصِّرَنِي، وَ أَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعْنِي
بِكَ عَنْ طَلْبِي، أَنْتَ الَّذِي أَسْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَ وَحَدُّوكَ، أَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ
أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ وَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ
اسْتَبَانَتْ لَهُمُ الْمَعَالِمُ مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ، وَ مَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ

وَجَدَّكَ. لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَ لَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مَتَحَوَّلًا، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَ أَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَ كَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَ أَنْتَ مَا يَدُلُّتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ أَذَاقَ أَحْيَائِهِ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ، وَ أَنْتَ الْيَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَ أَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ الطَّالِبِينَ، وَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرَضِينَ. إِلَهِي أَطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذِبْنِي بِمَنِّكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ. إِلَهِي إِنْ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَ إِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَ إِنْ أَطَعْتُكَ، فَصَدَدْتَنِي الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ، وَ قَدْ أُوْدَعْنِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ. إِلَهِي كَيْفَ أَحِبُّ وَ أَنْتَ أَمَلِي، وَ كَيْفَ أَهَانُ وَ عَلَيْكَ مُنْكَلِي، إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَ فِي الدَّلَالَةِ أُرْكَزُنِي، أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَ إِلَيْكَ نَسَيْتُنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُّ وَ أَنْتَ الْأَتَدِي فِي الْفُقْرَاءِ أَقْمَتُنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُّ وَ أَنْتَ الْأَتَدِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتُنِي، وَ أَنْتَ الْأَتَدِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، تَعَرَّفْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جِهَلَكُ شَيْءٌ، وَ أَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتُ إِلَيْهِ فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَارَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ. يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ، فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتْ الْأَثَارَ بِالْأَثَارِ، وَ مَحَوَّتْ الْأَعْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ. يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سِرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ، كَيْفَ تَخْفَى وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَ أَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.

و باید دانست که این روز در بین روزهای سال از ویژگی خاصی برای دعا و انابه برخوردار است و خصوصاً خواندن دعای مشهور عرفه

که بیان شد و دیگر ادعیه ای که در این خصوص وارد شده از جمله دعای امام سجّاد علیه السلام که ان شاء الله بیان می شود از این جهت که از دو لب مبارک معصومین علیهم السلام که دلدادگان واقعی به ذات اقدس احدیت هستند، قطعاً تأثیر فوق العاده ای در تقرّب انسان به خداوند متعال و خودسازی و کسب مراتب عالیّه انسانیت و تقوی دارد اگرچه هر نوع زمزمه ای در هر زمان و مکان با خالق متعال، خود طریقی برای پاکسازی روح و جسم آدمی از منجلاّب گناه و آلودگی است. امید است شما حاجی عزیز که توفیق وقوف در صحرای عرفات را یافته اید، حاجات ملتمسین به دعا و بالاخص تعجیل در فرج یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی ارواحنا له الفداء، خصوصاً در فضای مآمال از انفاس قدسی آن حضرت، را در نظر گرفته و با حج مقبول و سعی مشکور، صحیحاً و سالمّاً به وطن و آغوش گرم خانواده بازگردید ان شاء الله تعالی.

دعای امام سجّاد علیه السلام در روز عرفه

و نیز از امام سجّاد علیه اسلام در روز عرفه دعای معروفی ذکر شده که مضامین عالی و زمزمه حزینی از ناحیه یک انسان خاشع و خاضع در برابر عظمت الهی است که خواندن آن پس از خواندن دعای عرفه امام حسین علیه السلام، حالات معنوی را به مراتب افزونتر نموده، قلب انسان را خاشع تر و خاضع تر می نماید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ رَبِّ الْأَرْبَابِ وَإِلَهُ كُلِّ مَلْأُوهُ وَ خَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ وَ وَاوْرَثِ كُلِّ شَيْءٍ. لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ لَا يُعْرَبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ وَ هُوَ بِكُلِّ

شَيْءٍ مُّحِيطٌ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبٌ. أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحِيدُ الْمُتَوَكِّلُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ
الْمُتَكَرِّمُ الْعَظِيمُ الْمُتَعَزِّمُ الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْمُتَعَالَى الشَّدِيدُ الْمِحَالُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ
وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجِيدِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمِيدِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سَبْحٍ وَ
صَوْرَتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ وَابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِدَاءٍ. أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا وَبَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا وَ
دَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا. أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ وَلَمْ يُوَارِزَكَ فِي أَمْرِكَ وَزَيْرٌ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا
نَظِيرٌ. أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ وَحَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ. أَنْتَ الَّذِي
لَا يُحِبُّكَ مَكَانٌ وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ وَلَمْ يُعِيكَ بُرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ. أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ
أَمِدًا وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا. أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ الْأَوْهَامَ عَنِ ذَاتِيَّتِكَ وَعَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنِ كَيْفِيَّتِكَ وَلَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ
مَوْضِعَ أَيْتِيَّتِكَ. أَنْتَ الَّذِي لَا تُتَحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا وَلَمْ

تَمَّيْلُ فَتَكُونَ مُؤْجُوداً وَ لَمْ تَدِدْ فَتَكُونَ مُؤَلُوداً. أَنْتِ الَّتِي لَا ضِدَّ مَعَيْكَ فَيُعَاذُكَ وَلَا عَدْلَ لَكَ فَيُكَاثِرُكَ وَلَا نِدَّ لَكَ
فَيُعَارِضُكَ. أَنْتِ الَّتِي ابْتَدَأْتَ وَ اخْتَرَعْتَ وَ اسْتَبَدَّتِ وَ ابْتَدَعْتَ وَ أَحْسَنْتِ صُنْعَ مَا صَنَعَ سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَ شَأْنِكَ وَ أَسْنَى فِي الْأَمَاكِينِ
مَكَانِكَ وَ أَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانِكَ. سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفِ مَا أَلْطَفَكَ وَ رَوْفِ مَا أَرْأَفَكَ وَ حَكِيمِ مَا أَعْرَفَكَ. سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكِ مَا
أَمْنَعَكَ وَ جَوَادِ مَا أَوْسَعَكَ وَ رَفِيعِ مَا أَرْفَعَكَ. ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَجْدِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْحَمْدِ. سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ وَ عَرَفْتَ
الْهُدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ فَمَنْ التَّمَسَّكَ بِدِينِ أَوْ دُنْيَا وَ حَادَكَ. سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ
عَزِّكَ وَ انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلَّ خَلْقِكَ. سُبْحَانَكَ لَا تُحَسُّ وَ لَا تُجَسُّ وَ لَا تُمَسُّ وَ لَا تُكَادُ وَ لَا تُمَاطُ وَ لَا تُنَازَعُ وَ لَا تُجَارَى وَ لَا
تُجَارَى وَ لَا تُخَادَعُ وَ لَا تُمَازَرُ. سُبْحَانَكَ سَبِيلَكَ جَدِّدٌ وَ أَمْرُكَ رَشِدٌ وَ أَنْتِ حَيٌّ صَيِّمٌ. سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حَكْمٌ وَ قَضَاؤُكَ حُكْمٌ
وَ إِرَادَتُكَ عَزْمٌ. سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِكَ وَ لَا مُدِيلَ لِكَلِمَاتِكَ. سُبْحَانَكَ بَاهِرَ آيَاتِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ بَارِيِ النَّسَمَاتِ لَكَ
الْحَمْدُ حَمِيداً يَدُومُ بِدَوَامِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمِيداً خَالِداً بِنِعْمَتِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمِيداً يُوَازِي صُنْعَكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمِيداً يَزِيدُ
عَلَى رِضَاكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمِيداً مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ وَ شُكْرًا يَقْضُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ، حَمْدًا لَا يَبْغِي إِلَّا لَكَ وَ لَا يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا
إِلَيْكَ، حَمْدًا يُسَبِّحُ بِهَ الْأَوَّلُ وَ يُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامَ الْآخِرِ، حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمَنِهِ وَ يَتَرَايِدُ أضعافاً مُتْرَادِفَةً، حَمْدًا تَعْجُزُ
عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفْظُهُ وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي

كِتَابِكَ الْكُتُبُ، حَمِيداً يُوَازِنُ عَزْشَكَ الْمَجِيدَ وَيُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّفِيعَ، حَمِيداً يَكْمُلُ لِمَدِيكَ ثَوَابُهُ وَيَسُدُّ تَغْرِيقَ كُلِّ جِزَاءٍ جِزَاؤُهُ، حَمِيداً ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ لِحَدِيقِ النَّبِيِّ، حَمِيداً لَمْ يَحْمِدْكَ خَلْقٌ مِثْلُهُ وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ، حَمِيداً يُعَانُ مَنْ اجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدِهِ وَيُؤَيِّدُ مَنْ أَعْرَقَ نَزْعاً فِي تَوْفِيقِهِ، حَمِيداً يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمِيدِ وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدِ، حَمِيداً لَا حَمِيدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ وَلَا أَحْمَدُ مِمَّنْ يَحْمِدُكَ بِهِ، حَمِيداً يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ وَتَصَلُّهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوَّالاً مِنْكَ، حَمِيداً يَجِبُ لِكْرَمِ وَجْهِكَ وَيُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ الْمُضِيَّطْفَى الْمُكْرَمِ الْمُقْرَبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أتمَّ بَرَكَاتِكَ وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أمتنعَ رَحْمَاتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَزْكَى مِنْهَا وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَنْمَى مِنْهَا وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صِلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ وَصَلِّ عَلَيْهِ صِلَاةً تُرْضِيكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَصَلِّ عَلَيْهِ صِلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلاً. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صِلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ وَيَتَّصِلُ بِبِقَائِكَ وَلَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صِلَاةً تَنْتَظِمُ صِلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ وَتَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جِنِّكَ وَإِنْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ وَتَجْتَمِعُ عَلَى صِلَاةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ

مُسْتَأْنَفِهِ، وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً مَرَضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ وَ تُشِيءُ مَعَ ذَالِكَ صَلَاةً تُضَاعِفُهُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا وَ تَزِيدُهَا عَلَى مُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفِ لَا يَعِيدُهَا غَيْرُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ وَ حَفْظَةَ دِينِكَ وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ وَ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَ الْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ وَ تُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ تُوفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحِطَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوْلِيهَا وَ لَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا وَ لَا نِهَائِيَةَ لِأَجْرِهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَ مَادُونَهُ وَ مِلْأَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ وَ عَدَدَ أَرْضِيكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى وَ تَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى وَ مُتَّصِلَةً بِنِظَائِرِهِنَّ أَبَداً. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْماً لِعِبَادِكَ وَ مَنَاراً فِي بِلَادِكَ بَعِيداً أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ وَ جَعَلْتَهُ الدَّرِيْعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ وَ الْأَيْتِقَادِ مِمَّا تَقَدَّمَ وَ لَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عِصْمَةٌ لِللَّائِذِينَ وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيِّكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ وَ آتِهِ مِنْ لَمَدُنِكَ سُلْطَاناً نَصِيراً وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ أَعِنُّهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ وَ اشْدُدْ أَرْزُهُ وَ قَوِّ عِضْدَهُ وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ وَ أَحْمِهِ بِحِفْظِكَ وَ

انصُرُهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَامْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ وَاقُمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
 وَ أَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ وَ أَجِلْ بِهِ صَدَاءَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ وَ أَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ وَ أزلْ بِهِ النَّاكِبِينَ
 عَنْ صِرَاطِكَ وَ امْحَقْ بِهِ بُغَاءَ قُصْدِكَ عَوْجًا وَ أَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ وَ هَبْ لَنَا رَافَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطَّفَهُ وَ
 تَحَنُّنَهُ وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ وَ إِلَى نُصَيْرَتِهِ وَ الْمِدَافِعِهِ عَنْهُ مُكِنِّفِينَ وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ
 اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِسَدَائِكَ مُتَقَرِّبِينَ. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ،
 الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ
 الْمَادِينَ إِلَيْهِمْ أُعْيِنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّكَايَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ، وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَاجْمَعْ عَلَى
 التَّقْوَى أَمْرَهُمْ وَ اضْلِحْ لَهُمْ سُؤُونَهِمْ وَ تُبِّ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَ اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ، يَوْمُ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ وَ مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ وَ
 أَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِنَاءً، فَجَعَلْتَهُ
 مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ وَ وَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ وَ عَصَيْتَهُ بِحِيلِكَ وَ أَدْخَلْتَهُ فِي حَزْبِكَ وَ أَرشَدْتَهُ لِمُوَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ وَ مُعَادَاهِ أَعْدَائِكَ ثُمَّ
 أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ وَ زَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ لَا مُعَانَدَةَ لَكَ وَ لَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ، بَلْ دَعَا

هَوَاهُ

إلى ما زيلته و إلى ما حذرتة و أعانه على ذلك عدوك و عدوه فأقدم عليه عارفاً بوعيدك راجياً لعفوك واثقاً بتجاوزك و كان
أحق عبادك مع ما مننت عليه ألا يفعل و ها أنا ذا بين يديك صاعراً ذليلاً خاضعاً خائفاً مُعترفاً بعظيم من الذنوب تحمّلته
و جليل من الخطايا اجتزمته مسدّجاً بصبرك فحك لائداً برحمتك موقناً أنه لا يجيرني منك مجير و لا يمنعني منك مانع، فعد عليّ
بما تعود به عليّ مین اقترف من تغمديك و جرد عليّ بما تجود به عليّ من ألقى بيده إليّك من عفوك و امنن عليّ بما لا
يتعاطميك أن تمنن به عليّ من أملاكك من غفرانك و اجعل لي في هذا اليوم نصيباً أناً به حظاً من رضوانك و لا تردني صيفراً
مما ينقلب به المتعديون لك من عبادك و إني و إن لم أقدم ما قدموه من الصالحات فقد قدمت توحيدك و نفى الأضداد و
الأنداد و الأشباه عنك و أتيتك من الأبواب التي أمرت أن تؤتى منها و تقربت إليك بما لا يقرب أحد منك إلا بالتقرب به ثم
أتعت ذلك بالإنابة إليك و التذلل و الإستهكانه لك و حسن الظن بك و الثقة بما عندك و شفّعته برجائك الذي قل ما يخيب
عليه راجيك و سألتك مسأله الحقيير الذليل البائس الفقير الخائف المسدّج و مع ذالك خيفه و تضرعاً و تعوّذاً و تلوّذاً لا
مسدّجاً بتكبر المتكبرين و لا متعالياً بجداله المطيعين و لا مسدّجاً بشفاعه الشافعين و أنا بعيد أقل الأقلين و أذل الأذلين و مثل
الذره أو دونها، فيا من لم يعاجل المسيين و لا يندّه المترفين و يا من يمن بإقاله العاثرين و يتفضل بأنظار الخاطئين،

أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ، أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِئًا، أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا، أَنَا الَّذِي اسْتَخْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَ
بَارَزَكَ، أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمِنَكَ، أَنَا الَّذِي لَمْ يَزْهَبْ سِطْوَتَكَ وَ لَمْ يَخَفْ بَأْسَكَ، أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ، أَنَا الْمُرْتَهِنُ
بِبَلِيَّتِهِ، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ، أَنَا الطَّوِيلُ الْعِنَاءِ بِحَقِّ مَنْ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَ
مَنْ اجْتَبَيْتَ لِشَانِكَ وَ بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ وَ مَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ وَ بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مَوَالِيَتَهُ بِمَوَالِيَتِكَ وَ
مَنْ نُطِتَ مُعَادَاتُهُ بِمُعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُنْصِيًّا وَ عَاذَ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا وَ تَوَلَّيْنِي بِمَا
تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ الزُّلْفَى لَدَيْكَ وَ الْمَكَانَةَ مِنْكَ وَ تَوَحَّحْتَنِي بِمَا تَتَوَحَّحُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ وَ أَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ وَ
أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ وَ تَعِدِّي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ وَ مُجَاوِزِهِ أَحْكَامِكَ وَ لَا تَسِدْ تَدْرِجِنِي
بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرَكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي وَ تَبَهَّنِي مِنْ رَقْدِهِ الْغَافِلِينَ وَ سِنَنِهِ الْمُسْرِفِينَ وَ
نَعْسِهِ الْمَخْذُولِينَ وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِينَ وَ اسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ وَ أَعِزَّنِي مِمَّا
يُبَاعِدُنِي عَنْكَ وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ وَ يَصُدُّنِي عَمَّا أُحَاوِلُ لَدَيْكَ وَ سَهِّلْ لِي مَسِيلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ وَ الْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا
مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ وَ الْمَشَاحَةَ فِيهَا عَلَيَّ مَا أَرَدْتَ وَ لَا تَمَحِّقْنِي فِيمَنْ تَمَحَّقُ مِنَ الْمُسِيءِ تَخْفِينًا بِمَا أَوْعَدْتَ وَ لَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ
مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ وَ لَا تُتَبِّرْنِي فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنِّي

سُبُلِكَ وَ نَجِّنِي مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ وَ خَلِّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبُلُوِي وَ أَجْزِنِي مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ وَ حُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَيْدٍ يُضَيِّعُنِي وَ هَوِيَّ
يُوبِقُنِي وَ مَنْقَصِهِ تَرْهَقُنِي، وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تُرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ، وَ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُنُوطُ
مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَمْنَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَطُنِي مِمَّا تُحْمِلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ وَ لَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِرْسَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ وَ
لَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ وَ لَا إِنْابَةَ لَهُ وَ لَا تَرْوِمْ بِي رَمْيَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ وَ مَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ
سَقَطِهِ الْمُتَرَدِّينَ وَ وَهَلْهُ الْمُتَعَسِّفِينَ وَ زَلَّهُ الْمَغْرُورِينَ وَ وَرْطَهُ الْهَالِكِينَ وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَيْدِكَ وَ إِمَائِكَ وَ بَلِّغْنِي
مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ رَضِيَتْ عَنْهُ فَأَعَشْتَهُ حَمِيداً وَ تَوَفَّيْتَهُ سَعِيداً وَ طَوَّقْنِي طَوَّقَ الْأَقْلَاعِ عَمَّا يُحِبُّطُ الْحَسَنَاتِ وَ يَذْهَبُ
بِالْبَرَكَاتِ وَ أَشْعِرْ قَلْبِي الْإِرْدَجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ وَ فَوَاضِحِ الْحَوَابِ وَ لَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي
غَيْرُهُ وَ أَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دِينِي تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ وَ تُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ وَ زَيْنُ لِي التَّفَرُّدِ
بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ وَ تَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ وَ تَفَكِّكُنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ وَ هَبْ
لِي التَّطْهِيرَ مِنْ دَنْسِ الْعِصِيَّانِ وَ أَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا وَ سِرْبِلْنِي بِسِرْبَالِ عَافِيَتِكَ وَ رَدِّنِي رِدَاءَ مُعَافَاةِكَ وَ جَلِّلْنِي سِيَوَاعِ
نِعْمَائِكَ وَ ظَاهِرْ لَدَيَّ فَضْلَكَ وَ طَوْلَكَ وَ أَيِّدْنِي بِتَوْفِيقِكَ وَ تَشْدِيدِكَ وَ أَعْنِي عَلَى صَالِحِ النَّيِّهِ

وَمَرْضَى الْقَوْلِ وَمُسِيَّتْ حَسَنِ الْعَمَلِ وَلَا تَكْلُنِي إِلَى حِرْزِي وَقَوْتِي دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِمِكَ وَ
لَا تَقْضِ عُنِي بَيْنَ يَدَيَّ أَوْلِيَائِكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ
لَا لِاتِّبِكَ وَأَوْزِعْنِي أَنْ أُتْبِيَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ وَأَعْتَرِفْ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ وَحَمِيْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ
حَمِيْدِ الْحَامِدِينَ وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيْكَ وَلَا تَجْبِهْنِي بِمَا جَبِهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ فَإِنِّي لَكَ
مُسَلِّمٌ أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ وَأَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ وَأَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَأَنَّكَ بِأَنْ تَعْفُو أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ
تُعَاقِبَ وَأَنَّكَ بِأَنْ تَشْتَرِ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَى أَنْ تَشَهَّرَ فَأَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ وَتَبْلُغُ بِي مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ وَ
لَا أُرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ وَأَمْتَنِي مَيْتَةً مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ وَضَعْ عُنِي إِذَا
خَلَوْتُ بِكَ وَارْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ وَأَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ عَنِّي وَعَنْ يَدِي وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا وَأَعِزَّنِي مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ وَمِنْ حُلُولِ
الْبَلَاءِ وَمِنَ الذُّلِّ وَالْعَنَاءِ. تَعَمَّمْ دُنِي فِيمَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَّعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْلَا حِلْمُهُ وَالْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْلَا
أَنَاتُهُ وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءَ فَجَعْنِي مِنْهَا لَوْذَا بِحُكْمِكَ وَإِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحِهِ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ وَ
اشْفَعْ لِي أَوَائِلَ مِنْكَ بِأَوَاخِرِهَا وَقَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا وَلَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي وَ

لَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي وَلَا تَسِدْنِي خَسِيسَةً يَضْغُرُ لَهَا قَدْرِي وَلَا نَقِیْصَهُ يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي وَلَا تَرْعُنِي رَوْعَهُ أُبْلِسُ
بِهَا وَلَا خِيفَهُ أُوجِسُ دُونَهَا، اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ وَحَذْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْذَارِكَ وَرَهْبَتِي عِنْدَ تَلَاوِهِ آيَاتِكَ وَاعْمُرْ لِيْلِي
بِإِقْطَاعِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَتَفَرُّدِي بِاللَّهْجِ بِكَ وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ وَإِنْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي
مِنْ نَارِكَ وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِهَا وَلَا فِي غَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَّهُ
لِمَنْ أَعْظُ وَلَا نِكَالًا لِمَنْ اِعْتَبَرَ وَلَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ وَلَا تَمَكُّرًا بِي فِيمَنْ تَمَكَّرَ بِهِ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي وَلَا تُغَيِّرْ لِي إِسْمًا وَلَا تُبَدِّلْ لِي
جِسْمًا وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُورًا لِخَلْقِكَ وَلَا سِيْخْرِيًّا لَكَ وَلَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ وَلَا مُمْتَهِنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ وَأَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَ
حِلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَرَوْحَكَ وَرِيحَاتِكَ وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ وَأَذْفَنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسِعَةِ مِنْ سِعَتِكَ وَالْإِجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلْفُ
لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ وَأُنْحِفْنِي بِتُحْفِهِ مِنْ تُحْفَاتِكَ وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً وَكَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ وَأَخْفِنِي مَقَامَكَ وَشَوْقِي لِقَاءَكَ وَ
تُبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا ضَعِيفَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا تَذَرْ مَعَهَا عِلَاقِيَّ وَلَا سِرِيرَةً وَأَنْزِعِ الْغُلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ وَ
اعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ وَحَلِّنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ وَذِكْرًا
نَامِيًا فِي الْآخِرِينَ وَوَافٍ بِي عَرَضَةَ الْأَوَّلِينَ وَتَمِّمِ سُبُوحَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَظَاهِرَ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ

وَ اَمَلًا مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي وَ سَقِّ كَرَامَتِمْ مَوَاهِبِكَ اِلَيَّ وَ جَاوِزِ بِي الْاَطْيَبِينَ مِنْ اَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِاَصِيْفِيَّائِكَ وَ جَلَّلْنِي
شَرَائِفَ نَحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمَعْدَّةِ لِجَبَائِكَ وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا اَوْى اِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا وَ مَثَابَةً اَتَّبُوْهَا وَ اَقْرُبْ عَيْنًا وَ لَا تَقَابِسْنِي
بِعَظِيْمَاتِ الْجَرَائِرِ وَ لَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ وَ اَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ وَ اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيْقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ وَ اَجْزِلْ
لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوْظَ الْاِحْسَانِ مِنْ اِفْضَالِكَ وَ اجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ وَ هَمِي مُسْتَفْرَعًا لِمَا هُوَ
لَكَ وَ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسْتَعْمَلُ بِهِ خَالِصَتَكَ وَ اَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُوْلِ الْعُقُوْلِ طَاعَتِكَ وَ اجْمَعْ لِي الْغِنَى وَ الْعَفَافَ وَ الدَّعَاةَ وَ
الْمُعَافَاةَ وَ الصِّحَّةَ وَ السَّعَةَ وَ الطَّمَأْنِيْنَةَ وَ الْعَافِيَةَ وَ لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوْبُهَا مِنْ مَعْصِيَّتِكَ وَ لَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ
فِتْنَتِكَ وَ لَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ وَ صُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ اِلَى اَحْيِدٍ مِنَ الْعَالَمِيْنَ وَ ذُبْنِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ
الْفَاسِقِيْنَ وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِيْنَ ظَهِيْرًا وَ لَا لِهَمٍّ عَلَيَّ مَحُوْ كِتَابِكَ يَدًا وَ نَصِيْرًا وَ حُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا اَعْلَمُ حِيَاطَةً تُقَيِّنِي بِهَا وَ افْتَحْ
لِي اَبْوَابَ تَوْيِّبِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ رَافِقِكَ الْوَاسِعِ اِنِّي اِلَيْكَ مِنَ الرَّاْغِبِيْنَ وَ اَتُّمِّمُ لِي اِنْعَامَكَ اِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعَمِيْنَ وَ اجْعَلْ
بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَيِّجِّ وَ الْعُمْرَةِ اِيْتِغَاءً وَجْهَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ. وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ
عَلَيْهِمْ اَبَدًا اَبَدِيْنَ.

دعای کمیل بن زیاد رحمہ اللہ علیہ

کہ دعای حضرت خضر بودہ و حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام آنرا بہ کمیل بن زیاد اسدی

که یکی از اصحاب خاص آن حضرت بوده است تعلیم فرمودند و خواندن آنرا در شب نیمه شعبان و شبهای جمعه به وی توصیه کردند که دارای مضامین عالی در مناجات با پروردگار متعال است: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ خَضَعَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ ذَلَّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَ بِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ بِعِلْمِكَ الَّتِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّقَمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ الدَّعَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ كُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدِينَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَ أَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَ أَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ، أَنْ تُسَامِحَنِي وَ تَرْحَمَنِي وَ تَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا، وَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا، اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَ عَظَّمَ فِيهَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ، اللَّهُمَّ عَظَّمْ سُلْطَانَكَ وَ عَلَا مَكَانَكَ وَ خَفِي مَكْرَكَ وَ ظَهَرَ أَمْرَكَ، وَ غَلَبَ قَهْرَكَ، وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَ لَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكْمَتِكَ.

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِتُدُنُوبِي غَافِرًا، وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأتُ بِجَهْلِي، وَسَيِّئْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنْكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِشَارٍ وَفَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ، اللَّهُمَّ عَظُمَ بِلَايِي، وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي، وَقَصِيرَتُ بِي أَعْمَالِي، وَقَعِيدَتُ بِي أَغْلَالِي، وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعِيدُ أَمَلِي، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُوبِهَا، وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي، فَأَسئَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي، وَلَا تَنْفُضَ حَنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَاوَاتِي مِنْ سُوءٍ فَعَلِي وَإِسَائَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي، وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا. إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسئَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي، وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي، إِلَهِي وَمَوْلَايَ أُجْرِيْتُ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي، وَلَمْ أَحْتَرَسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَاسئَلُهُ عَلَى ذَلِكَ الْقَضَاءِ، فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ، فَلَمَكَ الْحَمِيدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكِ، وَلَا حُجَّةَ لِي فِيهَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قِضَاؤُكَ، وَالزَّمَنِي حُكْمِيكَ وَبِلَاؤُكَ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي، مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَعْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا

كَانَ مِنِّي، وَلَا مَفْزَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي، غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي، وَإِذْ خَالَكَ إِنْيَا فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي، وَارْحَمْ
شِدَّةَ ضُرِّي، وَفُكِّنِي مِنْ شِدِّ وَثَاقِي، يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي وَتَرْبِيَّتِي وَ
بِرِّي وَتَغْذِيَّتِي، هَبْنِي لِإِتِّدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا
انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَلَهِيَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا
لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّتِهِ، أَوْ تُبَعِّدَ مِنْ أَدْنِيَّتِهِ، أَوْ تُشَرِّدَ مِنْ آوِيَّتِهِ، وَ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مِنْ كَفَيْتِهِ وَ
رَحْمَتِهِ، وَ لَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَ إِلَهِي وَ مَوْلَايَ، أَتَسَلِّطُ النَّارَ عَلَى وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَ عَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ
صَادِقَةً، وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً، وَ عَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً، وَ عَلَى ضَمَائِرٍ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَ
عَلَى جَوَارِحٍ سَبَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً، وَ أَشَارَتْ بِإِسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَ لَا أُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا
كَرِيمُ يَا رَبِّ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا، وَ مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ
مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنُهُ يَسِيرٌ بَقَائُهُ، قَاصِرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ اخْتِمَالِي لِإِلَاءِ الْآخِرَةِ، وَ جَلِيلٌ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَ
يَدُومُ مَقَامُهُ، وَ لَا يُخَفِّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يُكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَ انْتِقَامِكَ وَ سَخَطِكَ، وَ هَذَا مَا

لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ، يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي وَ أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ. يَا إِلَهِي وَ رَبِّي وَ
سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَ لِمَا، مِنْهَا أَضْحَجُ وَ أَبْكِي لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَ شِدَّتِهِ أَمْ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَ مُدَّتِهِ، فَلَيْنُ صَبَّرْتَنِي
لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ، وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بِلَادِكَ، وَ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ
مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ، وَ هَبْنِي يَا إِلَهِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى
كَرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَ رَجَائِي عَفْوِكَ، فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا لَيْنَ تَرَكَتَنِي نَاطِقًا، لِأَضْحَجَ إِلَيْكَ
بَيْنَ أَهْلِهَا ضَعْفِ الْجَمَلِ، وَ لِأَضْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَضْرَحِينَ، وَ لِأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ وَ لِأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ
الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَ
بِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَ ذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَ حُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ، وَ
هُوَ يَضْحَجُ إِلَيْكَ ضَعْفِ الْجَمَلِ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَ يُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي
الْعَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَبُهَا وَ أَنْتَ تَسْمَعُ
صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، أَمْ كَيْفَ
تَرْجُرُهُ زَبَابِيَّتِهَا وَ هُوَ يَنَادِيكَ يَا رَبَّهُ، أَمْ كَيْفَ

يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَشْرُكُهُ فِيهَا، هَيْهَاتَ مَا ذَاكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ
الْمُؤَخَّرِينَ مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْدِيْبِ جَاهِدِيكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَاذِيكَ،
لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَيْلًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرًا وَلَا مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتُ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ
مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ، وَأَنْتَ جَلُّ شَأْنِكَ قُلْتَ مُبْتَدَأًا وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَبِّرًا، أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا
كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَتُونَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي فَأَسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَغَلَبْتَ مِنْ عَلَيْهِ
أَجْرِيَّتَهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ جُزْمٍ أَجْرَمْتُهُ، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ،
كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ
شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ،
وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ، أَوْ بَرٍّ نَشَرْتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَا تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ
يَا رَبِّ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَقِي، يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَّتِي، يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَسْكِنِي، يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي، يَا رَبِّ
يَا رَبِّ يَا رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً،

وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَهُ، وَ أَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَهُ، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَ أَوْرَادِي كُلُّهَا وَرَدًا وَاحِدًا، وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَيْرًا مَدَامًا، يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَ أَشَدُّ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي، وَ هَبْ لِي الْجِدُّ فِي خَشْيَتِكَ، وَ الدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أُسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَ أُسْرَعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ، وَ أَشْتَاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاقِينَ، وَ أَذْنُو مِنْكَ ذُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَ أَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَ أَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَ مَنْ كَادَنِي فَكَدْهُ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ، وَ أَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَ أَخْصِيهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَ جُدْ لِي بِجُودِكَ وَ اعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَ احْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَ اجْعَلْ لِسَانِي بِعِذِّكَ لَهْجًا، وَ قَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيماً، وَ مَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ، وَ أَقْلُنِي عَثْرَتِي وَ اغْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتَكَ بِعِبَادَتِكَ وَ أَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَ ضَمَنْتَ لَهُمْ الْإِجَابَةَ، فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَابْعَثْ لِي سَائِلًا لِي دُعَائِي، وَ بَلِّغْنِي مُنَايَ وَ لَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَ اكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مِنْ أَعْيَادِي، يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ، فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ اسْتَمَّ دَوَاءً، وَ ذَكَرَهُ شِفَاءً وَ طَاعَتُهُ غِنَى، إِرْحَمْ مَنْ رَأْسَ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَ سِوَالِحُهُ الْبُكَاءُ، يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ صَلِّ اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولِهِ، وَ الْأَيْمَةَ

الْمَيَامِينَ مِنْ آلِهِ، وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

زیارت حضرت عبدالله والد گرامی پیغمبر اکرم(ص)

که پس از مراجعت از شام و قبل از ولادت آن حضرت از دار دنیا رحلت نموده و قبرش در کوچه ای نزدیک بازار واقع شده است می خوانی: اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ يَا وَلِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِیْنَ اللّٰهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُسْتَوْدَعَ نُورِ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَ خَاتَمِ الْاَنْبِیَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ اَنْتَهٰی اِلَیْهِ الْوُدِیْعَةُ وَ الْاَمَانَةُ الْمَنْیْعَةُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ اُوْدِعَ اللّٰهُ فِی صَیْلِبِهِ الطَّیْبِ الطَّاهِرِ الْمَكِیْنِ نُورَ رَسُوْلِ اللّٰهِ الصَّادِقِ الْاَمِیْنِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَ سَیِّدِ الْاَنْبِیَاءِ وَ الْمُرْسَلِیْنَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ حَفِظْتَ الْوَصِیَّةَ وَ اَدَّیْتَ الْاَمَانَةَ عَنْ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ فِی رَسُوْلِهِ وَ كُنْتَ فِی دِیْنِكَ عَلٰی یَقِیْنٍ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ اتَّبَعْتَ دِیْنَ اللّٰهِ عَلٰی مِنْهَاجِ جَدِّكَ اِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلِ اللّٰهِ فِی حَیَاتِكَ وَ بَعْدَ وَ فَاتِكَ عَلٰی مَرْضَاتِ اللّٰهِ فِی رَسُوْلِهِ وَ اَفْرَزْتَ وَ صَدَّقْتَ بِبُؤُوْهِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ وَ وِلَايَةِ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ الْاَئِمَّةِ الطَّاهِرِیْنَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، فَصَلِّ اللّٰهُ عَلَیْكَ حَیًّا وَ مَیْتًا وَ رَحْمَةً اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

و زیارت دوم برای آن حضرت این است: اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ يَا صَاحِبَ الْمَعْجِدِ الْاَنْثَلِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَیْرَةَ فَرْعٍ مِنْ دَوْحَةِ الْخَلِیْلِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ الدَّبِیْحِ اِسْمَاعِیْلَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَلَالَهَ الْاَبْرَارِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا النَّبِیِّ الْمُخْتَارِ وَ عَمَّ الْوَصِیِّ الْكِرَارِ وَ الْوَالِدِ الْاَئِمَّةِ الْاَطْهَارِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ اَضَاءَتْ بِنُورِ جَبِیْنِهِ عِنْدَ وِلَادَتِهِ اَطْرَافَ السَّمَاوِیَّاتِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا یُوسُفَ آلِ عَبْدِ مَنَافٍ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ سَلَكَ مَسَلَكَ جَدِّهِ اِسْمَاعِیْلَ فَاَسْلَمَ لِاَبِیْهِ لِيُدْبَحَهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ فَدَاهُ اللّٰهُ بِمَا فَدَاهُ فَتَقَبَّلَهُ

فَأَعْطَاهُ اللَّهُ وَ أَبَاهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَامِلَ نُورِ النُّبُوَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَشْرَفَ النَّاسِ فِي الْأَبُوَّةِ وَ النُّبُوَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الطَّاهِرِينَ بَعْدَ الطَّاهِرِينَ وَ ابْنَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

